

ششمین همایش سالانه و دومین همایش بین المللی انجمن علمی مطالعات صلح ایران با همکاری موزه فرش ایران و دیگر نهادهای علمی از کشورهای گوناگون جهان برگزار می شود:

چکیده مقالات همایش

ادیان و صلح آفرینی در هزاره سوم؛ ظرفیت ها و چالش ها

دهم و یازدهم خردادماه ۱۴۰۲

ISC

دبیر علمی همایش:
آیه اله دکتر مصطفی محقق داماد

دبیر اجرایی همایش:
دکتر حسین منفردی





ششمین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران
با همکاری نهادهای ملی و بین المللی

نهاد برگزار کننده: کمیته صلح و دین پژوهی انجمن علمی مطالعات صلح ایران

دهم و یازدهم خردادماه ۱۴۰۲

تهران

دبیر علمی همایش: آیه اله دکتر مصطفی محقق داماد

دبیر اجرایی همایش: دکتر حسین منفردی

عکس	کشور	سمت	نام
	سنگاپو	دانشیار دانشگاه ملی سنگاپور	سید فرید العطاس
	ایتالیا	دانشیار دانشگاه تورین	لوکا اوزانو
	ترکیه	استاد دانشگاه اینونو	فکرت بیردسلی
	ایران	عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی بیمه اکو در دانشگاه علامه طباطبائی	ماندانا تیشه یار
	ایران	رئیس اداره ادیان شرقی در سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی	محمد جعفری ملک
	کانادا	استاد دانشگاه ویکتوریا	حاجه ساجه
	ایران	عضو هیات مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران	ندا حاجی وثوق
	ایران	دانشیار دانشگاه تربیت مدرس	محمد جعفر حبیب زاده
	هندوستان	استاد دانشگاه دهلی	بالا دواراکوندا

عکس	کشور	سمت	نام
	ایران	روزنامه نگار و پژوهشگر	حسن سلامی
	ایران	دانشیار دانشگاه شهید بهشتی	باقر شاملو
	ایران	دانشیار دانشگاه تهران	اکبر علی علیخانی
	ایران	استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	نعمت اله فاضلی
	ایران	استاد موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی	مقصود فراستخواه
	نروژ	استاد پژوهشگر در موسسه مطالعات صلح اسلو	گریگوری قایشبرگ
	ایران	عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی	خسرو قبادی
	هندوستان	عضو هیات علمی موسسه مطالعات تاریخی	شهرناز کاما
	روسیه	استاد دانشگاه تیخون ارتدوکس علوم انسانی مسکو	النا کنوره

عکس	کشور	سمت	نام
	ایتالیا	استاد در دانشگاه های ساینز ر م و علامه طباطبائی تهران	رافائل مائوریلو
	ایران	عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	محمد مهدی مجاهدی
	ایران	استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو فرهنگستان علوم ایران	مصطفی محقق داماد
	ایران	دانشیار دانشگاه خوارزمی	محمد رضا مصطفی پور
	ایران	دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز	مجتبی مقصودی
	ایران	عضو هیات مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران	محمد منصورنژاد
	ایران	دکترای مدیریت استراتژیک	حسین منفردی
	ایران	دانشیار دانشگاه تهران	سید عبدالامیر نبوی
	افغانستان	استاد دانشگاه هرات	طارق نبی

فهرست چکیده های فارسی

- ۱ مقدمه
- ۴ جایگاه گفتگوی ادیان در فرایند دستیابی به صلح جهانی در هزاره سوم / سیدمحمدجواد آل مولانا
- ۶ امام ابوحنیفه و مبارزه با استبداد سیاسی / فضل احمد احمدی
- بررسی عملکرد سازمان شورای ادیان برای صلح در خاورمیانه؛ اهمیت همکاری بین ادیان / بابک
- ۷ ارسیا، مریم خالقی نژاد
- ۹ اسلام رحمانی خوانشی در نقد خشونت ورزی؛ با رویکردی نواندیشانه / سید محمد علی ایازی
- ۱۱ صلح در قرآن، تاکتیک یا استراتژی؟ (با نیم نگاهی به فتاوا و منابع خشونت) / عمادالدین باقی
- ۱۳ روایت توصیفی از رویکرد نواندیشی دینی به صلح / مریم باقی
- بررسی نظر فقه امامیه در درمان بیماری موجب فسخ نکاح جهت جلوگیری از تداوم منازعه در
- ۱۵ خانواده / عسکر بنی شعبان، حامد عمویی
- آینده پژوهی اثرات هوش مصنوعی بر منازعات: آسیب دیدگان و راه حل های احتمالی در فقه و
- ۱۷ اخلاق شیعی / مجید پورسهی، حامد عمویی
- ۱۹ نقش ادیان در ایجاد صلح و دوستی با تأکید و تمرکز بر دین اسلام / تندیس تقوی
- ۲۱ دعوت اسلامی با چه ابزاری: جنگ یا صلح؟ / سید محمد ثقفی
- ۲۳ مراعات حقوق بشر زیربنای صلح جهانی از دیدگاه اسلام / جلال جلالی زاده
- نقش آموزه های اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر منطقه خاورمیانه /
- ۲۵ آذین دخت جمال زاده، سید حسین موسوی کردمیری
- ۲۷ بررسی رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صلح جهانی / محمدجواد حسینی

- ۲۹..... بررسی اهمیت پارادایلماسی در ترویج صلح / مریم خالقی نژاد
- پیدا کردن علل جنگ و پی آمدهای نامیمون آن، در درازنای تاریخ و چگونگی درمان علمی آن، از
- ۳۱..... راه بکارگیری دانش دین / اردشیر خورشیدیان
- ۳۲..... دین و آموزش آن: بازرسی حل مناقشه در سراسر جهان / محمد دلاور حسین
- ۳۴..... برآمدن موج سوم بنیادگرایی در عراق: تحلیلی جامعه‌شناختی / علیرضا ذاکری
- ۳۷..... راهبرد دین اسلام در تعامل با دیگر ادیان و ملل / ناصر رحمدل
- ۳۹..... بررسی نقش رسانه‌های داعش در تشدید پروژه اسلام‌هراسی / فائزه رحیمی مقدم، رامین نصیری
- صلح و جنگ در آیین مسیحیت ارتدوکس؛ مطالعه رویکرد کلیسای ارتدوکس روسیه / احمد
- ۴۰..... رشیدی
- ۴۲..... نسبت میان دین و صلح اجتماعی در کشور اوکراین / ابراهیم رضایی راد
- بررسی و مقایسه مفهوم صلح کل عرفانی با مفهوم صلح از منظر سیاسی / سید حمیدرضا رئوف ،
- ۴۳..... سمانه فیضی
- ۴۵..... ادیان و آیین ها و تجربه صلح و مدارا در اندونزی / بهاره سازمند
- ۴۷..... دین و صلح آفرینی در لبنان؛ ظرفیت ها و چالش ها / حسن سلامی
- تبیین آموزه های اخلاقی دین صابئین مندائی در راستای صلح آفرینی در هزاره سوم / عزیز سواری،
- ۴۹..... سیدجلال هاشمی
- نقش فرهنگ و جهان بینی مردم قزاق در حفظ و برقراری دوستی و صلح در منطقه و جهان / زبیده
- ۵۱..... شادکام
- راهبرد پیام های پیامبران با کار فرهنگی یا پیکار جنگی؟! ضرورت و تقدم کار فرهنگی در نگاه
- ۵۳..... قرآن کریم و پیشوایان کرام(ع) / سیدعلی رضا شفیعی مطهر

- آثار میان فرهنگی و نقش گردشگری در ایجاد همزیستی میان یهودیان و شیعیان/ بنیامین صادقی. ۵۵
- بررسی مؤلفه های صلح در حدیث پیامبر اسلام(ص) / سید مجتبی طاهری ۵۷
- تحدید نظریه امتناع اسلامی در رواداری دینی و کثرتگرایی حقوقی در نیل به صلح پایدار/ ابوذر
عبدی ۵۹
- صلح نزد اقطاب نقشبندیه؛ بررسی صلح در منظومه فکری مولانا عبدالرحمان جامی / محمد داوود
عرفان ۶۱
- اسلام هراسی و نقش مخرب آن در پروسه صلح جهانی / احسان عزیزی ۶۳
- دین و هستی شناسی صلح: ظرفیت های آیین دائویی برای صلح پایدار / سید محسن علوی پور ۶۵
- سیر تحول مفهوم جهاد؛ از تحقق امنیت تا ایجاد ناامنی / علی اکبر علیخانی ۶۷
- مبانی قرآنی مواجهه امام خمینی (ره) با پیروان ادیان الهی در دستیابی به صلح جهانی / عیسی
عیسی زاده، یاسر ابوزاده گتابی ۶۹
- رویکرد اسلام شیعی به صلح در اندیشه و عمل امام دوم شیعیان / خسرو قبادی ۷۰
- رنج تابی علی(ع) برای صلح / بخشعلی قنبری ۷۲
- همزیستی مسالمت آمیز خلفای عباسی با اهل کتاب / نادر کریمیان سردشتی ۷۴
- تأثیرات تمدن اسلامی بر جهان مسیحیت در پرتو همگرایی و همزیستی مسالمت آمیز / نادر کریمیان
سردشتی ۷۶
- صلح همگانی با تأکید بر مبانی اسلام، مسیحیت و بودیسم / گارینه کشیشیان سیرکی ۸۰
- نقش رهبران دینی، آموزش و رسانه صلح در حل بحرانهای دیپلماتیک / سید محمود کمال آرا ۸۲
- ادیان و صلح آفرینی در هزاره سوم: ظرفیت ها و چالش ها / عبدالرحیم گواهی ۸۴

- رویکرد اسلام به حفظ محیط زیست و نقش آن در ارتقای صلح جهانی / نغمه مبرقعی، هومان
 لیاقتی ۹۱
- دو مفهوم صلح / محمد مهدی مجاهدی ۹۳
- اختلافات مذهبی و شکل‌گیری بحران‌های جنوب غرب آسیا / علیرضا محرابی ، محمدرضا جوفار ۹۵
- افراطی‌گری دینی و اعتقادی و صلح‌ستیزی؛ شناخت بنیادها و زمینه‌ها / فریده محمدعلی‌پور..... ۹۶
- بررسی و تحلیل موضوع صلح و صلح‌طلبی در آموزه‌های قرآن کریم / مزگان محمدی ۹۸
- نقش راهکارهای صلح‌آمیز دین اسلام در ارتقای وضعیت حقوق بشر / مهدی مخبری ۱۰۰
- صلح و بازاندیشی آیات جهاد در قرآن / اسداله مرادی ۱۰۲
- رویکرد ادیان به گوناگونی فرهنگی برای دستیابی به صلح جهانی / صفی‌الله ملکی ۱۰۴
- صلح و ناصح در مواضع امام جواد (ع): درس‌هایی برای خلق فرهنگ صلح / محمد
 منصورنژاد ۱۰۵
- مناسبات ادیان با صلح و ناصح «متاورس» / محمد منصورنژاد ۱۰۷
- صلح در اسلام و بسترهای گفتمانی آن / اسماعیل منصوری لاریجانی ۱۰۹
- ثبت جهانی کوه دماوند عامل گفتگو و صلح زیست محیطی درون و بین نسلی در هزاره سوم با
 تاسی از آیات و روایات / حسین منفردی ۱۱۱
- تفوق گفتمان صلح بر گفتمان جنگ در سیره نبوی / سید جمال موسوی ۱۱۳
- راهکارهای صلح‌آفرینانه ادیان الهی در قبال بحرانهای خانوادگی / مهری سادات موسوی ۱۱۵
- ظرفیتها و موانع همزیستی عادلانه بشری در اسلام / مهدی نادری ۱۱۷
- ماهیت خشونت تکفیری‌ها؛ رفتار مسلمانی یا رفتار اسلامی؟! / مهدی نادری، حسین شبانی ۱۱۹

- مصالحه سنت گرایی دینی و مدرنیته دینی: در مصاف با مساله صلح، حقوق بشر و شهروندی / سید محمود نجاتی حسینی ۱۲۱
- بررسی تأثیر چگونگی فهم سیاسی از اسلام در تشدید یا تخفیف خشونت در منطقه خاورمیانه (۲۰۲۱-۲۰۰۱) / رامین نصیری ، حسن قدرتی نژاد ۱۲۳
- جایگاه اجرای حقوق شهروندی از نگاه اسلام در کاهش منازعات حوزه امدادسانی / زینب نعمتی، علی جهانخواه ، مهدی خدایی ۱۲۵
- دیدگاه دین به صلح جهانی: صلح بدون جنگ / محمد نورعالم ۱۲۷

مقدمه

امروزه در بیشتر مناطق جهان، روندهای صلح آفرینی با چالش‌های بسیاری مانند تروریسم، بنیادگرایی، روابط قدرت میان دولت‌ها و ملت‌ها، مشکلات زیست محیطی، تنش‌های قومی، مذهبی، هویتی و جنسیتی، مهاجرت و دیگر مشکلات که به ناامنی و تهدید صلح و آرامش جوامع می‌انجامند، روبرو شده و این امر، تأثیرات گسترده‌ای بر زیست مردم جهان بر جای گذاشته است. این در حالیست که در عصر ارتباطات و به ویژه با گسترش شبکه‌های اجتماعی مجازی، اثرگذاری رویدادها بر جوامع و تأثیرپذیری زندگی مردم جوامع گوناگون از یکدیگر افزایش چشمگیری یافته است.

ادیان جهانی به عنوان مهمترین منبع راهنمای جوامع به سوی سعادت، از دیرباز نقشی کلیدی در تعریف راه‌های دستیابی به صلح و آشتی در سراسر گیتی در پیش روی پیروان خود گذاشته‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد هم‌اندیشی برای یافتن سازوکارهای مشترک و طراحی برنامه‌های جمعی برای دستیابی به صلح جهانی از سوی دین پژوهان و اندیشمندان دینی، از یکسو می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای همزیستی مسالمت‌جویانه میان جوامع در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم آورد و از سوی دیگر می‌تواند زمینه دست‌یابی به راه‌حل‌های مشترک در برابر تهدیدات و ناامنی‌های جهانی را فراهم آورد.

بر این پایه، مناسب است که عرصه‌ای برای گفتگوی علمی میان اندیشمندان و دین پژوهان در کشورهای گوناگون در زمینه راه‌های همکاری جمعی برای برپاداری صلح جهانی و کوشش برای ارایه‌گفتمان‌های مناسب صلح آفرین، بر پایه آموزه‌های دینی فراهم آید. انجمن علمی مطالعات صلح ایران، در سال‌های اخیر نهادی پیشگام در زمینه فراهم آوردن بستر مناسب برای گفتگو و اندیشه‌ورزی میان دین پژوهان و نیز نخبگان فکری از ادیان گوناگون با هدف صلح آفرینی بوده است. از این رو، کمیته صلح و دین پژوهی این انجمن، کوشش کرده است تا با برگزاری همایشی بین‌المللی، به بررسی

ظرفیت ها و چالش های پیش روی ادیان برای صلح آفرینی در هزاره سوم با مشارکت نخبگان علمی، دینی و دانشگاهی از کشورهای گوناگون پردازد.

هدف از برگزاری این همایش، تولید ادبیات علمی پیرامون رویکرد ادیان نسبت به صلح پایدار، دعوت از دین پژوهان و اندیشمندان دینی به تامل در موضوعات صلح و ناصح در جهان امروز، آشناسازی و برپایی ارتباط میان اندیشمندان مطالعات دینی در کشورهای گوناگون و یافتن راهکارهایی برای صلح آفرینی در جوامع امروزی بر پایه آموزه های دینی بوده است.

بر گزارکنندگان همایش از استادان، پژوهشگران و دانشجویان ارجمند از دوازده کشور جهان که با فرستادن چکیده و اصل مقالات خود و یا با ایراد سخنرانی در این همایش به غنای علمی آن یاری رسانده اند، سپاسگزاری کرده و امیدوارند که برگزاری این همایش زمینه اندیشه ورزی و همفکری برای بهره مندی بیشتر از آموزه های ادیان در ساختن جهانی صلح آمیزتر را فراهم آورده باشد.

همچنین انجمن علمی مطالعات صلح ایران لازم می داند از اعضای کمیته اجرایی همایش "ادیان و صلح آفرینی در هزاره سوم؛ چالش ها و ظرفیت ها"، خانم ها و آقایان کمیل انتظاری، امین آلبوغیش، وحید باغبان، شیرین تاجیک، دکتر مریم خالقی نژاد، دکتر مهرداد خرم نصر، مریم شایگان، سید علیرضا شفیعی مطهر، محبوبه قبادی، حجت الله محمدشاهی، امیرحسین منصور، راضیه مینایی، فاطمه ناصری، پری وکیلی و مریم هاشمی نژاد که با کوشش و همدلی زمینه برگزاری این همایش را فراهم آوردند، صمیمانه سپاسگزاری کند. بدون همیاری و پشتیبانی این دوستان گرانقدر، ششمین همایش انجمن نمی توانست برگزار شود.

- چکیده های فارسی

جایگاه گفتگوی ادیان در فرایند دستیابی به صلح جهانی در هزاره

سوم

سیدمحمدجواد آل مولانا^۱

استفاده از ظرفیت گفتگوی ادیان در فرایند دستیابی به صلح جهانی از جمله مباحث بسیار مهم و ضروری در عصر کنونی می باشد. هر جامعه ای از بخش خرد آن گرفته که نهاد خانواده است، تا بزرگترین بخش آن که عبارت از جامعه جهانی است، برای داشتن یک زندگی اخلاق مدار توأم با موفقیت، رشد و سعادت همگانی، نیازمند محیطی آرام و به دور از درگیری ها و برخوردها است، که همه اینها می تواند در سایه صلح پایدار، تحقق پیدا کند. نبود صلح و زندگی همراه با درگیری و نزاعها در سطح جهانی می تواند آثار و عواقب شوم بیشتری را متحمل بشریت نماید.

پرسشی که اینجا مطرح می شود، آن است که کدام نیرو یا نهاد می تواند بیشترین تاثیر را در ایجاد صلح عمومی و جهانی ایفا نماید؟ به یقین ادیان الهی با توجه به دامنه گستردگی شان در دنیا و رابطه معنوی که بین رهبران ادیان با پیروان دارند، می توانند بیشترین و مهمترین نقش را در ایجاد صلح جهانی داشته باشند.

ایده اصلی این نوشتار نیز برآمده از مشاهده قدرت قابل توجه ادیان در جوامع می باشد، که اگر این نیرو (ظرفیت یا پتانسیل) به دور از جهالت و بر پایه آموزه های اصیل دینی که همانا تاکید بر مهر و محبت و اخلاق نسبت به دیگران است، به صورت عقلانی استفاده شود و ادیان بر اساس گفتگو بتوانند در مقابل فرصت طلبان متحد شوند، آنگاه جهان می تواند شاهد صلح و آرامش باشد. این مقاله بصورت توصیفی و تحلیلی بوده و مبتنی بر روش کتابخانه ای خواهد بود. این

۱. پژوهشگر آزاد

پژوهش با تجزیه و تحلیل واقعیت های تاریخی در خصوص جایگاه و ظرفیت ادیان الهی و همچنین همبستگی آنان در برابر هر گونه افراط گرایی و خشونت از یک طرف و تاکید بر مهر و عطف و زیست همراه با صلح و مفاهمه از سوی دیگر، به این نتیجه می رسد که ادیان به عنوان مهم ترین و بزرگترین نهاد اجتماعی، توانایی های لازم در جوامع مختلف و در صحنه سیاست جهانی در راستای ایجاد صلح، گفتگو و مفاهمه را دارا می باشند.

واژگان کلیدی: گفتگوی ادیان، صلح جهانی، جنگ، اخلاق دینی

امام ابوحنیفه و مبارزه با استبداد سیاسی

فضل احمد احمدی^۱

شهرت امام ابوحنیفه به عنوان پرچمدار فقه و کلام اسلامی بر هیچ کسی پوشیده نیست. او که در زمان حکومت ها و امپراتوری های بزرگ جهان اسلام یعنی امویان و عباسیان می زیست، در عمل و نظریه با استبداد سیاسی حاکم مبارزه می کرد. مبارزات علنی و حمایت او از مظلومین سبب شد بارها او را از سر اجبار به دربار بکشانند و حکام دستورات خویش را بر وی ابلاغ کنند، اما او همچنان در برابر هیچ گونه استبدادی سر فرود نیاورد و سرانجام بخاطر امتناع از دستورات که آنها را خلاف شرع می دانست، زندانی شد و جان به حق سپرد (تاریخچه). رویکرد اساسی امام در قبال خودکامگی و خودسری های حکام، مبارزه مسالمت آمیز و آن هم با به چالش کشیدن عملکرد آنان از دیدگاه فقی بود، رویه ای که محدود به زمان حیات امام نشد بلکه هر روز بیشتر از روز دیروز گسترش یافت و سرانجام احناف همچنان در تقابل با استبداد سیاسی قرار دارند (بیان مسأله). این موضوع زمانی اهمیت پیدا می کند که برحق بودن مبارزات امام در مقابل استبداد موجود وقت را به عیان می توان اثبات کرد (اهمیت). این پژوهش که به بررسی این مطلب پرداخته است (هدف)، در پی یافتن پاسخ به این پرسش است که امام ابوحنیفه چه نظر و دیدگاهی در مقابل استبداد سیاسی داشت و از چه راه هایی به مبارزه با آن می پرداخت؟ (سوال). با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با کمک از منابع کتابخانه ای (روش)، این نتیجه به دست می آید که امام ابوحنیفه در هر دولت زمان (امویان و عباسیان) در مقابل استبداد سیاسی مبارزه نموده و از مظلومین در برابر جبر و زور حکام و فرمانروایان حمایت کرده است، چنانچه خود نیز قربانی مبارزه علیه استبداد شده است (یافته).

واژگان کلیدی: امام ابوحنیفه، استبداد سیاسی، مبارزه با ستمگر، امویان و عباسیان.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه غالب (هرات).

بررسی عملکرد سازمان شورای ادیان برای صلح در خاورمیانه؛ اهمیت همکاری بین ادیان

بابک ارسیا^۱

مریم خالقی نژاد^۲

نقش فرهنگ و مذهب در ایجاد درگیری و ایجاد صلح بسیار برجسته است. این امر در خاورمیانه که مملو از فرهنگ ها و مذاهب گوناگون است، بسیار مهم است به همین دلیل شاهد شکل گیری سازمانهای مختلف در این زمینه هستیم.

با توجه به مناقشات متعدد و موانع صلح پایدار در خاورمیانه، شناسایی کاتالیزورهای مختلف در جهت سوق دادن جوامع به سمت صلح بسیار مورد اهمیت است. بنا بر اهمیت مطالعه میان مذهبی در خاورمیانه، به ویژه در مورد ادیانی با ریشه های بسیار پیچیده مانند ادیان ابراهیمی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) که در آن ارتباط متقابل دلایل رقابت و درگیری تاریخی را نشان می دهد و بسیاری از کشورهای خارجی بر همین امر تمسک جسته و به دخالت در منطقه پرداخته اند، در این مقاله تلاش داریم تا با مطالعه موردی سازمان شورای بین ادیان برای صلح در خاورمیانه به بررسی عملکرد آن در کشف نقاط همگرایی برای حل مناقشه و ترویج صلح پردازیم. اهمیت این موضوع بر این اساس است که حامیان و موسسان سازمان های مختلف برای همگرایی بین ادیان همانند سازمان شورای بین ادیان برای صلح در خاورمیانه، بیشتر از کشورهای خارجی هستند تا کشورهای منطقه؛ لذا همین امر ممکن است باعث ترویج اختلاف میان کشورهای داخلی نیز گردد. بر همین اساس، نیاز است تا به بررسی عملکرد این سازمانها پردازیم تا روشن شود که آیا این سازمان ها در جهت رسالت خود موفق بوده اند یا خیر؟ بدین منظور مساله اصلی

۱. استادیار جهاد دانشگاهی

۲. مدرس دانشگاه و پژوهشگر مسائل منطقه ای و بین المللی

این نوشتار در خصوص عملکرد سازمان شورای بین ادیان در راستای همگرایی بین ادیان است. پرسش اصلی مقاله آن است که عملکرد سازمان شورای بین ادیان برای صلح در خاورمیانه چگونه بوده است؟

در پاسخ، فرضیه مقاله بر این ادعاست که سازمان نام برده علیرغم فعالیت بسیار زیاد و پرتنر، در زمینه آگاهی رسانی بسیار خوب عمل کرده است اما برای به عرصه عمل رساندن اهداف خود در خصوص همگرایی بین ادیان نیاز به همکاری دولت های منطقه و سازمان های جهانی دارد. که این امر نه تنها برای سازمان نام برده، بلکه برای همه سازمان های مشابه باید صورت گیرد. روش این مقاله به صورت تحلیلی و تبیینی با استفاده از منابع و اسناد معتبر است.

واژگان کلیدی: مذهب، صلح، همگرایی بین ادیان، سازمان شورای بین ادیان، خاورمیانه.

اسلام رحمانی خوانشی در نقد خشونت ورزی؛ با رویکردی نواندیشانه

سید محمد علی ایازی^۱

اسلام رحمانی جریانی نواندیشانه از دین و در برابر تفسیری خشونت-ورزانه از اسلام است. اسلام رحمانی، بر پایه سراسر رحمت بودن چهره و حیانی اسلام است. خدای قرآن، سیمایی مهربان از پروردگار را به نمایش می گذارد و پیامبری را توصیف می کند که رحمت بر همه جهانیان است و با این ویژگی رسالت خود را آغاز کرده تا آموزگار، مربی و الگوی آنان در زندگی باشد. این قرائت از اسلام در بستری از تحولات سیاسی اسلام معاصر و بیشتر در واکنش به اسلام گرایان خشونت گرا و حکومتی شکل گرفت؛ و نسبت به آن تفسیری که با همه مظاهر دینی که کرامت و عدالت انسان را مخدوش می کرد، نقد جدی داشت. به نظر آنان این برداشت با محکومات قرآن و سیره پیامبر ناسازگاری داشت و عقلای جامعه دینی و غیردینی آن را منفی و خشونت بار می دانستند. الثفات دیگری که این نظریه با رقیب خود داشت، مخالفت با تحکم، استبداد، و نادیدن حقوق انسان شهروند و دگراندیش است.

این نوشته در مقام تبیین این قرائت و تعیین شاخصه ها و مبانی نظری و تحلیل خاص مسئله با نگاه درون متنی (قرآن و حدیث) است. کسان دیگری در این باره به موافقت و یا مخالفت سخن گفته اند، که به این معنا نیست که این نوشته با همه آن مطالب همسویی دارد، یا با شیوه استدلال و موضع گیری آنان موافقت دارد. نویسندگان بسیاری از مبانی را در کتاب ها و مقالات خود تنقیح کرده است. هدف ارائه منسجم تر نظریه و روشن کردن ابعاد و مرزبندی آن با تفسیری است که

۱. قرآن پژوه معاصر، مجتهد شیعه

اراده و کرامت انسان را مخدوش کرده است. طبعاً این تفسیر از احکام اسلام چالش بسیار با برخی از احکام فقه سنتی و فقه حکومتی دارد که به مواردی در متن به آن اشاره شده است.

واژگان کلیدی: اسلام رحمانی، اسلام سیاسی، خشونت دینی، فقه و حقوق، مجازات، اجرای حدود.

صلح در قرآن، تاکتیک یا استراتژی؟ (با نیم نگاه به فتاوا و منابع خسونت)

عمادالدین باقی^۱

مسئله: عملکرد تهاجمی سازمان های بنیاد گرای اسلامی ریشه در تفکر و برداشتی از قرآن دارد که نافی اصالت صلح اسلام و پیامد آن، ناامنی در جهان و کمک به پروژه اسلام هراسی است. یکی از راه های رسیدن به صلح جهانی این است که ما تکلیف خود را با برخی آموزه های دینی روشن کنیم. اگر رویکرد قرآن به جنگ و صلح چنانکه بنیاد گرایان و مخالفان اسلام می گویند باشد، طبیعتاً آیینی که بشریت را به کشتار فرا می خواند باید کنار گذاشته شود و اگر آنچه آنها می گویند بی بنیاد است، باید روشنگری شود تا این جریانات منزوی شوند و راه برای صلح در جهان هموارتر گردد.

بنیاد گرایان و ضد بنیاد گرایان لائیک، با تمایز گذاری آیات مکی و مدنی می گویند آیات مکی که در زمان فقدان قدرت پیامبر بوده سرشار از مدارا و رحمت است، اما آیات مدنی در زمانی که پیامبر دولت تشکیل داده و در موضع قدرت است، دعوت به جنگ و کشتار مخالفان است. این ادعای رایج و شایع که به خاطر سادگی صورت مسئله باور پذیر شده و بسیاری از منتقدان و حتی باورمندان، آن را طوطی وار تکرار می کنند چقدر اعتبار دارد؟ اگر این مدعا درست باشد، معنایش این است که صلح مورد نظر قرآن صلح تاکتیکی است نه صلح استراتژیک و در این صورت نمی شود به صلح مورد ادعای مسلمانان اعتماد کرد. از نظر اخلاقی نیز نوعی دورویی

۱. نویسنده و پژوهشگر دین و حقوق بشر، عضو شورای علمی دانشنامه فرهنگ مردم، مدیر گروه جامعه شناسی دین انجمن جامعه شناسی ایران

و دوگانگی وجود دارد و اخلاق تابع قدرت و سیاست است و قاعده تبعیت صلح از موازنه قدرت وجود دارد؛ در حالی که معنای اصالت صلح این است که ما چه در موضع ضعف باشیم چه قدرت، باید صلح تقدم و اولویت داشته باشد.

این مقاله با روش تحلیل محتوای کیفی، تمام آیات قرآن درباره جنگ و صلح را بررسی کرده و نظریه چهاروجهی زیر را مطرح می نماید ۱- ضمن رد تفکیک یاد شده میان آیات مکی و مدنی ۲- نشان می دهد در قرآن، اصل بر صلح همگانی به طور کلی است. ۳- رواداری با ادیان مورد تاکید ویژه است. ۴- برخلاف این تصور که دین از عوامل جنگ ها است، برعکس خشونت و جنگ از جامعه به آموزه های دینی منتقل شده نه از دین و متون و آموزه های دینی به جامعه.

واژگان کلیدی: صلح تاکتیکی، صلح استراتژیک، آیات مکی، آیات مدنی، اصالت صلح، بنیادگرایی.

روایت توصیفی از رویکرد نواندیشی دینی به صلح

مریم باقی^۱

مساله این است که جهان ما تشنه صلح است و مستعد جنگی که سیاره زمین را در خطر نابودی قرار میدهد و جنگ طلبی جز به مرگ، فقر، معلولیت و خشونت نمی انجامد. از سوی دیگر، برخی قرائت های دینی مانع صلح و صلح سازی اند. چه خوانشی از دین اسلام، صلح را پشتیبانی و مسیر صلح سازی را آسان می کند؟ و دین (اسلام) چه کمکی می تواند به روند صلح سازی داشته باشد؟ این مسئله را به طرق گوناگون می توان و با ظرفیت های بالقوه و بالفعل اسلام بررسی کرد. در این مقاله به یکی از آن ظرفیت ها که نقش نواندیشی دینی است می پردازیم. از اینرو پرسش اصلی مقاله به عنوان یکی از طرق رسیدگی به مسئله مذکور این است که نگرش نواندیشان دینی به صلح چیست و آیا این نگرش می تواند نقشی در صلح سازی داشته باشد؟

ایده جاری در نوشتار این است که نوگرایان دینی در طول یکصد و پنجاه سال اخیر بحث های فراوانی در زمینه های مختلف داشته و اندیشه های تازه ای را در زمینه حقوق زن، علل عقب ماندگی، جنگ و صلح، اقتصاد اسلامی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، حاکمیت ملی و اصالت رای مردم، آزادی بیان، حقوق بشر و مفهوم فلسفی آن یا مواد اعلامیه جهانی و بحث انطباق یا عدم انطباق آنها با شریعت و.. مطرح کرده اند. در این نوشتار به دنبال اعلام انطباق یا عدم انطباق دیدگاه اسلام درباره صلح با نظریه های امروزی یا حقوق بشردوستانه نیستیم و تنها در مقام گزارش توصیفی بر آنیم که قرائت های قدیم و جدید در این زمینه را مطرح و دیدگاه اسلامی را درباره صلح به اختصار بیان کنیم. پر واضح است که اجتهاد و برداشت های پویا از

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی و دبیر سرویس حقوقی فصلنامه آگاهی نو

فقه و شریعت که به قول استاد مطهری، به کاربردن تدبر و تعقل در فهم ادله شرعی است را راز زنده نگه داشتن آن می دانیم.

روش مطالعه، روش، اسنادی و کتابخانه ای و به صورت گزارش از خوانش های روشنفکری دینی در زمینه صلح است. یافته های مقاله حاکی از وجود بنیان های مستحکم صلح جویی در اسلام است و نشان می دهد نوگرایان دینی که از اجتهاد مشروع (درمقابل اجتهاد ممنوع) استفاده می کنند در راه صلح سازی از طریق مفاهیم دینی کامیاب ترند.

واژگان کلیدی: نواندیشی دینی، صلح، صلح سازی، اجتهاد، جنگ ابتدایی، جنگ دفاعی

بررسی نظر فقه امامیه در درمان بیماری موجب فسخ نکاح جهت جلوگیری از تداوم منازعه در خانواده

عسکر بنی‌شعبان^۱

حامد عمویی^۲

عقد نکاح عقدی است که براساس اراده و توافق زوجین مطابق با احکام شرع اسلام و قواعد حقوقی به وجود می‌آید. از آنجا که در اسلام به استحکام و استمرار بنیان خانواده اهمیت ویژه‌ای داده شده، طلاق در آن تا حدودی مضموم است. در این میان، بیماری‌هایی وجود دارد که زندگی مشترک را با موانع متعددی مواجه می‌سازد. در فقه امامیه و قانون ایران، برای تعدادی از بیماری‌ها که به اندازه احصاء انگشتان دست نمی‌رسد، فسخ نکاح پیش‌بینی شده است. آنچه به نظر می‌رسد در این میان مغفول مانده، توجه به درمان بیماری است، به خصوص اینکه تعدادی از بیماری‌ها با توجه به پیشرفت علم پزشکی قابل درمان بوده، اما چندان توجهی به آن از نظر فقهی نشده و زوجین به لحاظ غامض بودن قضیه و عدم اطلاع از روند و مدت بهبودی کامل بیماری، فسخ را تنها راه برون‌رفت می‌دانند. در این حالت این پرسش پیش می‌آید که نظر فقه امامیه در درمان بیماری موجب فسخ نکاح جهت جلوگیری از تداوم منازعه در خانواده چگونه باید استخراج حقوقی شود؟ روش تحقیق مقاله، توصیفی و تحلیلی است و مقاله حول نظریات فقهی نکاح بسط یافته است. هدف آن نیز، کاهش فسخ نکاح در اثر بیماری‌های موجب فسخ است که اکنون قابل درمان هستند. یافته‌های مقاله گویای آن است که فقه پویای امامیه و

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. استادیار مدعو گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران.

قانونگذار در احکام و قواعد مربوط به بیماری‌ها به لحاظ درمان بیماری در عصر حاضر این امکان را دارند که ملاحظاتی را در نظر داشته و در قواعد فقهی و احکام خود بگنجانند تا تبدیل به حقوق شود.

واژگان کلیدی: نکاح، فسخ، بیماری، درمان، فقه امامیه

آینده پژوهی اثرات هوش مصنوعی بر منازعات: آسیب دیدگان و راه حل‌های احتمالی در فقه و اخلاق شیعی

مجید پورسهی^۱

حامد عمویی^۲

امروزه هوش مصنوعی پای در تعامل با انسان گذارده و مسایل زیاد و متنوعی را پیرامون خود مطرح نموده است. در واقع انسان امروز به اشکال مختلف از جمله پزشکی، ارتباطات، آموزش و... در محاصره هوش مصنوعی قرار گرفته است. میزان رشد و پیشرفت هوش مصنوعی و تغییرات آن به حدی سریع است که نمی‌توان اثرات آن را در حال و آینده نادیده گرفت. اگرچه هوش مصنوعی با بهبود شرایط زندگی بشر همراه است، اما نمی‌توان از کنار اثرات مخرب آن که می‌تواند موجب منازعات شود، گذشت. بنابراین در مسیر مصالح عمومی فرد و جامعه برای حمایت از منازعات آسیب دیدگان از خسارات هوش مصنوعی، نیاز است تا در فقه شیعی و مقایسه آن در اخلاق اسلامی به نقاط مشترک و متفاوت آن پرداخته شود. در کشوری چون ایران که حقوق بر بنای فقه شیعه بنا شده، نیاز است در راستای رفع منازعاتی از این نوع، راه‌های تازه فقهی در کنار راه‌های اخلاقی قرار گیرد. بر این اساس، پرسش اصلی این مقاله آن است که منازعات ناشی از هوش مصنوعی چه راه حل‌های احتمالی در فقه و اخلاق شیعی برای جبران خسارت دارند؟ روش تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و مقاله بر اساس نظریات معطوف

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲. استادیار مدعو گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

بر حقوق هوش مصنوعی بسط داده شده، هدف کلی آن نیز یافتن راه های حل این نوع منازعات است.

نتیجه کلی مقاله نشان می دهد که می توان با استفاده از مسئولیت سازنده، طراح و مالک هوش مصنوعی به تشریح و تفکیک انواع راه حل ها برای حل منازعات آسیب دیدگان از خسارت هوش مصنوعی، از درون فقه پویا برای ایجاد حقوق موضوعه به دست آورد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، فقه، اخلاق، منازعات.

نقش ادیان در ایجاد صلح و دوستی با تأکید و تمرکز بر دین اسلام

تندیس تقوی^۱

صلح و امنیت از دغدغه های همیشگی بشر بوده و انسان همت خویش را در مسیر دستیابی به این آرمان به کار گرفته است. هرچند در نیل به این مهم همواره توفیق چندانی نیافته و جنگ و ستیز همیشه در تاریخ بشر روزافزون بوده است. صلح در اسلام به خاطر مبانی مبتنی بر وحی از ویژگی هایی برخوردار است که نظیر آن در هیچ مکتب فلسفی یافت نمی شود. این پژوهش کوشش می کند جامعیت و جهان شمولی اسلام و توانمندی آن در ارائه بهترین نظریه مبتنی بر صلح را بررسی نماید. از دهه های پایانی سده بیستم نشانه های تقویت جایگاه دین در تئوری روابط بین الملل نمایان تر شده است. از یک سو واقعیت روابط بین الملل تحت تأثیر کارگزارانی قرار گرفته که با گرایش های دینی وضع موجود را به چالش می کشند و از سوی دیگر، در عرصه نظری نیز جریان مسلط روابط بین الملل آماج چالش های معرفت شناختی قرار گرفته که بر ضعف و ناکارایی عقل گرایی، پوزیتیویسم و ماتریالیسم در رسیدگی به مسایل و مشکلات روابط بین الملل تأکید می کنند. یکی از موضوعات مهمی که پرداختن به آن در تئوری روابط بین الملل ضرورت دارد، رابطه میان دین و صلح بین المللی است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که دین در ایجاد صلح و امنیت بین المللی چه نقشی دارد؟

این مقاله به این پرسش اساسی پاسخ می دهد که چه راهبردهای کلانی در آموزه های اسلام تبیین شده است که بر اساس آن بتوان به صلح و آرامش دست یافت. با توجه به نتایج به دست آمده می توان بیان نمود که اسلام در تبیین نحوه تعامل انسان ها، صلح و ثبات را محور قرار داده

۱. دانشجوی دکتری، رشته مطالعات فرهنگی دانشگاه یواس ام مالزی، دبیر آموزش و پرورش منطقه ۵ تهران.

و ضمن دعوت پیروان خود به آرامش و سلم، می کوشد تا با واقع نگری و همه جانبه نگری، راهکارها و دستورالعمل های مؤثری در بسط صلح ارایه نماید. محور قرار دادن فکر صالح و پرهیز از هر گونه اندیشه ناصواب، قول صالح و پرهیز از هر گونه لغزش های کلامی بر هم زننده صلح و آرامش و عمل صالح و پرهیز از ناهنجاری های رفتاری در تعاملات داخلی و بیرونی از جمله اصول راهبردی مهم و مؤثر قرآنی است. آنچه در نهایت برای رسیدن به صلح پایدار، محور و کانون توجه اسلام است، جهانی سازی در پرتو اصول و آموزه های دین متعالی است.

واژگان کلیدی: تئوری روابط بین الملل، دین، سکولاریسم، صلح، اسلام.

دعوت اسلامی با چه ابزاری: جنگ یا صلح؟

سید محمد ثقفی^۱

به تعبیر یک دانشمند دین شناس^۲ به سادگی می توان ادیان جهان را به دو دسته تقسیم کرد ادیان دعوتی و ادیان غیر دعوتی. می توان ادیان یهود، برهمنی، زرتشت را در گروه ادیان غیردعوتی و ادیانی مانند بودایی، اسلام و مسیحیت را جزو گروه ادیان دعوتی به شمار آورد. منظور از دین دعوتی، عبارت از دینی است که نشر حقیقت و ارشاد غیرمعتقدین به آن، وظیفه مقدس بنیانگذار و موسس دین جانشینان می باشد.

اگر هدف بنیانگذار این است که این حقیقت به همگان برسد و رسالت هدایت الهی بوسیله پیامبر و مومنان به دیگران ابلاغ گردد، نخستین پرسشی که به ذهن خطور میکند این است که ابلاغ دیانت و ایصال هدایت که یک موضوع ذهنی و فکری است به چه وسیله و ابزاری ممکن است؟ آیا به وسیله تبلیغ و اعزام مبلغان و سخن گفتن با مخاطبان به زبان و فرهنگ آنان یا به وسیله ای غیر متعارف احیانا جنگ و خونریزی؟

امروزه مسئله جنگ و قتال و کشتن کافران (حتی مسلمانان پاک ایمان) گروههای تکفیری (مانند طالبان، داعش، جنبش النصره، اصحاب جنبش محمد در پاکستان) وسیله ای برای سیاه نمایی چهره اسلام در جهان شده است که متأسفانه مسلمانان و فرهنگ اسلامی را در ذهن و دید

۱. استاد تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، محقق و مولف در زمینه تاریخ اسلام

۲. ماکس مولر- پدر علم تطبیق ادیان که پنجاه سال در هند مطالعه کرده و ۵۰ جلد کتاب درباره ادیان شرقی نوشته است.

جهانیان آیینی خشن و طرفدار تروریسم معرفی مینمایند و چه خسارتهایی که از این ناحیه بر کلیت جهان اسلام و مسلمانان وارد نشده است.

پرسش نویسنده این است که اولین وسیله دعوت در اسلام و آیین محمد چه ابزاری بوده است: منطق با استدلال عقلانی و برهانی و یا جنگ و خشونت و تحمیل عقیده؟!

آیا آیینی که ادعای اصلاحگری و هدایت دارد، میتواند با ابزار اکراه و زور و تحمیل سازگاری داشته باشد؟ و یا اساسا مسئله هدایت و ارشاد یک مسئله فکری - ذهنی است و اگر هم اصلاح اجتماعی منظور شود، رفع تبعیض جنسی - نژادی و قومی، هدف است. آیا این مسئله با ارائه الگوی عدالت خواهانه و تساوی طلبانه میسر است و یا با تهدید و مبارزه طلبی و اکراه، تازه آن هم در میان جامعه هایی که چندان آشنایی با زبان و فرهنگ مهاجمان نداشته باشند؟

واژگان کلیدی: دعوت اسلامی، صلح، جنگ، پیام جهانی، تبلیغ دین

مراعات حقوق بشر زیربنای صلح جهانی از دیدگاه اسلام

جلال جلالی زاده^۱

هرچند پرداختن به هر یک از موضوعاتی که در بروشور همایش پیشنهاد شده، می تواند در تبیین دیدگاه ادیان در برقراری صلح و مسالمت در جامعه جهانی مؤثر باشد، اما طرح موضوع مراعات حقوق بشر می تواند دربرگیرنده همه موضوعات و کلید گشودن باب مشکلاتی باشد که ریشه همه ناامنی ها، جنگها، ستیزها و دشمنی ها در میان پیروان همه ادیان موجود در روی کره زمین است. در جهان معاصر هیچ بحران داخلی و یا خارجی نیست که ریشه آن به تضييع، پايمال کردن، تعدی و تجاوز به حقوق ديگران برنگردد که اين نیز ناشی از به رسمیت نشناختن هويت دينی و ملی ديگران و يا در نظر نگرفتن کرامت انسانی است که اصل و اساس رسالت حقیقی همه ادیان توحیدی است. البته نام حقیقی همه ادیان در اصل اسلام است که پیام آور صلح و زندگی مسالمت آمیز و دوری از جنگ و پیکار است. و چون اسلام دین همه پیامبران است، لذا هر عملی مخالف زندگی مسالمت آمیز، اعم از بی عدالتی، ستم، تبعیض، تخریب محیط زیست و فساد در ابعاد گوناگون باشد، به شدت تقبیح می شود (بقره/۱۳۱-۱۳۲، آل عمران /۸۴-۸۵، حج/۷۸). بدون تردید هر مشکلی که در جوامع بشری رخ می دهد، ناشی از تضييع حقی است، مانند ترور که موجب ناامنی در جامعه می شود، تخریب جنگل ها و آلوده کردن رودخانه ها و دریاها که محیط زیست را به خطر می اندازد، ستم های ملی و مذهبی، محرومیت اقتصادی و نیز کشتن ناحق انسان ها، دخالت در حریم خصوصی، تجسس در حال ديگران، عدم بهره مندی از تحصیل و امکانات عمومی، محرومیت از آزادی بیان و اندیشه و

۱. استادیار گروه فقه شافعی دانشکده الهیات دانشگاه تهران

مسائل دیگر. پیامبران در برخورد با مخالفان حقوق آنان را کاملاً مراعات نموده و با گفتگو و جدال احسن زمینه مصالحه را فراهم نموده و مردم را از جنگ و درگیری دور نموده اند. بنابراین مراعات هر یک از حقوق انسانی اعم از دفاع از خود در دادگاه، حق مالکیت، عمل، معاهده، کار، ازدواج و طلاق، دفاع مشروع، آزادی انتخاب، آزادی فعالیت اجتماعی، آزادی دینداری زمینه ساز صلحند. در این نوشتار کوشش می شود به این پرسش ها پاسخ داده شود که آیا ادیان مبلغ جنگ بوده اند یا صلح؟ و اگر مبلغ صلح بوده اند، از چه ابزارهایی استفاده کرده اند؟ کلا می توان گفت صلح در خانواده، محیط، کشور و جهان مبتنی بر مراعات حقوق بشر در جوانب مختلف است و از آنجایی که مدار ادیان اخلاق حسنه، توحید و معاد است و اصل را بر تزکیه و تربیت می نهد، پس بهترین ابزار توسعه صلح، مراجعه به مبانی دینی و مراعات حقوق بشر است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ اسلام؛ صلح جهانی؛ قرآن؛ دفاع مشروع

نقش آموزه‌های اسلامی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر منطقه خاورمیانه

آذین دخت جمال‌زاده^۱

سید حسین موسوی کردهمیری^۲

صلح و همزیستی مسالمت آمیز به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه در برابر جنگ، همواره مورد توجه جوامع و دولت‌ها بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، هویت جدیدی که بر پایه اسلامی بودن در اصول اساسی سیاست و حکومت ایران شکل گرفت، تعیین کننده قواعد و قوانین تازه‌ای بوده که از آموزه‌ها و متون دینی پیروی کرده که عبارتند از آیات متعدد قرآن کریم، سفارش احادیث، علما و بزرگان اسلام و... داده‌هایی که مشوقی برای ایجاد روابط حسنه در جامعه و همچنین با همسایگان و ممالک دیگر می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران در طول بیش از چهار دهه از حیات خود، چه در مباحث نظری و چه در حیطة عمل، کوشیده است تا با رویکردی مسالمت جویانه، سیاست خارجی خود را با همسایگان و دیگر کشورها تنظیم نماید. از این رو، با توجه به اهمیت و نقش پررنگ ایران در خاورمیانه، این کشور کوشش کرده است تا برای حل و فصل اختلافات و ناامنی‌های منطقه‌ای، با نگاهی منطقی و معتدل، برای رفع ناآرامی‌ها کوشش کند. بر این اساس، پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از سازه‌نگاری به عنوان چارچوب مفهومی، رویکردی توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری کتابخانه‌ای و مجازی سعی دارد به این

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

پرسش اصلی پاسخ دهد که آموزه‌های اسلامی چه تأثیری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته اند؟

واژگان کلیدی: صلح، دین، سازه‌انگاری، سیاست خارجی، جمهوری اسلامی ایران.

بررسی رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صلح جهانی

محمدجواد حسینی^۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای پیاده سازی احکام دین اسلام در عرصه حکمرانی سامان یافته و تبلور احکام و قواعد اسلامی در حوزه حقوق اساسی و حاکمیت سیاسی است که پس از انقلاب اسلامی به منصفه ظهور رسید. این قانون علاوه بر تنظیم روابط قوای حاکم و تضمین حقوق شهروندی، آرمان هایی برای دیگر مردم جهان، به ویژه مستضعفین و مظلومان سراسر گیتی دارد که این مهم در سیاست خارجی و اصول مربوط به وظایف دولت نمود یافته است. در اصل سوم، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی و همچنین تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی دریغ از مستضعفان جهان از وظایف دولت اسلامی دانسته شده است و این قانون، اساس سیاست خارجی خود را بر روابط صلح آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار نموده و در ادامه نیز نفی سلطه گری و سلطه جویی را مورد تأکید قرار داده است که تحقق آن می تواند از وقوع هرگونه جنگ و مناقشه بین المللی جلوگیری نماید. از سویی دیگر، این قانون دفاع از حقوق همه مسلمین را از راهبردهای سیاست خارجی خود دانسته (اصل ۱۵۲) و سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می داند و استقلال، آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می پندارد و دفاع از مبارزات حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه ای از جهان را مورد حمایت خود قرار می دهد. (اصل ۱۵۴) این نوشتار به شیوه توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای در پی ترسیم جایگاه صلح در میان اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و ظرفیت و گنجایی اصول قانون اساسی در حوزه صلح جهانی را مورد تدقیق قرار

۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی، حقوق دادرسی اداری و مدیریت نظارت و بازرسی.

خواهد داد تا نشان دهد که آیا اجرای این اصول منجر به دستیابی به صلح جهانی خواهد شد یا خیر؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد پیاده‌سازی دقیق و صحیح این اصول، علاوه بر ایجاد صلح در جامعه متکثر و مختلف‌الاقوام ایران، می‌تواند منتهی به ایجاد صلح در منطقه پرتنش خاورمیانه نیز شود چراکه شمار زیادی از کشورهای همسایه ایران مسلمان‌اند و اجرای سیاست خارجی براساس اصول مذکور سبب ایجاد روابط صلح‌آمیز در سطح منطقه و در نهایت پهنه وسیع‌تری از گیتی خواهد شد.

واژگان کلیدی: صلح جهانی، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، روابط صلح‌آمیز، برادری اسلامی، سیاست خارجی.

بررسی اهمیت پارادپلماسی در ترویج صلح

مریم خالقی نژاد

در هزاره سوم از زندگی بشر، بسیاری از ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، تحت تاثیر جهانی شدن تغییر و تحولات عظیمی را تجربه کرده است. یکی از مهمترین تحولات در به میدان آمدن کنشگران خرد و بازیگران فراملی و فراملی در عرصه دیپلماسی و ارتباطات دیپلماتیک می باشد. از آنجایی که سرعت اطلاعات و ارتباطات منجر به شکسته شدن مرزهای دیپلماسی شده است لذا شاهد نظریات مختلفی در این عرصه هستیم که جامع ترین آنها تا کنون نظریه پارادپلماسی می باشد. پارادپلماسی که به معنای کنشگری بازیگران خرد در عرصه ارتباطات مختلف و افزایش قدرت ملی با هموعان خود و ارگان های رسمی و دولتی در کشورهای مقصد می-باشد، در دو محور فرهنگی و اقتصادی بسیار موثر واقع شده است. تاجایی که از اهمیت لابی گری آنها گفته می شود. چه بسا امروزه دولتهای مختلف برخی اهداف خود را از طریق کنشگران پارادپلماتیک پیگیری می کنند. با توجه به افزایش روز افزون روش های نوین در افزایش قدرت نرم از یکسو و از سوی دیگر با عطف به توانایی و ظرفیت های مشترک فرهنگی بازیگران پارادپلماسی با هم نوعان خود، این کنشگران می توانند در عرصه فرهنگی به نشر و باز نشر یک فرهنگ و ارزش های فرهنگی پردازند، لذا به نظر می رسد در عرصه ترویج صلح و تعریف صلح از نظر دینی می-توانند بسیار موثر واقع شوند. بنابر اهمیت این مهم، در این پژوهش به بررسی اهمیت پارادپلماسی و نقش کنشگران غیردولتی در ترویج صلح و ترویج نگاه دینی از صلح پرداخته شده است.

۱. دکتری علوم سیاسی، مدیر گروه دیپلماسی فرهنگی: هنر و سینما انجمن ایرانی مطالعات غرب آسیا

پرسش اصلی مقاله آن است که پارادایلماسی چگونه می تواند در ترویج صلح موثر واقع شود؟ در پاسخ فرضیه مطرح شده بر این ادعا است که پارادایلماسی با تمرکز بر فعالیت بازیگران غیر دولتی در دو عرصه فرهنگ و اقتصاد با همنوعان خود در سرزمین های دیگر، ضمن تایید ظرفیت های مشترک فرهنگی و اقتصادی، بستر و روش مناسبی برای ترویج صلح می باشد. روش جمع آوری این مقاله به صورت تحلیلی و تبیینی و در صورت امکان مصاحبه با برخی از کنشگران فرهنگی غیردولتی می باشد.

واژگان کلیدی: پارادایلماسی، صلح، فرهنگ، جهانی شدن، بازیگران فراملی و فراملی.

پیدا کردن علل جنگ و پی آمدهای نامیمون آن، در درازنای تاریخ و چگونگی درمان علمی آن، از راه بکارگیری دانش دین

اردشیر خورشیدیان^۱

ظرفیت ها و چالش ها در سده ۲۱ (هزاره سوم ۲۰۲۲ میلادی) به صورت هم اندیشی انجمنی با گفت و گو (گفت و شنود)، به هدف تولید ادبیات علمی (توجه)، در یافتن راهکارهای علمی (توجه) بر پایه آموزه های دینی (توجه) با تکیه بر مشترکات ادیان، با تعریف و توضیح علمی پنج واژه کلیدی زیربنایی.

بخش نخست: علت یابی: شناخت واقعیاتی که انسان های صاحب قدرت و ثروت (زر و زور)، برخلاف حقایقی که یکتای بی همتا آفریده و بر هستی حاکم کرده است، به اشکال و بهانه های گوناگون، بر جهان و جهانیان حاکم کرده و تحمیل می کنند.

بخش دوم: تعریف دقیق و درک مفاهیم علمی چند واژه کلیدی، کمترین پیش نیاز باوری لازم، برای کمک به استقرار صلح جهانی است.

بخش سوم: تنها معیار علمی برطرف کردن بدوجدانی (بددینی) در جهان.

بخش چهارم: تنها سازمان ملل متحد است که چنانچه بخواهد و مصوب کند، می تواند پدیدآورنده صلح در جهان باشد.

واژگان کلیدی: جنگ؛ تاریخ؛ دین؛ صلح جهانی؛ علل

^۱ رییس انجمن موبدان تهران، بالاترین ارگان رسمی و قانون اداره کننده امور مینوی (دینی، آیینی، فرهنگی) جامعه زرتشتیان

دین و آموزش آن: بازرسی حل مناقشه در سراسر جهان

محمد دلاور حسین^۱

صلح و مناقشه، سازگاری و ناسازگاری، آسایش و نارضایتی از موضوع‌های متضادی است که با هم شانه به شانه از نخستین اعصار تاریخ انسان با سرعت و حرکتی یکسان راه رفته‌اند و در مناسبات و مقوله‌های جهانی، گستره قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند. چنانکه چهره حقیقی جهان امروزی و جوامع کنونی نشان می‌دهد، مناقشه، تضاد و تعارض، نزاع و تناقض، کشمکش و خشونت در بسیاری از کشورهای جهان گسترش یافته است. گاه در میان مردمان یک ملت یا همان کشورها به دلیل تضاد و تنوع سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، افزایش فاصله آنها با یکدیگر و از دست دادن حقوق، احترام، اهمیت و کرامتی که سزاوار آن هستند، درگیری رخ می‌دهد. گاهی این تصادم و مغایرت میان کشورهای مختلف و ملت‌های گوناگون به دلیل عدم وجود رابطه مناسب دیپلماتیک و پیوندی شایسته و فقدان شعور و معنویت انسانی، نداشتن نگرش و نظریه عالی فکر و منش بزرگوارانه و آزادمنشانه حادث می‌شود و رفته رفته از سرزمینی به سرزمین دیگر گسترش می‌یابد و موجب از میان رفتن اتحاد و همبستگی دولت‌ها و ملت‌ها می‌شود و جهان را رو به تباهی می‌برد و روز به روز تباهی، ناشایستگی، ناراحتی، نفرت و دشمنی، عداوت و جسارت، تفرقه و جدایی بیشتر و بیشتر می‌شود.

از سوی دیگر، دین نامی است از فرمان الهی، نظم و دستور خداوندی، صدای امن و امان که برقراری هماهنگی، همبستگی، یگانگی، مروّت و انسانیت را ترغیب می‌کند؛ چه در سطح یک ملت یا در سطح ملل مختلف. ولی این موضوع مانند آفتاب واضح است که چنانکه شایسته است

^۱ دانشجوی پژوهشی: گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه داکا، بنگلادش

به دین و آموزش‌هایش برای پیام صلح و اتحاد و دوستی و برابری اهمیت داده نشده؛ با وجود این که سراسر جهان امروز به آن نیازمند است... به عکس، بسیاری کوشش می‌کنند که دین و آموزش‌هایش را به معانی سلبی و منفی تثبیت و تحکیم کنند که دین مانع پیشرفت بشریت است در حالی که دین از این تهمت، شکایت و شکوه مبرا است.

این مقاله کوشش و کاوشی است تا با رویکردی مقایسه‌ای، چهره حقیقی و تعالیم اساسی و بنیادی دین را تبیین کند برای یافتن راه حل مناسب برای رهاکردن جهان از مناقشات و تناقضها و خشونت ملتی و مذهبی و امحای عقب ماندگی و واماندگی و جستن طریق امن و امان و به وجود آوردن راه امنیت و عدالت؛ بوکه جهانی پر امن و داد را برایمان فراهم بکند.

واژگان کلیدی: دین، آموزش، صلح و مناقشه، امن و عدل.

برآمدن موج سوم بنیادگرایی در عراق: تحلیلی جامعه‌شناختی

علیرضا ذاکری^۱

برخی مطالعات مرتبط با بنیادگرایی اسلامی، سه موج بنیادگرایی در کشورهای اسلامی را به دلیل ویژگی‌های متمایز آنها از هم تفکیک کرده‌اند. موج اول متأثر از برخی لایه‌های جریان اخوان المسلمین و به ویژه آراء سیدقطب در مصر در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی؛ موج دوم بعد از حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ میلادی که منجر به شکل‌گیری سازمان القاعده شد؛ موج سوم بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ که منجر به شکل‌گیری دولت اسلامی عراق و شام (داعش) شد.

این مقاله بر تحلیل جامعه‌شناسانه موج سوم بنیادگرایی یعنی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) متمرکز است. به طور کلی دو ویژگی مهم، موج سوم بنیادگرایی را از امواج پیشین آن متمایز می‌کند. نخست تکوین ایده تشکیل دولت درون جریان‌های بنیادگرا و دوم تغییر اولویت مبارزه با دشمن دور (غرب) به اولویت مبارزه با دشمن نزدیک (شیع).

مدعای این مقاله آن است که در عراق در دوره بعد از حمله آمریکا، حذف اهل سنت از ساختار سیاسی و اقتصادی که تحت نام بعثی‌زدایی صورت گرفت از عوامل اصلی اقبال طردشدگان سنی مذهب، به ویژه برخی بازماندگان حزب بعث به سازمان‌های بنیادگرای وقت عراق نظیر جماعت توحید و جهاد به رهبری ابومصعب زرقاوی شد. این سازمان جهت تجدید قوا و جذب نیرو، متناسب با گرایشات آنها خود را بازآرایی کرد و از سازمان القاعده فاصله گرفت و در

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (Alireza.zakeri@modares.ac.ir)

نهایت از آن جدا شد. این جدایی طی فرآیندی چندساله زمینه‌تکوین دولت اسلامی عراق و شام (داعش) را به رهبری ابوبکر بغدادی فراهم کرد.

به طور خلاصه، با پایان اشغال نظامی عراق توسط آمریکا، نظم سیاسی در عراق به مدت بیش از یک‌دهه در اختیار جریان‌های شیعی قرار گرفت. ابراهیم جعفری و پس از آن نوری مالکی، نخست‌وزیران عراق پس از حمله عراق بودند که در کلیت مورد حمایت دولت حکومت ایران نیز بودند. حمایتی که تا روزهای آخر دولت نوری مالکی ادامه یافت. به ویژه در دولت نوری مالکی، یعنی زدایی به شکل گسترده‌ای در دستور کار قرار گرفت و دامن بخش مهمی از جامعه اهل سنت عراق را گرفت. علاوه بر آن اهل سنت عراق در تقسیم کار اقتصادی پس از حمله آمریکا به عراق نیز جایگاهی نیافتند. از حیث اقتصاد سیاسی، بازسازی عراق تا حد زیادی به شرکت‌های خصوصی آمریکایی سپرده شد و استعمار کنترل بخشی مهم از منابع کشور عراق را به دست گرفت. کنترل بخش باقیمانده منابع طبیعی نیز در دست گروه‌های شیعه و کرد قرار گرفت. بخش بزرگی از اهل سنت از ساختارهای اداری و سیاسی حذف شدند، تحت حملات مداوم قرار گرفتند و بخش‌هایی از آنها حتی ناگزیر به ترک محل سکونت خود شدند. آنها طی فرآیند اشغال عراق و پس از آن به انسان‌های زائیدی بدل شدند که نظام‌های تعلق اجتماعی، اقتصادی و حتی کالبدی خود را از دست داده بودند، از حیات اجتماعی و سیاسی طرد شده بودند و آواره و سرگردان و بی‌آینده در زندگی‌ای همراه با تهدید همیشگی، رها شدند. انسان‌های از جاکنده، رهاشده، بی‌پناه و بی‌آینده، پیوستن به گروه‌های بنیادگرا را یگانه راه اعاده حیثیت از خود یافتند. نفرت آنها به همان اندازه که متوجه غرب استعمارگر بود، گریبان جامعه شیعه را هم گرفت. چون دولت شیعه نوری مالکی مهمترین نیروی حذف آنها از حیات اجتماعی بود. با تغییر اولویت مبارزه از دشمن دور یعنی غرب به دشمن نزدیک یعنی تشیع و دولت‌های نمایندگی‌کننده یا حامی آن به ویژه ایران و عراق و سوریه، ایده تشکیل دولت نیز معنادار شد.

دولتی برای ایجاد موازنه قوا با دولت‌های شیعه یا مؤتلف با شیعه، در شرایطی که از نظر آنها دولت‌های سنی منطقه، به رسالت‌های دینی خود عمل نمی‌کردند.

ثمره این بازآرایی از یکسو درگیر شدن بنیادگرایان سنی مذهب با شیعیان در منطقه به ویژه در عراق بود و از سوی دیگر پیش‌روی به سوی تشکیل دولت در دو کشور مؤتلف ایران شیعی در منطقه یعنی عراق و سوریه. تلاش‌ها برای شکل‌دهی به شاخه‌ای از داعش در ایران، به واسطه قدرت دولت مرکزی ناکام ماند. دشمنان منطقه‌ای و جهانی بلوک شیعه نیز به حد زیادی به این شکاف دامن زدند. به هر روی دولت اسلامی عراق و شام در این شرایط در عراق، به مثابه موج سوم بنیادگرایی در منطقه متولد شد و راه خود را از سازمان القاعده به مثابه مهمترین نماینده موج دوم بنیادگرایی جدا کرد و به مدت نزدیک به یک‌دهه خاورمیانه را در مجموعه‌ای از جنگ‌های خانمان‌سوز گرفتار آورد. بی‌تردید یکی از مهم‌ترین بهره‌برداران این جنگ‌ها در خاورمیانه اسرائیل بود که با به حاشیه‌رفتن مسئله فلسطین در خاورمیانه توانست با مشکلات کشوری به نهادهای ستم علیه فلسطینیان پردازد، هرچند افراط‌گرایی و ناکارآمدی دولت نتانیا هو امروز اسرائیل را نیز در یکی از بی‌سابقه‌ترین بحران‌های دوران حیات خود گرفتار کرده است.

راهبرد دین اسلام در تعامل با دیگر ادیان و ملل

ناصر رحمدل^۲

در جهان حاضر جنگ، قتل و آزار انسانهای بی گناه به نام دین، دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد؛ پس بر دانایان هر آیین و ملتی لازم است که با روشن‌گری و آگاهی‌بخشی، پرده‌های جهل مقدس را کنار زده و صلح و آرامش را به جوامع انسانی هدیه کنند. در این مقاله در پی پاسخ به این پرسش خواهیم بود که دین مبین اسلام چه راهبردی را در رابطه با دیگر ادیان و ملل پیش پای مسلمانان گذاشته و وظیفه ما در زمان حاضر چیست. برای این منظور، به تحلیل محتوای کیفی اسناد معتبر تاریخی و سیره معصومین خواهیم پرداخت.

خداوند، هدف از بعثت پیامبر را گسترانیدن چتر اسلام بر همهٔ جهانیان می‌داند تا در سایه دین اسلام و برپایی عدالت، انسان‌ها در صلح و آرامش به سر ببرند؛ بدیهی است که خداوند متعال بر ناممکن بودن تحمیل عقیده در این راه تأکید می‌کند. دین اسلام، ایمانی را ارزشمند و شوق برانگیز می‌داند که اولاً، از روی اختیار و انتخاب باشد و ثانیاً، از ژرفای دل برخاسته باشد و این امر جز با حکمت، اندرز نیکو و جدال احسن امکانپذیر نیست. هرگز در تاریخ نقل نشده است که پیامبر گرامی اسلام، حتی پس از فتح مکه، مشرکان را به اجبار به آیین اسلام آورده باشد. پیامبر اکرم، پس از گذشت چند ماه از هجرت، پیمانی با یهودیان منعقد کرده و در این پیمان، مسلمانان و یهودیان در برابر دیگران یک امت خوانده شدند و متعهد گردیدند که هنگام هجوم دشمن مشترک، همگی به دفاع پردازند و هزینهٔ جنگ را تأمین کنند؛ یهودیان به آیین خود و مسلمانان به آیین خود باشند؛ چنین پیمانی بیان‌کنندهٔ همزیستی مسالمت‌آمیز

^۲ استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای (مدیریت راهبردی دانش)

با غیرمسلمانان است. علی علیه السلام به مالک دستور می دهد که از تحمیل عقیده بر زیردستان خود پرهیزد و حتی از آشتی با دشمن، وقتی که او را بدان می خواند و خشنودی خداوند در آن است، رو نگرداند؛ چرا که آشتی مایه آسایش سپاهیان، و آرام بخش اندوه و موجب امنیت شهرهاست. آن چه مسلم است، این است که اسلام دین رحمت، صلح و محبت بوده و طبق آن، هر کس نفسی را بدون حق و یا بی آنکه فساد و فتنه ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته است.

واژگان کلیدی: اسلام، ادیان، ملل، پیامبر، آشتی

بررسی نقش رسانه‌های داعش در تشدید پروژه اسلام‌هراسی

فائزه رحیمی مقدم^۱ / رامین نصیری^۲

با وجود خشونت نهادینه شده و ساختاری در لایه‌های مختلف روابط جوامع انسانی، تنش‌های ناشی از تضادهای عمیق سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و درگیری بسیاری از مذاهب از مسیحیت گرفته تا هندوئیسم، جهان غرب، اسلام را بیش از هر مذهب دیگری با خشونت می‌شناسد. با عبور از موارد تاریخی همچون تفوق امپراتوری عثمانی بر اروپای شرقی و... طی چندین دهه اخیر، ظهور جنبش‌های تروریستی جدید در خاورمیانه با نام اسلام، منجر به تداوم این نگاه و باور در غرب گردیده است. پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از مفهوم هژمونی گرامشی، ضمن معرفی اجمالی پدیده اسلام‌هراسی و رسانه‌های مختلف داعش، به بررسی عملکرد و جایگاه این رسانه‌ها در اسلام‌هراسی بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که قدرت رسانه‌ای داعش یکی از دلایل عمده تشدید پروژه اسلام‌هراسی بوده است؛ چرا که همگام با تبلیغات گسترده و جذب مخاطبان از طریق بازنمایی اقدامات خود، موجب ایجاد هراس افکنی در میان مردم جهان می‌شد. بررسی وجوه مختلف ماهیت گروه‌های تروریستی همچون داعش و توجه به درک غنی و دقیق آن‌ها از ظرفیت رسانه‌ای می‌تواند موجب جلب توجه کشورهای مسلمان برای پاسخ به عملیات روانی تروریست‌ها از طریق تقویت دیپلماسی رسانه‌ای باشد تا بیش از پیش بتوان به معرفی اسلام به عنوان دین صلح محور پرداخت.

واژگان کلیدی: اسلام‌هراسی، تروریسم، داعش، رسانه، صلح.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (آمریکای شمالی)، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

صلح و جنگ در آیین مسیحیت ارتدوکس؛ مطالعه رویکرد کلیسای ارتدوکس روسیه

احمد رشیدی

مفهوم صلح در کتاب مقدس دربرگیرنده این معناست که صلح فقط نبود جنگ و درگیری نیست، بلکه حالتی فعال از هماهنگی و آسایش است که اساساً باید در همه روابط انسانی به ویژه در رابطه با خدا حاکم باشد. با رجوع به تعالیم کتاب مقدس و آموزه های آباء کلیسای مسیحی استنباط می شود که آیین مسیحیت الهام بخش آرزوی پویا برای همه اشکال صلح در جهان است. با این حال، تاریخ مسیحیت نشان از جنگهای متعدد مذهبی درونی و بیرونی دارد. نقطه آغاز این جنگها به زمان مسیحی شدن کنستانتین کبیر و درآمیختن نهادهای دین و سیاست برمی گردد. مفهوم جنگ عادلانه از همین ناحیه در تعالیم کلیسای روم غربی وارد شد و رسمیت یافت.

در این میان سوال این است که رویکرد آیین کلیسای ارتدوکس شرقی نسبت به مقوله های جنگ و صلح چیست و آیا مفهوم جنگ عادلانه را به رسمیت می-شناسد؟

فرضیه این مقاله در پاسخ به سوال فوق این است که آیین ارتدوکس مسیحی در مسیر تلاش برای پابندی به تعالیم اصلی عیسی مسیح(ع) بر آموزه های صلح طلبانه (صلح عادلانه) تأکید دارد و مفهوم جنگ عادلانه را نمی پذیرد.

یافته های پژوهش نشان می دهد در تعالیم جریان اصلی آیین ارتدوکس مسیحی صلح شرط الهی برای وجود انسان است و هر شکلی از درگیری و نزاع جلوه ای از گناه است. بنابراین،

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران و پژوهشگر میهمان در مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی دانشگاه تهران

جنگ، به عنوان نقطه مقابل صلح، به قلمرو گناه انسان تعلق دارد و لذا نمی تواند نسبتی با عدالت داشته باشد و یا اینکه صلح را که جوهره آشتی خدا و بشریت است عینیت بخشد. در قوانین شرعی ارتدکس اساساً گرفتن جان انسان همیشه یک شر عینی تلقی می شود، حتی زمانی که در پیگیری یک «دلیل عادلانه» انجام شود.. به این ترتیب، صلح هنجار و هدف زندگی مسیحی برای همه است. در کلیسای ارتدوکس روسیه نیز آموزه های مذکور به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل مشاهده می شود زیر تأثیر فضای سیاسی و ملاحظات ملی گرایانه کلیسای مذکور گاهی از این مسیر فاصله گرفته و برای پیروزی سربازان دعا می-کند. نمونه اینگونه موضع گیری را می توان در ارتباط با حمله روسیه به اوکراین به روشنی مشاهده کرد که با واکنش گسترده کلیساهای ارتدوکس دیگر کشورها روبرو شد.

واژگان کلیدی: صلح، جنگ عادلانه، آیین مسیحیت ارتدوکس شرقی، کلیسای ارتدوکس

روسیه.

نسبت میان دین و صلح اجتماعی در کشور اوکراین

ابراهیم رضایی راډا

ادیان از گذشته تا به امروز نقش ویژه ای را در زمینه سازی صلح اجتماعی در کشورها ایفا کرده و نقش های گسترده ای در حوزه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برعهده داشته اند. از این رو، در طول تاریخ، ادیان به طور ویژه ای مورد توجه بوده و دولتمردان و سیاستگذاران کوشش کرده اند نگاه ویژه ای به جایگاه دین در جوامع داشته باشند. ادیان به خوبی می توانند پیوند دهنده میان گروه های اجتماعی و قومیت های گوناگون و برپادارنده صلح و ثبات در کشورها باشند. کشور اوکراین با توجه به تاریخ پر قدمت و همچنین چند ادیانی بودن آن، کشوری جذاب در زمینه بررسی نقش ادیان در ایجاد صلح به شمار می رود. کشوری که با توجه به موقعیت جغرافیایی اش، به عنوان دروازه آسیای مرکزی و قفقاز به سوی اروپا از یک سو و از سوی دیگر، به دلیل تلفیق میان دین مسیحیت و اسلام، کشوری مهم به شمار می آید.

در این نوشتار کوشش می شود تا با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی نقش ادیان گوناگون در برپایی صلح اجتماعی در کشور اوکراین پردازیم. نویسندگان می کوشند به این پرسش پاسخ دهند که چگونه ادیان گوناگون می توانند سبب شکل گیری صلح اجتماعی در اوکراین شوند. این امر در چارچوب نظریه های صلح با تاکید بر عنصر دین و نقش و جایگاه آن در صلح آفرینی انجام خواهد پذیرفت.

واژگان کلیدی: دین، صلح اجتماعی، مسیحیت، ارتدوکس، اوکراین

۱. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای آسیای مرکزی و قفقاز در موسسه آموزش عالی بیمه اکو، دانشگاه علامه طباطبائی

بررسی و مقایسه مفهوم صلح کل عرفانی با مفهوم صلح از منظر سیاسی

سید حمیدرضا رئوف^۱

سمانه فیضی^۲

صلح مفهومی سیاسی - اجتماعی است که تفاسیر مختلفی دارد و رویکردهای مختلف به آن می تواند واجد جوانب و مناقشات متعدد و گسترده-ای باشد. در کنار فهم متعارف از صلح در معنای تقابلی (جنگ در برابر صلح) یا آرمانی (آرامش و سعادت)، در آموزه های دینی - عرفانی نیز رویکردهایی به این مفهوم وجود دارد که به گونه ای کل نگرانه به نسبت فرد با هستی از منظر صلح توجه داشته اند. این رویکردها اگرچه در مقام طراحی نظریه تا حدی انتزاعی و غیرعینی به نظر می رسند، اما مبانی ای دارند که غور در آنها زمینه های مناسبی برای استخراج الگو و تحقق عینی فراهم می - کند. چنان که تحقق آن در افراد یا در موقعیت هایی خاص رخ داده است. برای نمونه، مفهوم «صلح کل» در عرفان اسلامی در برهه ای از تاریخ در مناسبات سیاسی - اجتماعی هند تحقق عینی یافت.

این مقاله می کوشد با بررسی جوانب و زمینه های نظریه صلح کل در عرفان اسلامی، این رویکرد را با مفهوم سیاسی صلح مقایسه و بررسی کند و میزان همانندی و افتراق آنرا نشان دهد. عمده پژوهش ها در رویکرد مقایسه ای کوشیده اند این همانی و قطعیت تحقق این مفهوم را در حوزه صلح (از منظر سیاسی) نشان دهند، در پژوهش حاضر بر مبنای روش پساتعمیم - گرایی،

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی

۲. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان تطبیقی؛ دانشگاه فردوسی مشهد

افزون بر اشاره به همانندی‌ها و امکان‌ها، تمرکز بر افتراق و غیریت خواهد بود. بر این اساس، مفهوم صلح کل عرفانی، صلح را از چارچوب سیاسی - اجتماعی صرف فراتر می‌برد و ابعاد معرفتی - نگرشی به آن می‌افزاید که شامل جوانب فردی و درونی است. امری که در کنار اثربخشی بیشتر این مفهوم، امکان و تحقق عینی آن را در حوزه عمومی با دشواری‌های زیادی روبه‌رو خواهد کرد.

واژگان کلیدی: صلح، نظریه صلح کل، عرفان، سیاست، عینیت، غیریت.

ادیان و آیین ها و تجربه صلح و مدارا در اندونزی

بهاره سازمندا

اندونزی علی رغم تنوع فوق العاده ای که دارد، با احساس قوی ملی گرایی و هویت ملی مشخص شده است. اندونزی در پایبندی به شعار ملی خود، (Bhinneka Tunggal Ika) وحدت در عین تنوع، روایتی از یک ملت متکثر فرهنگی اما متحد را منعکس می کند. دولت نماینده مردمی از بیش از ۱۰۰۰ گروه قومی در شش دین رسمی شناخته شده ملی است که در بیش از ۱۷۰۰۰ جزیره پراکنده شده اند. اندونزی از نظر مذهبی نیز متنوع است. بیش از ۸۷ درصد از جمعیت اندونزی مسلمان هستند. اما اسلام یک دین دولتی نیست و بقیه ادیان در حاشیه قرار نگرفته اند. در نظام حقوقی اندونزی شش دین و آیین به رسمیت شناخته شده است: اسلام، پروتستان، کاتولیک، هندو، بودیسم و کنفوسیوسیسیم. تعطیلات و اعیاد این شش دین و آیین به عنوان تعطیلات ملی جشن گرفته می شود و عبادتگاه های آنها در سراسر کشور پراکنده هستند. افزون بر این، بیش از ۱۰۰ گروه مذهبی به اصطلاح بومی (kepercayaan) وجود دارد که گروه های مذهبی کوچکتر و محلی هستند و به ادیان جهانی نامبرده شده وابسته نیستند.

پرسش اصلی مقاله این است که چرا به رغم تنوع قومی مذهبی گسترده در اندونزی، این کشور تجلی روابط صلح آمیز، دوستانه و توأم با مدارا میان ادیان و گروه های مذهبی مختلف است؟

فرضیه مقاله این است که اندونزی مجموعه ای از اصول و آموزه های مشترک را که عمده آنها در میان ادیان و آیین ها مشترک است و پانچاسیلا نام دارد به عنوان ایدئولوژی خود اتخاذ کرده و سیاستگذاری اجتماعی هویتی خود را بر آن مبنا قرار داده است. پانچاسیلا متشکل از پنج اصل است که بیانگر ارزش هایی است که باید در میان مردم از هر طبقه اجتماعی در سراسر اندونزی

۱. دانشیار گروه مطالعات منطقه ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

به اشتراک گذاشته شود: ۱. اعتقاد به خدا ۲. انسانیت عادلانه و متمدن ۳. وحدت ملی ۴. دموکراسی و ۵. عدالت اجتماعی. در شعار ملی اندونزی که به زبان سانسکریت باستان نوشته شده، قرار است این ارزش‌ها با هم هویت ملی اندونزیایی را منعکس کنند.

واژگان کلیدی: ادیان، مدارا، صلح، اندونزی، پانچاسیلا

دین و صلح آفرینی در لبنان؛ ظرفیت ها و چالش ها

حسن سلامی^۱

«لبنان کشوری اسلامی – مسیحی است و در این کشور اسلام، اراده مسیحیان و مسیحیت را از بین نبرده است و مسیحیت، اراده مسلمانان را از بین نخواهد برد». بیشتر رهبران و پیروان این دو دین در لبنان به نکته یاد شده باور دارند و معتقدند که این باور، به کثرت حقیقت ها و وجود اصل زندگی مسالمت آمیز پیروان ۱۷ طایفه مذهبی در لبنان انجامیده است. به اعتقاد آنان، آن چه در جامعه لبنان قابل مشاهده، توصیف و تبیین است «کثرت حقیقت ها» و «اصل زندگی مسالمت آمیز» است.

صاحب این مقاله اما به باور بالا، اعتقادی ندارد و در این مقاله نادرستی آن باور را نشان خواهد داد. یک دوره ای خیلی از رهبران و مردم لبنان و جهان به ویژه خاورمیانه فکر می کردند که پیروان همه مذاهب در لبنان به سمت وحدت و صلح می روند؛ اما امروز و پس از نگاه به جنگ ها و درگیری های داخلی در این کشور به ویژه ظرف سه سال اخیر، کم و بیش همه قبول کرده اند که تفاوت و تنوع و اختلاف مذاهب و ایدئولوژی ها در لبنان، اصل است و خیلی از تنش ها و درگیری ها از این تفاوت و اختلاف برخاسته و برمی خیزد.

نگارنده که ۲۰ سال است (از ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۱) لبنان شناسی کرده و با جامعه این کشور در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم بوده، دیده است که رهبران و پیروان مذاهب گوناگون در این جامعه نمی

۱. دکتری اندیشه سیاسی اسلام از دانشگاه سنت ژوزف (قدیس یوسف) بیروت

توانند با همدیگر صلح و کار کنند، به ۲ دلیل: یکی دخالت های بیگانه و دیگری برداشت های متفاوت و گاه متضاد دینی و مذهبی از مفاهیم.

بارها مردم لبنان و دیگران گفته اند که پیروان مذاهب و فرهنگ های مختلف در این کشور بنشینند، با هم گفت و گو کنند و ببینند چه مشترکاتی دارند اما این گفت و گوها هیچ وقت به صلح و سرانجام نیک نرسید؛ چون رهبران، آدم ها و نهادها و ساختارها و احزابی که با هم گفت و گو دارند باید در «موقعیت برابر» قرار داشته باشند در عین حال «دین طلبکارانه» هم نداشته باشند. هیچ گفت و گویی اگر واجد این ۲ ویژگی نباشد به نتیجه نخواهد رسید.

نگارنده در نشست های زیادی با موضوع گفت و گوی پیروان ادیان و مذاهب در بیروت، صور و صیدا و دیگر شهرهای لبنان شرکت کرده و دیده است که در واقع هر کسی، مذهب و فرهنگ و رهبر مذهبی خود را تبلیغ و بزرگ می کند و آن را قبول دارد و حق و برتر می پندارد. کمتر کسی به دنبال این نکته بوده که با دیگری به حقیقت، صلح و پیوند واقعی ایجاد کند. بلکه هر کدام می خواست به رخ دیگری بگشدد که از او بالاتر و برتر است.

ظرفیت های مذهبی، تساهل و مدارای مذهبی، مذهب و ایدئولوژی مذهبی، مذهب موروثی، کثرت حقیقت ها، طایفه گری مذهبی، انحصارگرایی مذهبی، ساختار سیاسی طایفه ای، درگیری و خشونت، نابرابری در قدرت، منزلت و معیشت در لبنان از جمله واژه ها، مفاهیم و عبارت های کلیدی است که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد. روش نگارش و تدوین مقاله، نه کتابخانه ای، بلکه میدانی و با استفاده از اصل مشاهده و حضور و مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران مسیحی و مسلمان در این کشور است.

واژگان کلیدی: صلح آفرینی؛ دین؛ لبنان؛ خاورمیانه؛ مدارای مذهبی

تبیین آموزه های اخلاقی دین صابئین مندائی در راستای صلح آفرینی در هزاره سوم

عزیز سواری^۱

سیدجلال هاشمی^۲

صلح یکی از آرمان های مهم بشریت در طول تاریخ است که تحقق آن به عنوان یکی از اهداف ادیان الهی مورد تأکید قرار گرفته است. در این پژوهش برآنیم آموزه های اخلاقی یکی از کهن ترین و گمنام ترین ادیان الهی حاضر در جغرافیای ایران زمین، یعنی دین صابئین مندائی را در راستای صلح آفرینی، جهت رسیدن به جهانی عاری از خشونت و نزاع در هزاره سوم بررسی و تبیین نماییم. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و منابع اصلی آن کتب مقدس صابئین مندائی می باشد. صابئین مندائی (ناصورئیان)، پیروان حضرت یحیی بن زکریا (ع)، یکی از نخستین ادیان توحیدی جهان و تنها سنت عرفانی (گنوستیکی) برجای مانده از دوران گذشته باستان اند که پیروان آن هم اکنون در خوزستان و جنوب عراق زندگی می کنند.

یافته ها نشان می دهد صلح یک آرمان مهم و ارزشی محوری در نظام اخلاقی صابئین مندائی است. یکی از شعارهای اساسی دین صابئین مندائی، برقراری صلح و آرامش همه جانبه در جهان و مخالفت با هرگونه جنگ و خشونت است. تعالیم مقدس مندائی، حتی یکبار باورمندان خود را به جنگ و خون ریزی علیه دیگران تشویق نکرده اند و استفاده از قدرت و زور را برای تسلط بر دیگران به کلی مردود انگاشته اند، تا جایی که قتل عمد یک انسان، گناهی نابخشودنی معرفی

۱. دانش آموخته دکترای فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید چمران اهواز، پژوهشگر در حوزه دین صابئین مندائی

۲. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

شده است. یکی از نام‌هایی که مندائیان در گنزاربا به آن منسوب شده اند، «شلمانی» به معنای «پیروان صلح و آشتی» می‌باشد. جامعه آرمانی صابئین مندائی از طریق ارزش‌های اخلاقی همچون صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز قابل تحقق است. از جلوه‌های مهم مرتبط با صلح در آیین مندائی می‌توان به استفاده از عصای زیتون (مرگنا) توسط روحانیون در مناسک دینی (شاخه زیتون نماد صلح است)، پوشیدن لباس سفید دینی (رستا) به عنوان نمادی از عالم نور، احترام و توجه به طبیعت، و نکوهش همراهی با حاکمان زور اشاره کرد. در اخلاق دینی مندائی، جنگ و تجاوز به عنف نکوهش شده و مورد توبیخ واقع شده اند و در شمار رذایل و از ویژگی‌های جهان تاریکی (آلما دهشوخوا) دانسته شده اند. برخی از ارزش‌های اساسی دین صابئین مندائی همچون تأکید بر برقراری صلح و آرامش همه‌جانبه در جهان، مخالفت با هرگونه جنگ و زور، کرامت ذاتی آدمی و اعتقاد به پاک بودن ذات بشر و خوش بینی نسبت به او می‌توانند بشر هزاره سوم را برای رسیدن به جهانی عاری از خشونت و خون‌ریزی مدد رسانند.

واژگان کلیدی: صلح، صابئین مندائی، کتب مقدس مندائی، آموزه‌های اخلاقی، هزاره سوم

نقش فرهنگ و جهان بینی مردم قزاق در حفظ و برقراری دوستی و صلح در منطقه و جهان

زبیده شادکام

صلح ارزشمندترین دارایی انسانیت می باشد که در حفظ و نگهداری آن باید فرد فرد انسانها کوشش کنند. برای مردم قزاق که در طول تاریخ خود برای پایداری و حفظ دولت، وطن و ارزشهای اعتقادی و فرهنگی خود مجادله و کوشش های بسیاری را داشتند (هنوز هم ادامه دارد)، زندگی در آسایش و صلح و حفظ آن بسیار مهم می باشد. تا آنجایی که برای برقراری و حفظ صلح نه فقط برای محیط و کشور خود، بلکه برای تمام کشورها و ملت های همسایه و جهان کوشش میکنند. در این راستا ترتیب و تشکیل دادن جلسه ها و نشست های بین المللی و مهمانپذیری هیات و دیپلمات های خارجی در آستانا پایتخت قزاقستان، نشان دهنده این ویژگی مردم قزاق می باشد: به عهده گرفتن ریاست امنیت و همکاری اروپا در سال ۲۰۱۰، برگزاری و مهمانپذیری قزاقستان از نمایندگان دولتها در مذاکرات آستانا ۲۰۱۶-۲۰۱۷ برای حل بحران سوریه و برقراری صلح در منطقه، ابراز آمادگی قزاقستان برای میانجیگری میان روسیه و اوکراین از سوی رئیس جمهور قزاقستان قاسم جومارت توقایف، پیشقدمی قزاقستان در برقراری و حفظ صلح و آسایش میان مردم آسیای مرکزی و غیره؛ این فعالیت های دولت قزاقستان از صلح دوستی و احترام به اعتقاد و باورهای دیگران که از اساسی ترین پایه های فرهنگ قزاق ها می باشد سرچشمه می گیرد. مردم قزاق احترام به ارزش و گرانبهایی هماهنگی انسان، طبیعت و حیوانات با یکدیگر را در فرهنگ کوچک نشینی و زندگی در شرایط سخت اقلیمی استپ های

پهناور آسیای میانه آموخته اند. برای همین انعکاس آن را هم در زبان و ادبیات هم در عرف و عادات قزاق ها میتوان دید. در این میان، نقش اصلی و مهم دین و عرفان و جهان بینی اسلامی را نیز در شکل گیری و به وجود آمدن ارزشهای اجتماعی، مذهبی و اخلاقی نباید از یاد برد. در گزارش مان سعی میشود که بازتاب این ارزشها و حفظ آسایش و صلح جهانی را در اصطلاحات زبانی و فرهنگی قزاق را ارایه دهیم.

واژگان کلیدی: صلح جهانی و منطقه ای، فرهنگ و زبان قزاقی، قزاقستان

راهبرد پیام های پیامبران با کار فرهنگی یا پیکار جنگی؟! ضرورت و تقدم کار فرهنگی در نگاه قرآن کریم و پیشوایان کرام(ع)

سیدعلی رضا شفیعی مطهر

پیامبران الهی پیام های آسمانی خود را چگونه به گوش مخاطبان خود می رساندند و رسالت الهی خود را چگونه به پیش می بردند؟ اگر جنگ و جهاد را نفی کنیم، آلترناتیو آن فعالیت های فرهنگی از راه گفتگو و آموزش است.

شناخت فرهنگ - اعم از خودی یا بیگانه - بس بایسته و بسیار شایسته می نماید؛ زیرا تا از فرهنگ درک درستی نداشته باشیم، نخواهیم توانست دریابیم که چگونه می توان با کارهای فرهنگی مبتنی بر بیداری عقل و خرد، رسالت الهی را انجام داد.

در آغازین سخن این مقال کوشیده ایم با طرح مسئله، دیدگاه خود را درباره موضوع بحث برای مخاطبان توجیه و تبیین کنیم. پس از آن با ارائه تعاریفی چند از صاحب نظران ایرانی و غیر ایرانی درباره فرهنگ، چستی معنی و مفهوم آن را مورد واکاوی قرار داده ایم. در ادامه سعی کرده ایم مفاهیمی چون فرهنگی شدن، هویت فرهنگی و هویت تمدنی را بازنماییم. سپس به بررسی عنوان فرهنگ درون مایه انقلاب اسلامی از منظر خود نشسته ایم.

گرچه اصل نزول و پیام جهانشمول قرآن امری فرهنگی است، ولی در این مقال به خاطر رعایت اختصار تنها آیاتی از جزء های ۲۸، ۲۹ و ۳۰ کلام الله مجید را که دارای پیام هایی تربیتی و فرهنگی است، به عنوان نمونه ای از شواهد و استنادات قرآنی آورده ایم.

۱. شاعر، نویسنده، مولف و مدیرکل بازنشسته آموزش و پرورش در چند استان کشور

در ادامه مقاله با سیری در سیره درخشان پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار(ع) تلاش کرده ایم گوشه هایی از جلوه های رفتاری و گفتاری این پیشوایان معصوم را درباره ضرورت و تقدم کار فرهنگی نقل کنیم.

البته بر این نکته تاکید می ورزیم که تبیین همین مبحث، خود فرصتی وسیع تر و مجالی منیع تر می طلبد تا با تالیف کتابی شایسته و پژوهشی بایسته حق این مطلب ادا شود.

در بحثی تحت عنوان روشنفکر و زبان توده مردم، بر لزوم سخن گفتن به زبان توده مردم تاکید ورزیده ایم.

واژگان کلیدی: فرهنگ، تهاجم فرهنگی، انقلاب، انقلاب اسلامی، قرآن کریم، سیره پیشوایان معصوم

آثار میان فرهنگی و نقش گردشگری در ایجاد همزیستی میان یهودیان و شیعیان

بنیامین صادقی^۱

تحولات مختلف بین‌المللی و گسترش ارتباطات جهانی پژوهشگران و کنشگران صلح را بر آن می‌دارد که راهی به سوی تفاهم و همدلی دولت‌ها و ملت‌ها بگشایند و با کوشش کنشگران بتوان فضای دوستی و تفاهم را در فضای منطقه‌ای پایه‌گذاری نمود و راهبردها و چارچوب‌های صلح و دوستی را از قالب واژه‌ها و اصطلاحات بیرون کشید و به میدان اجرایی درآورد و در راستای اهمیت صنعت گردشگری مذهبی، تاریخی و تفریحی به عنوان یک عامل اولیه و مهم در پدیدآوری همدلی، دگرپذیری و ایجاد درک مشترک می‌تواند تلقی گردد و با توجه به اهمیت این موضوع، این مقاله ضمن تبیین آثار و نتایج صنعت گردشگری در پدیدآوری صلح و توسعه بر اثرات مثبت تعامل فرهنگی یهودیان ساکن اسرائیل و شیعیان ساکن ایران و راه‌های آشنایی و معرفی هویت دینی در صحنه گردشگری این دو آیین مهم منطقه‌ای مورد مطالعه قرار داده است و راهکارها و پیشنهادات مناسب در تبیین و توضیح مشترکات و تعامل فرهنگی و مذهبی در جهت تقویت و تحکیم مبانی صلح و دوستی میان ادیان و مذاهب به لحاظ شفاف‌سازی مشترکات، گامی موثر برداشته شود و از یافته‌های پژوهش، تاکید بر آزادسازی بازدید از اماکن مذهبی و تاریخی ایران و اسرائیل، برای آشنایی بیشتر یهودیان و شیعیان با مشترکات فرهنگی یکدیگر می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله روش کیفی بوده

۱. پژوهشگر دکتری روابط بین‌الملل

و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات تبیینی و تحلیلی است و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه ای استفاده شده است.

واژگان کلیدی: یهودیان، شیعیان، آثار میان فرهنگی، مشترکات فرهنگی، تعامل فرهنگی

بررسی مؤلفه های صلح در حدیث پیامبر اسلام(ص)

سید مجتبی طاهری^۱

صلح از اصول و ارزش های اساسی زندگی آدمی است که تداوم حیات جوامع انسانی به آن وابسته است. در همین راستا، در تعالیم ادیان ابراهیمی و پیام آوران آنها، به صلح و مؤلفه های آن توجه ویژه ای شده است. از جمله این ادیان، اسلام است که منادی صلح و دوستی است و پیامبر آن حضرت محمد (ص)، پیام آور صلح، محبت و عدالت برای بشریت بوده است.

این مقاله تلاش دارد ضمن ارائه «مؤلفه های صلح» با استناد به تعاریف صلح و نظرات سازمان یونسکو، میزان اهمیت آنها در حدیث و سخن پیامبر اسلام را بررسی و مورد سنجش قرار دهد. روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا و رویکرد پژوهش کاربردی است. جامعه آماری، کتاب حدیث «نهج الفصاحه» است. تکنیک مورد استفاده، آنتروپی شانون و واحد تحلیل، احادیث و روایات پیامبر اسلام است که در مجموع ۳۲۹۳ روایت می باشد.

نتایج پژوهش بیانگر آن است که: (۱) از مجموع بررسی تعاریف و مستندات مرتبط با صلح، پنج مؤلفه اساسی تعاون و همبستگی، همزیستی مسالمت آمیز، فقدان جنگ و نظام تهدید، شناخت خود و دیگران، و عدالت و انصاف احصاء شده است. (۲) در مجموع ۱۰۰۹ مرتبه به مؤلفه های مرتبط با صلح توجه شده است که میزان تراکم فراوانی آن به ترتیب ۱۷۵، ۳۰۲، ۲۰۰، ۲۰۸، ۱۲۴ می باشد. (۳) در میان مؤلفه های مورد بررسی، همزیستی مسالمت آمیز با میزان بار اطلاعاتی

۱. دکتری علوم سیاسی، دبیر رسمی آموزش و پرورش و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی

۱/۰۴ و ضریب اهمیت ۰/۲۳۱ بیشترین و عدالت و انصاف با میزان بار اطلاعاتی ۰/۷۴۳ و ضریب اهمیت ۰/۱۶۵ کمترین توجه را به خود اختصاص داده اند.

واژگان کلیدی: مولفه های صلح، نهج الفصاحه، همزیستی مسالمت آمیز، عدالت

تحدید نظریه امتناع اسلامی در رواداری دینی و کثرت‌گرایی حقوقی در نیل به صلح پایدار

ابوذر عبدی^۱

دو قطب امتناع و امکان نظری و عملی در تمامی اندیشه‌ها قابل ملاحظه بوده که در حقوق اسلامی نیز مشهود است. گروه ممتنعین در رواداری دینی و کثرت‌گرایی حقوقی علی‌رغم ورود به دوران‌های مدرنیته و پست‌مدرن همچنان نظرات در خور و قابل‌ارایه می‌کنند. از این دید، رواداری دینی با دیگران یا غیرممکن و یا در صورت امکان، در محدوده‌هایی خاص از شریعت قابل وصول است. به تبع آن، کثرت‌گرایی در حقوق هم برای آنان در همین حول معنا می‌یابد.

در مقابل، گروهی که عمدتاً هم از نواندیشان دینی هستند، برآنند که شریعت اسلامی قابل تفسیر و تقسیم به ساحت‌های گوناگون است. در این طیف نیز برخی این امکان را تا جایی می‌کشند که شریعت نه همه حقیقت که بخشی از حقیقت است. طیفی دیگر علی‌رغم ترسیم نسبت تساوی بین شریعت و حقیقت، راه‌های وصول به آن را متعدد می‌دانند.

این تکثر درون‌گفتمانی باید با دیگر ادیان، اندیشه‌ها و گفتمان‌ها لاجرم قرین شود. زیرا لازمه صلح جهانی این است که در نقاطی با سایرین متصل شد، خصوصاً اگر دنبال صلح پایدار باشیم. صلح پایدار در حوزه حقوق بین‌الملل تنها نبود جنگ نیست، بلکه گامی به سوی توسعه انسانی است؛ اگرچه واقعیت‌ها چیز دیگری را نشان می‌دهد.

۱. کارشناسی ارشد و پژوهشگر حقوق بین‌الملل

این قلم در جهت تبیین و تحدید نظریه امتناع و رهیافت هایی در رواداری دینی و کثرت گرایی حقوقی و تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر و امکان نیل به صلح پایدار از این طریق است. در حقوق بین الملل که عرصه حضور دولت هاست، در این خصوص نشانه هایی از رواداری را می توان ملاحظه کرد. پس باید در این خصوص درنگی نیز داشت.

پرسش های اصلی که قابل طرح است اینکه آیا امکان رواداری دینی از نظر ممتنعین وجود دارد؟ در صورت امکان حدود آن کجاست؟

روش به کار گرفته شده در این اثر تحلیلی- کاربردی است. بر این اساس با بررسی مفاهیم، روابط و حوزه های هر کدام از عناصر به کار گرفته شده در این اثر تبیین می شود تا با رهیافتهای عملی از طریق رواداری دینی و تکثیر حقوقی امکان نیل به صلح پایدار در عرصه جهانی حاصل شود.

واژگان کلیدی: شریعت، نظریه امتناع اسلامی،- رواداری دینی، کثرت گرایی حقوقی، صلح پایدار

صلح نزد اقطاب نقشبندیه؛ بررسی صلح در منظومه فکری مولانا عبدالرحمان جامی

محمد داوود عرفان^۱

فرقه عرفانی نقشبندیه مانند تمام فرقه های عرفانی، مشربی صلح جویانه دارد. تفاوت اساسی این فرقه با دیگر فرقه های عرفانی، تأکید بر نقش آفرینی عرفان در حوزه های اجتماعی و سیاسی است. بزرگان این فرقه در مسایل اجتماعی و سیاسی نقش بازی کرده اند. سعدالدین کاشغری و عبیدالله احرار در دوره هایی از تاریخ، در ماوراءالنهر و خراسان به عنوان مرجعیت مشروعیت دینی و سیاسی به شمار می رفتند و پل ارتباطی میان مردم و دربار تلقی می شدند. مولانا عبدالرحمان جامی مهم ترین قطب فرقه نقشبندیه است که با تأثیرگذاری بر دربار، نقش مهمی در جهت دهی سیاست دربار تیموریان هرات ایفا می کرد. او به عنوان مرشد فرقه نقشبندیه، جایگاه ویژه ای میان مردم، اندیشمندان و دربار داشت. سلطان و شبکه ای از پیروان او در دربار سعی داشتند که عملکرد آنان با آموزه های مکتب نقشبندیه هم خوانی داشته باشد. سلطان حسین بایقرا، امیرعلی شیر نوایی و مولانا حسین واعظ کاشفی به عنوان چهره های تأثیرگذار آن دوره در مجلس درس او شخصاً حضور می یافتند. پرسش این مقاله بر چگونگی تأثیرگذاری آموزه های نقشبندیه توسط جامی بر دربار تیموریان است. جامی از دو طریق سعی در تأثیرگذاری سیاسی بر دربار داشت. نخست؛ او با تولید متن عارفانه، مفاهیم اساسی فرقه نقشبندیه را وارد سامانه اجتماعی - سیاسی آن دوره نمود و دوم؛ با نفوذی که بر سلطان، وزرا و دیگر کارگزاران سیاسی

۱. دکترای اندیشه سیاسی از دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس دانشگاه هرات

داشت، عملاً بر سیاست جاری تیموریان نظارت می کرد. ایجاد فضای صلح آمیز دوره تیموریان، مرهون آموزه های نقشبندیه به ویژه تلاش های شخصیت مطرحی چون جامی است.

واژگان کلیدی: صلح، مصلحت، فرقه نقشبندیه، جامی، تیموریان.

اسلام هراسی و نقش مخرب آن در پروسه صلح جهانی

احسان عزیزی^۱

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۹۱ میلادی جهان غرب برای نیل به اهداف امپریالیستی خود به دنبال دشمنی جدید برای تحقق اهداف خود میگشت. با فروپاشی شوروی، جهان غرب نیازمند ترسیم جایگزینی قدرتمند به جای کمونیسم بود تا استراتژی بترسان و بترس را ادامه دهد. بدین منظور اسلام به دلیل سابقه نزاع گسترده با ادیان مسیحیت و یهودیت به عنوان رقیب و دشمن اصلی معرفی گردید. تاریخ اسلام هراسی در گستره گیتی به دوران جنگ های صلیبی برمیگردد. زمانی که صلیبیون برای بازپس گیری اورشلیم و سرزمین های مقدس به قلمرو جهان اسلام حمله بردند و فصل جدیدی از تاریخ را رقم زدند. اما پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ خورشیدی اسلام هراسی رنگ و بوی دیگری یافت. ولی اوج این هراس را در سال ۲۰۰۱ میلادی و حمله به برج های دوقلو ایالات متحده در نیویورک شاهد هستیم. غرب با بزرگ نمایی بر امر جهاد که در قرآن آمده است، سعی نمود اسلام را دینی معرفی کند که حامی تروریسم است؛ با اینکه در آمارهای رسمی کشورهای غربی جایگاه اسلام در مساله تروریسم جهانی در پایین ترین رتبه قرار دارد. واگرایی کشورهای اسلامی باعث شده است هم گرایی بین ملت های مسلمان کم رنگ گردد و فضای بی اعتمادی را در جهان اسلام گسترش دهد این مساله همراه با فقدان نهادهای بین المللی قدرتمند در جهان اسلام و اثربخشی اندک مسلمانان در مدیریت جهانی باعث تشدید اسلام هراسی و در نتیجه، به وجود آمدن منطقه ای پر از تنش در جهان شده است. بدین منظور لازم است مسلمانان با درک درست از نتایج اسلام هراسی و شناخت لازم در جهت رفع بحران در یک صف همت گمارند. با ازدیاد

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام دانشگاه علامه طباطبایی

جمعیت مسلمان در جهان و بویژه در کشورهای غربی این پرسش مطرح می‌گردد که اسلام هراسی چگونه تاثیرناهمگون در فرایند صلح جهانی داشته است. در این راستا سعی می‌گردد علل استفاده ابزاری از تئوری اسلام هراسی غرب و شناسایی عملیات روانی علیه جهان اسلام در راستای خنثی کردن عملیات کشورهای صادرکننده ایدئولوژی انقلابی و ارزش‌های ضداستعماری بررسی شود و سعی نمودیم تاثیر تئوری اسلام هراسی را در صلح جهانی بررسی کنیم و درصدد تبیین راه حل این سیاست ضد آئینی برآمدیم. با تاکید بر مصالح جهان اسلام و تاکید و تکیه بر کتاب‌های مقدس ادیان ابراهیمی در راستای رسیدن به اشتراک‌های جمعی، میتوان به نوعی بر این اسلام هراسی غلبه کرد و جهانی ایمن و صلح‌آمیز را برای آیندگان به یادگار گذاشت.

در این مقاله سعی گردیده است که با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود. گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای است. ویژگی بارز این تحقیق استفاده موثر از قرآن کریم و کتابهای حدیث در دین مبین اسلام است.

واژگان کلیدی: اسلام هراسی، اسلام ستیزی، امنیت جهانی، صلح جهانی، ادیان الهی.

دین و هستی‌شناسی صلح: ظرفیت‌های آیین دائویی برای صلح پایدار

سیدمحسن علوی پور^۱

موضوع صلح و تلاش برای ایجاد صلحی پایدار در میان انسان‌ها دغدغه‌ای دیرپاست. با اینهمه، این دغدغه عموماً بر رفع زمینه‌های بیرونی جنگ مبتنی بوده است و صلح چنان عارضه‌ای برای دفع شر جنگ در نظر گرفته می‌شود. این نکته در میان ادیان نیز صدق می‌کند و از آنجا که امکان صلح دائمی و همگانی تا زمان برقراری شرّ و وجود نیروهای غیرمومن در جهان وجود ندارد، صلح پایدار به ساحتی خارج از دنیای کنونی تحویل می‌شود. اما نکته‌ای که در این میان مغفول می‌ماند، آن است که پایدارانگاری وضعیت جنگی و تابع دانستن صلح نسبت بدان ناشی از فهمی معرفت‌شناختی است که اساساً هستی انسان را عرصه جنگ دائمی خیر و شرّ در نظر می‌گیرد. در حالی که با فرض اذعان به وجود شرّ، همچنان می‌توان انسان را از بعد هستی‌شناختی برکنار از آن در نظر گرفت و با احاله او به آنچه در هستی اصیل خویش دستیاب می‌بیند، صلح را چنان سرچشمه‌ای برای زیست نیکو به‌شمار آورد.

در آیین دائویی، این رویکرد هستی‌شناختی به انسان و ارتباط او با طبیعت به روشنی قابل ردیابی است. آنچه در دائو دِ جینگ به‌عنوان «وو-وی» یا «بی‌عملی» معرفی می‌شود، همانا جوهره‌ای است که زندگی اصیل را برای انسان، چه در مقام فردی و چه در ساحت سیاسی و اجتماعی صورت‌بندی می‌کند. «دائو»، «راه» حیات اصیل است و «وو-وی» شیوه پیمودن آن. اما «بی‌عملی» در «وو-وی» به معنای انفعال نیست؛ بلکه بر ضرورت آگاهی دائمی برای قرار نگرفتن در مسیر

۱. عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خشونت آمیز تاکید دارد و در صورت عدم امکان آن نیز آنچه باید بر آن متمرکز بود، هدایت «خشونت» به مسیری غیر از شرايطی است که بتواند منشأ منازعه و جنگ باشد. برای این کار کافی است به حکمت بین-یانگ که در عالم برقرار است آگاه شویم. در این حکمت، عناصر طبیعت هرگز در «مقابله» با یکدیگر نیستند و تنها وجوه پنهان و درهم تنیده‌ای از یک هستی بزرگ را تشکیل می‌دهند؛ نری و مادینگی، نرمی و سختی، شب و روز و .. همگی عناصر متشکله یک هستی بزرگ هستند که به واسطه «وو-وی» در تعادل قرار می‌گیرند و در موقعیت‌هایی که امکان منازعه خشونت آمیز برقرار شود، می‌توانند با رجوع آگاهانه به این وجه متقابل تکاملی و ایجاد تعادل، تداوم سریان «دائو» را تضمین کنند.

پژوهش حاضر با غور در ظرفیت‌های هستی‌شناختی سیاسی و اجتماعی آیین «دائو» بر آن است که امکان مشارکت رویکردهای دیندارانه در تضمین صلح در جهان را مورد کاوش قرار دهد و به این نکته پردازد که با اتخاذ چشم‌اندازی هستی‌شناختی به دین، می‌توان از آن به‌مثابه سرچشمه‌ای برای صلح اصیل در یک زندگی اجتماعی گسترده که همه موجودات را در بر گیرد بهره برد.

کلیدواژه‌ها: دائو، وو-وی، عدم خشونت، صلح.

سیر تحول مفهوم جهاد؛ از تحقق امنیت تا ایجاد ناامنی

علی اکبر علیخانی^۱

یکی از مناقشه برانگیزترین و منازعه برانگیزترین مفاهیم اسلامی «جهاد» است که ریشه قرآنی دارد. در طول تاریخ اسلام و به ویژه در سدهٔ اخیر، خشونت‌ها و خونریزی‌های بسیاری به نام جهاد صورت گرفته است. از آنجا که دین اسلام از یک سو به وحی متصل است و از سوی دیگر با آخرت و پاداش الهی و انگیزه‌های مقدس پیوند می‌خورد، هر مفهوم و اقدامی که به نام دین یا آمیخته با انگیزه‌های اسلامی انجام شود، نیرویی چند برابر ایجاد می‌کند و بسیاری را مصمم و استوار به حرکت در می‌آورد و جهاد از جمله این مفاهیم است. به همین نسبت، کوچکترین بدفهمی در اینگونه مفاهیم و اقدامات نیز می‌تواند اثرات ویرانگری به دنبال داشته باشد و باز هم جهاد از جمله این مفاهیم و اقدامات است. مسأله این است که آنچه از جهاد مورد نظر قرآن بوده، با آنچه بعدها در فقه و متون اسلامی از آن سخن رفته، و خوانش‌هایی که در سده بیستم و چند دههٔ اخیر از جهاد ارائه می‌شود تفاوت‌هایی وجود دارد که علل و سیر تحول آن چندان روشن نیست. پرسش اصلی این است که مفهوم جهاد چه سیر تحول معنایی و مرحله‌ای را از منبع اصلی خود، یعنی قرآن، تا به امروز طی کرده است؟

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد و دست کم می‌تواند مفروض این مقاله باشد که جهاد در قرآن تنها جنبهٔ دفاعی دارد و هدف آن تحقق امنیت و به تبع آن ایجاد نوعی بازدارندگی یا توازن قوا برای جلوگیری از خشونت و خونریزی بوده است. چند سده بعد در متون فقهی، سالی یکبار جهاد با غیر مسلمان‌ها واجب دانسته شد و به تدریج جهاد با خود مسلمان‌ها و در داخل قلمرو

۱. دانشیار دانشگاه تهران

اسلامی نیز توجه دینی پیدا کرد و مورد استفاده گروه های افراطی قرار گرفت. طولی نکشید که جهاد شکل عملیات تروریستی به خود گرفت و به جنایتی علیه بی گناهان تبدیل شد که توجه شرعی و اسلامی داشت. در این مقاله، مراحل گوناگون سیر تحول مفهوم جهاد و نقاط عطف مفهومی و نظری که پشت سر گذاشته بحث خواهد شد .

واژگان کلیدی: جهاد، قرآن، خشونت، صلح، امنیت، تروریسم

مبانی قرآنی مواجهه امام خمینی (ره) با پیروان ادیان الهی در دستیابی به صلح جهانی

عیسی عیسی زاده^۱

یاسر ابوزاده گتایی^۲

از راهکارهایی که می تواند زمینه دستیابی به صلح جهانی را فراهم نماید شیوه تعامل رهبران الهی با پیروان دیگر ادیان می باشد. در میان اندیشمندان و رهبران معاصر بزرگ دنیا که سبک و سیره تعاملی او نقش مهمی در تحقق صلح جهانی دارد، معمار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) می باشد. این نوشتار درصدد است تا با اتخاذ روشی توصیفی - تحلیلی بر مبنای اسناد کتابخانه ای به این پرسش پاسخ دهد که مبانی قرآنی شیوه مواجهه امام خمینی (ره) با پیروان ادیان چه نقشی در دستیابی به صلح جهانی دارد؟

یافته های پژوهش: از مهمترین یافته های این تحقیق به عنوان سیره قرآنی امام خمینی در تعامل با سایر ادیان الهی می توان به این موارد اشاره نمود: تبریک گفتن در اعیادی همچون نوروز و کریسمس، درخواست دعا نمودن از آنان، معرفی اسوه هایی همچون انبیاء و اولیای الهی، تقید در اجرای احکامی همچون امر به معروف و نهی از منکر، استناد به کتب مقدس ادیان الهی و تأکید بر وحدت حول محور توحید، تمام این امور دارای مبانی قرآنی هستند که می تواند به عنوان یک الگوی قرآنی نقش تاثیر گذاری در دستیابی به صلح جهانی داشته باشد.

کلید واژه: امام خمینی، صلح جهانی، قرآن، توحید، ادیان الهی

۱. استادیار پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

۲. دانشجوی دکترای ادیان

رویکرد اسلام شیعی به صلح در اندیشه و عمل امام دوم شیعیان

خسرو قبادی^۱

سیره غالب امامان شیعه در برخورد با قدرتهای مسلط زمانه مدارا و مخالفت بوده است و هرچه از اوایل خلافت اسلامی (خلفای سه گانه) به سوی خلافت بنی امیه و بنی عباس می رویم، عموماً مدارا کم‌رنگتر و مخالفت پررنگتر شده است. میزان و شدت مخالفت با توجه وضعیت حاکمان و شرایط جامعه متفاوت بوده است. مبارزه به صورت نبرد مسلحانه تنها در دوران سه امام اول (علی، حسن، حسین علیهم السلام) رخ داده است اما تفاوتهای برجسته این مبارزه در دوره امام اول و دوم هنگامی بود که قدرت خلافت را در دست داشتند و به مبارزه با مخالفان خود پرداخته اند؛ هر چند تمام جنگهای آنان به شهادت تاریخ حالت دفاعی داشته و شروع کننده جنگ نبوده اند، اما مبارزه امام حسین (ع)، قیام علیه خلیفه وقت بوده است هر چند لجاجت حاکم و شرط بیعت و تذلیل موجب حادثه کربلا گردیده است.

امام دوم شیعیان جنگ و صلح با یک قدرت حاکم را به طور همزمان در کارنامه خود دارد. بررسی چرایی جنگ اولیه و صلح ثانویه خود درخور توجه است. اما مهمتر آنکه هم امام حسن در زمان خود برای امضای پیمان صلح دچار دشواری شد و هم پیروان او در طول تاریخ برای جانداختن و دفاع از این صلح به تکلف افتاده اند.

این مقاله می خواهد با رویکرد تاریخی و با مراجعه به منابع معتبر که به تحلیل صلح مزبور پرداخته اند، چرایی دشواری و تکلف را بررسی کند و در پایان با تطبیق وضعیت دولت شیعی

۱. استادیار گروه پژوهشی علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

در دوره معاصر در مواجهه با قدرتمندان با دوره امام حسن مجتبی درسهایی از آن برای ضرورت مدارا و صلحجویی در دوران حاضر ارائه کند. روش بررسی تاریخی و تطبیقی و تحلیلی است.

واژگان کلیدی: اسلام شیعی، صلح، امام حسن مجتبی ع، سنت، سیره

رنج تابی علی(ع) برای صلح

بخشعلی قنبری

نظر و عمل علی(ع) همه در خدمت صلح طلبی گذشت اما مورخان با غرض و بی غرض و دوستان فاقد معرفت و دشمنان غدار از این انسان صلح طلب انسانی جنگجو ساختند و تا حدود زیادی هم در این راه موفق شدند تا جایی که علی را جز به ذوالفقارش معرفی نمی کنند. در حالی که سیره نظری و عملی علی(ع) هرگز این را تایید نمی کند، بلکه علی برای استقرار صلح رنج هایی کشیده است که "مپرس". مورخان مغرض و ساده لوحان بی معرفت دست به یکی شدند تا در بوق و کرنا کنند که علی در یک نصف روی ۴۰۰۰ نفر از خوارج را از دم گذرانید و در جنگ جمل ۴۵۰۰۰ نفر از اصحاب جمل را به خاک و خون کشید!! شگفتا که ساده لوحان بر این آمار دروغین توجیهاات کردند و بر آن فخرها فروختند. این نوشته با استناد به روش های توصیفی و تحلیل و با استناد به منابع تاریخی و با هدف تبیین صلح طلبی علی(ع) ثابت کرده است که نه این آمار ریشه در واقعیات دارد و نه افتخار علی به شمشیرش بود؛ بل افتخارش به صلح و سامان دادن امور مردم و کاستن از رنج و درد آنان بود. برای نمونه، برای اینکه در جنگی مانند صفین تعداد کشته ها کم شود، دست از جنگ می شوید لیکن دشمنان و مخالفان ندا در می دهند که علی از ترس جنگ را رها کرده است. اگر علی خواهان کشتار بیشتر بود هرگز در بصره عفو عمومی صادر نمی کرد و زخمی هایشان را مداوا نمی کرد و عایشه را با چهل سرباز زن با عزت و احترام راهی مدینه نمی کرد. این در حالی است که عایشه در راس فتنه جمل قرار داشت. افزون بر این، اگر علی صلح طلب نبود بر مرگ طلحه و زبیر این همه غصه نمی خورد

که البته این دو به دست افرادی غیر از سربازان علی(ع) کشته شدند. خلاصه اینکه او جز به نیت صلح و استقرار آن دست به شمشیر نبرد.

واژگان کلیدی: صلح، معنویت، جمل، صفین، نهران، امام علی(ع)، نهج البلاغه.

همزیستی مسالمت آمیز خلفای عباسی با اهل کتاب

(نمونه موردی: ظهور عمار بصری متکلم نسطوری مسیحی، بزرگترین منتقد کلام اسلامی)

نادر کریمیان سردشتی^۱

در دوره تمدن اسلامی، دوره عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق) یکی از دوره‌های درخشان فرهنگ و تمدن به‌شمار می‌آید که در ساختار جامعه آن نه تنها عناصر و نژادهای گوناگون حضور داشتند، بلکه ادیان و مذاهب و فرق فراوانی در این دوره رشد کرده و در نظام سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و به‌ویژه در مناظرات اجتماعی تأثیرگذار بودند. براساس آیات قرآنی همچون بقره (۲۵۶ و ۶۲) اهل کتاب (یهود، نصاری، صائبین، مجوس) و دیگر صاحبان ملل و نحل بنابر اصل آزادی ادیان، پیروانشان در همه گستره جغرافیایی و قلمرو سیاسی عباسیان به حیات خود ادامه دادند. مسیحیان (به‌ویژه مسیحیان نسطوری و یعقوبی) در دوره‌های گوناگون خلفای عباسی بیش از دیگر ادیان فعالیت علمی، اجتماعی و اقتصادی داشتند و در شهرهای مختلف عراق از جمله مرکز خلافت (بغداد) و شهرهای اصلی همچون بصره و تکریت ساکن بودند، البته در دیار شام و جزیره (کردستان) و لبنان و فلسطین و مصر و دیگر ولایات حضور چشمگیر داشتند. در نهضت فرهنگی و علمی دوره عباسیان، مسیحیان نقش سازنده‌ای ایفا کردند و مخلص کلام اینکه همزیستی کامل مسالمت‌آمیز فی‌مابین مسلمانان و پیروان ادیان برقرار بود. در حوزه مناظرات علمی و کلامی نیز، این مبادلات و همزیستی پیوسته مشاهده می‌گردید و لذا پیروان عقیدتی و علما و دانشمندان مسیحی به سهولت می‌توانستند در نقد و ردّ و جدل با مسلمانان و کلام اسلامی تألیف و تصنیف داشته‌باشند و حتی آن را به نام خلفا مزین و گاهی به آنان اهدا نمایند.

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، عضو مرکز گفتگوی ادیان (ارمنستان)، رئیس هیأت مدیره انجمن همگرایی موارث تمدن ایرانی

یکی از نمونه‌های بارز این جدل و مناظره علمی، متعلق به عمار بصری از علمای برجسته نسطوریه در بین‌النهرین بوده و در دوره المعتمد بالله خلیفه عباسی [متولد: ۱۸۰ق - متوفی ۲۲۷ق] می‌زیسته و با علمای اسلامی ارتباطات نزدیکی داشته و بر منابع اسلامی و مسیحی تا دوره خودش آگاهی و آشنایی کافی و وافعی داشته است. وی دو کتاب در دفاع از مسیحیت نسطوری و در نقد و ردّ باورهای مسلمانان نگاشت: کتاب البرهان و کتاب الاسئله و الاجوبه. در این کتابها عمار بصری به خوبی نشان داده که ضمن احترام متقابل پیروان ادیان، می‌توان به بحث و مناظره علمی پرداخت و در رشد و توسعه اندیشه‌های کلامی ادیان نقش ایفا کرد. این آثار کلامی از نمونه‌های برجسته مطالعات و پژوهشهای تطبیقی بین‌الادیان محسوب می‌شود که عمار بصری توانسته براساس منابع آن روزگار به مقایسه اصول و مبانی دین مسیحیت با اسلام بپردازد. در این جستار به این مقوله پرداخته شده که دوره عباسیان (به جز سالهای معدودی) از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی پس از اسلام در ایجاد فضای همزیستی مسالمت‌آمیز با ادیان به‌شمار می‌آمده است که مصداق بارز آن آزادی اندیشه و تألیف و تولید علمی در آن روزگاران بوده است.

واژگان کلیدی: اسلام، همزیستی مسالمت‌آمیز، خلفای عباسی، عمار بصری، علم کلام.

تأثیرات تمدن اسلامی بر جهان مسیحیت در پرتو همگرایی و همزیستی مسالمت آمیز

نادر کریمیان سردشتی^۱

بی‌گمان ظهور دین اسلام، شگفت‌آورترین پدیده تاریخ جهان محسوب می‌شود و به استناد پژوهشگران «تاریخ تمدن جهان» از درخشان‌ترین و پربارترین تمدنهای شناخته شده جهان است و در میان سی‌تا سی و پنج تمدن بشری، سرآمد همه تلقی می‌شود. شخصیت کلیدی این تمدن نیز حضرت محمد(ص) [۵۷۰-۶۳۲م] خود معجزه‌ای جداگانه است که در تاریخ شخصیت‌های تأثیرگذار در جهان یگانه و بی‌همتا است. تاریخ اسلام در اصل تاریخ تمدن نوین در مسیر شش هزار ساله تمدنهای بشری است. اسلام وارث پنج هزار سال تمدن پیش از خودش بوده و پس از ظهور نیز تاکنون تولیدکننده علوم و فنون در ۱۴ سده اخیر بوده است. این مدعی متکی بر اصول و مبانی بوده که شناخت آن لازمه تمدن نوین اسلامی در تاریخ بشر می‌باشد. اصول و مبانی تمدن اسلامی در واقعیت، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده و عناصر و عوامل و اجزای آن را تبیین و تشریح می‌نماید و محققان و پژوهشگران را با این اصول و مبانی آشنا و عوامل مؤثر در تولید و گسترش و پیشرفت اسلام را گزارش می‌نماید و اگر این اصول و مبانی مفقود و معدوم شود این تمدن نیز ماهیت و اساس خود را از دست خواهد داد. عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، تربیتی و فرهنگی گوناگون در شاکله این تمدن نقش داشته‌اند و مبانی و قواعدی اساسی در تشکیل و ایجاد این تمدن تأثیرگذار بوده تا توانسته دنیای جاهلیت و تاریک و قرون وسطی

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، عضو مرکز گفتگوی ادیان (ارمنستان)، رئیس هیأت مدیره انجمن همگرایی موارث تمدن ایرانی

آن روزگار را تبدیل به رنسانس و رشد و توسعه در تمامی حوزه‌های بشری نماید. جهان پیش از اسلام و پس از اسلام دو جهان متفاوت و مختلف هستند و از آثار وجودی این تمدن می‌توان، پی به عظمت و شگفتی‌های آن برده و در مقیاس وسیع جهانی نیز مقایسه و مطالعات تطبیقی تمدنها را با تمدن اسلامی نقد و بررسی کرد. در جهان مسیحیت روزگار ظهور اسلام که معمولاً دوران قرون وسطی نامیده می‌شود تحولات عظیمی به واسطه تمدن اسلامی رخ داد و گسترش تمدن اسلامی توسط دولت امویان در اندلس و اروپای غربی موجبات رنسانس فرهنگی، علمی و صنعتی را در دنیای مسیحیت فراهم نموده و البته دلایل فراوانی برای این مقوله وجود دارد که در اصل جستار به آن پرداخته می‌شود. یکی از دلایل آن این بود که اسلام آئینی جهانی است؛ اسلام فقط برای جامعه درهم‌ریخته جزیره‌العرب نبود و نه برای عصر پیامبر اسلام (ص)، نه برای هر اجتماعی محدود، و نه برای هر نسلی محدود در روی زمین، بلکه مخصوص همه بشریت و مخصوص همه عصرها و نسلهاست. خود قرآن خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌گوید: و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین (انبیاء، آیه ۱۰۷) که ما ترا نفرستادیم مگر آنکه رحمت بر همه عالمها باشی. و کلمه عالمین کلمه‌ای است عمومی شامل زمان و مکان به هر وسعت و عظمتی که باشد، بدون مرز و حدود.

و لذا وقتی اسلام ظهور کرد فراگیر شد و تمدن آفرید که در تاریخ نظیر آن دیده نشد. ویل دورانت مورخ تاریخ تمدنها می‌گوید: «پیدایش و اضمحلال تمدن اسلامی از حوادث بزرگ تاریخ است. اسلام، طی پنج سده از سال (۸۱هـ تا ۵۹۷هـ - ۷۰۰ تا ۱۲۰۰م) از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق نیک و تکامل سطح زندگانی و قوانین منصفانه انسانی و تساهل دینی و ادبیات و تحقیق علمی و علوم طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود.»

دنیای اسلام، در جهان مسیحی نفوذهای گونه‌گون داشت، اروپا از دیار اسلام، غذاها و شربتها و داروها و درمان و اسلحه و نشان‌های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دریانوردی را فراگرفت و غالباً لغات آنرا نیز از مسلمانان، اقتباس کرد...

علمای عرب (مسلمانان) ریاضیات و طبیعیات و شیمی و هیئت و طب یونان را حفظ کردند و به کمال رسانیدند و میراث یونان را که بسیار غنی تر شده بود، به اروپا انتقال دادند، هنوز هم اصطلاحات عربی در زبانهای اروپایی فراوان است .

طبیان عرب (مسلمان) پانصد سال تمام، علمدار طب جهان بودند، فیلسوفان عرب (مسلمان) مؤلفان ارسطو را برای اروپای مسیحی حفظ کردند، ابن سینا و ابن رشد، از مشرق بر فلاسفه کلاسیک اروپا پرتوافکنند و صلاحیتشان چون یونانیان مورد اعتماد بود... معماری اروپایی، تجدید رونق سفالکاری هنری در ایتالیا و فرانسه، آهنگری و شیشه‌گری و نیز جلدسازی ایتالیا و زره‌بافی و اسلحه‌سازی اسپانیا، همه از صنعت گران مسلمان، الهام گرفته است .

تقریباً در همه مناطق اروپا بافندگان به دیار اسلام توجه داشتند که از آنجا نمونه و نقشه بگیرند. این نفوذ از راه بازرگانی و جنگهای صلیبی و ترجمه هزاران کتاب از عربی به لاتین، و مسافرتها دانشورانی از قبیل گربرت و مایکل اسکات و ادلاردبانی به اندلس اسلامی انجام گرفت.

تنها به دورانهای طلایی تاریخ، یک جامعه می‌توانسته است در مدتی کوتاه، اینهمه مردان معروف در زمینه سیاست و تعلیم و ادبیات و لغت و جغرافیا و تاریخ و ریاضیات و هیئت و شیمی و فلسفه و طب و مانند آنها که در چهار سده اسلام از هارون الرشید تا ابن رشد بوده‌اند به وجود آورد. قسمتی از این فعالیت درخشان از آثار یونان مایه گرفت، اما قسمت اعظم آن به خصوص در سیاست و شعر و هنر، ابتکارات گرانبها بود». (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۱: ۲۲۲-۳۰۷)

درباره تمدن درخشان اسلامی و تأثیر آن در عالم مسیحیت و خدمت علمی و فرهنگی آنان به مسیحیان صدها دانشمند قلم‌فرسایی کرده‌اند از جمله می‌توان به مشاهیر ذیل اشارت کرد: واشنگتن ارومینگ (جهان اسلام: ۷۷)؛ بریفولت؛ ج. ه. کریمرز (میراث اسلام: ۱۸۰-۲۰۴)؛ دونالد رکیول آمریکایی (لماذاخترت الدین الاسلامی: ۳۲)؛ هاندریک وان لون (تاریخ بشر: ۸۸)؛ بانو

دکتر توکچیاواگیری (پیشرفت سریع اسلام: ۳۳-۵۵)؛ نشکنتابادهیا
 (لماذاخترت الدین الاسلامی: ۷۵)؛ ولتر (اسلام از نظر ولتر: ۱۵)؛ برنارد شاو (اسلام دین آینده
 جهان: ۱۳) و دهها و بل صدها محقق و پژوهشگر برجسته جهانی دیگر اعترافات تکان دهنده‌ای
 راجع به این تمدن داشته‌اند.

واژگان کلیدی: تمدن اسلامی، اسلام، جهان مسیحیت، همگرایی، همزیستی مسالمت آمیز،
 تاریخ علم، اروپا.

صلح همگانی با تأکید بر مبانی اسلام، مسیحیت و بودیسم

گارینه کشیشان سیرکی^۱

ادیان و صلح آفرینی در هزاره سوم، یکی از موضوعات پرچالش در جوامع انسانی محسوب می شود. واژه صلح یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین واژگانی است که جامعه بشری تاکنون با آن مواجه شده است و فقدان آن مشکلات و معضلات عدیده ای را برای جوامع بشری فراهم نموده است. همه ادیان بزرگ در مورد صلح و واژه متضاد آن یعنی حرب یا جنگ بسیار صحبت کرده و نظرات متفاوتی ارائه نموده اند. صلح از جمله واژگانی است که هم ادیان الهی و هم ادیان و مکاتب زمینی به آن پرداخته اند و آموزه های مختلفی در این رابطه دارند. اسلام، مسیحیت و بودیسم بعنوان ادیان و مکاتب بزرگ جهانی که پیروان بسیاری دارند، هر کدام به نوبه خود در رابطه با صلح نظریه پردازی و اقدام نموده اند. با توجه به اهمیت صلح و اینکه نظر ادیان بزرگ در این رابطه چیست و آموزه های آنان چه تفاوت هایی در این ارتباط دارد؛ مقاله حاضر در صدد است که با بررسی این موضوع به پاسخگویی سئوالات مطرح شده پردازد. بنابراین با استفاده از روش مفصل-بندی گفتمانی لاکلاو و موف، به بررسی عناصر گفتمانی، دال مرکزی، دال-های شناور، وقته ها و همچنین اجزا مختلف گفتمانی مکاتب مورد نظر خواهیم پرداخت، تا به شناسایی ظرفیت ها، فرصت ها و چالش های آنان در زمینه موضوع صلح، صلح همگانی و صلح جهانی پرداخته شود. اینکه جایگاه ادیان در فرایند دستیابی به صلح جهانی چگونه است، از دغدغه های اساسی این مقاله خواهد بود. همچنین نقش اسلام، مسیحیت و

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بودیسم در کاهش منازعات و خشونت در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نتیجه بررسی ها نشان می دهد که ادیان و مکاتب جهانی در مجموع و با اندک تفاوت هایی طرفدار صلح همگانی هستند و در آموزه های آن ها مباحثی طراحی شده که جامعه بشری را به سوی صلح همگانی هدایت می نماید؛ اما تفاسیر متفاوت از ادیان و مکاتب باعث می شود که رهروان به سوی نقض صلح همگانی هدایت شوند.

واژگان کلیدی: اسلام، مسیحیت، بودیسم، صلح همگانی، خشونت

نقش رهبران دینی، آموزش و رسانه صلح در حل بحرانهای دیپلماتیک

سید محمود کمال آرا (زکریا)^۱

با تمام جنگ و نزاع‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر خلاف اعتقاد واقع‌گرایان، به کسب امنیت از طریق کسب قدرت و یا اعتقاد آرمان‌گرایان، به تأمین امنیت از طریق صلح، اکنون نیاز به ارائه یک دیدگاه میانه که هر دو مفهوم قدرت و صلح را در خود جای داده و امنیت را به‌عنوان بهترین هدیه نثار جهان نماید ضروری است. با تغییر معادلات بین‌المللی باید پذیرفت مرزها یک توهم قراردادی و صرفاً میراثی در ساخته‌های بشر خواهد شد. انسانیت در مرزها محصور نمی‌شود؛ آن کودک گرسنه آفریقایی، آن کودک گریان افغانی، عراقی و یا سوری جزئی از مشکل انسانیت و ضمیر ماست، پس بنابراین مرزها و اختلاف نژاد و زبان از ما رفع مسئولیت نمی‌کنند. در نگاهی گذرا از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم و نیز جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه خاورمیانه همه و همه می‌توان دریافت که معضل اصلی نزاع و جنگ، ناشی از فرو رفتن دنیا در چنگال قدرت‌های سیاست‌مداران و در برخی مواقع دردهای بشریت از اختلافات دینی، مذهبی، قومی و نژادی است. تقریب مذاهب اسلامی، تلطیف سیاست حاکمان دینی و نیز دامن زدن به اشتراکات قومی، نژادی و مذهبی یکایک مؤلفه‌هایی بوده‌اند که می‌توانستند رویه صلح جهانی را بر اساس بشردوستی و هم‌نوع‌پذیری بیش از پیش تغییر داده و بدان کمک کنند. در این مقاله ضمن اشاره به برخی دستاوردهای صلح‌مدار با به‌کارگیری رهبران دینی، آموزش و رسانه در فعالیت‌های بشردوستانه نظیر ((منطقه سفید)) و نیز معرفی چگونگی اجرای آن با استفاده از این ارکان؛ با شعار فراهم‌آوری زمینه تفکر بر صلح جهانی

۱. مولف کتاب یکصدگانه اندیشه و سیاست/ روزنامه نگار آزاد

پایدار، چشم انداز پذیرش قوانین صادره از کمیته توسط ادیان و اقوام ملل مختلف و با هدف بررسی نقش کمیته بین المللی سرخ در صلح و نیز پیش بینی و پیشگیری، کاهش فاصله بحران انسان ساز تا مقابله و تضمین شرایط پس از آن بحران، به سراغ پژوهشی جدید تحت عنوان نقش رهبران دینی، آموزش و رسانه صلح در حل بحران های دیپلماتیک خواهیم رفت.

واژگان کلیدی: صلح، صلیب سرخ، دین، اندیشه، حقوق بین الملل، بشردوستانه

ادیان و صلح آفرینی در هزاره سوم: ظرفیت‌ها و چالش‌ها

عبدالرحیم گواهی^۱

مقدمه

ضمن تشکر از دست اندرکاران تمهید مقدمات برگزاری این همایش ملی و بین‌المللی بسیار مهم و ضروری، به خصوص سرکار خانم دکتر ماندانا تیشه‌یار رئیس هیأت مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران و دوست ارجمندم جناب آقای دکتر مصطفی محقق داماد دبیر علمی همایش، و ضمن عرض پوزش فراوان از غفلت در ارسال اصل مقاله در زمان مقرر، به عنوان یک معلم و مدرس حوزه ادیان خارجی و دین‌شناسی تطبیقی، ذیلاً رئوس نظرات خود در موضوع همایش را تقدیم می‌دارم.

(لازم به یادآوری است که اینجانب، در سالهای اخیر، به عوض تنظیم و تبویب مطالب در قالب یک مقاله، بیشتر به ارائه مطالب و نظریات خویش به صورت چند نکته می‌پردازم و زحمت پس و پیش و مرتب کردن، و صد البته قبول و رد آنها را، بر عهده عزیزان خواننده و شنونده می‌گذارم).

۱. اینجانب نیز، مانند خیلی از اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی این مرز و بوم و از جمله استاد فقیدم حضرت آیت الله محمد تقی جعفری تبریزی (ره) بجد معتقدم که ادیان جهان به نحو عام، و دین مبین اسلام به نحو خاص، از ظرفیت و استعداد صلح آفرینی برخوردارند. لیکن، چنانکه خواهیم گفت: بشرطها و شروطها، که البته در رأس آن شروط «فهم درست» از دین می‌باشد.

۱. دکترای ادیان از دانشگاه اوبسالای سوئد و پژوهشگر ادیان، عرفان و فلسفه

۲. قطعاً سؤال بعدی این است که این «فهم درست» ای که می‌گوییم چیست و چگونه حاصل می‌شود؟ که می‌توان در همین مرحله مقدماتی گفت: «فهمی مبتنی بر علم و عقلانیت، و متکی بر آزاداندیشی و آزادی بیان مردم». به عبارت آخری، بدون عقلانیت و علمانیت، و در غیاب آزادی فکر و اندیشه و بیان و عمل، هرگز و در هیچ شرایطی فرد و جامعه به فهمی درست از هیچ چیز، اعم از دین یا غیر آن، نائل نمی‌شوند. به قول مولوی، در مثنوی معنوی:

آنچه می‌گوییم بقدر فهم توست مردم اندر حسرت فهم درست

۳. بدیهی است که فهم درست هم از یک پارادایم فکری درست حاصل می‌شود. پارادایمی که در بنیان‌های آن علم به جای جهل، تعقل به جای تعصب، شعور به جای شعار، تفاهم و همکاری به جای تخاصم و دشمنی، آرامش اندیشه و خردورزی به جای شور و هیجان غوغاسالاری و جنگ‌طلبی، نشسته باشد.

۴. شاید در ذهن برخی از دوستان ایرانی بنده، یا حتی عزیزانی از کشورهای منطقه، جهان اسلام، جهان سوم و غیره که چندان با برخی از کشورهای پیشرفته عالم آشنایی نداشته باشند، این پرسش محتوم پیش آید که این بیان و اشارت، با توجه به اوضاع داخلی کشور و منطقه و بخشهای بزرگی از جهان، مربوط به یک جهان رویایی و اتوپیایی است و در عالم واقع چندان نمونه و مصداقی ندارد!

با توجه به سالها رفت و آمد و اقامت بنده در کشورهای حوزه اسکاندیناوی، یا کشورهای نظیر سوئیس و ژاپن و اتریش و هلند و غیره، باید عرض کنم که همه کشورهایی که دارای سطح سواد علمی بالا (یا نرخ بیسوادی پایین و نزدیک به صفر) و شعور سیاسی - اجتماعی سطح بالایی می‌باشند، به فراخور از موهبت فهم درست برخوردارند و یک چنین مرتبتی چندان هم رویایی، به کلی نایاب، یا حتی به شدت کمیاب، نبوده و نیست.

۵. اجازه بفرمایید از میان تمامی این عوامل و شرایط تنها یک مورد از آنها را تفصیل دهیم: ارتقای تفاهم و تعامل و نفی هرگونه تقابل و تخصم. در این یک مورد هم از میان یازده دین زنده جهان^۲ تنها به سه دین بزرگ ابراهیمی یهود، مسیحیت و اسلام بسنده کنیم. بلکه، با توجه به تعداد پیروان دو دین متأخر مسیحیت و اسلام که تقریباً نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، و محدودیت پیروان دین یهودی در حدود تنها ۱۵-۱۰ میلیون نفر، تنها مورد رابطه یا نقش متقابل اسلام و مسیحیت را از جهت صلح آفرینی مدنظر قرار دهیم.

۶. در مورد وضعیت تاریخی روابط اسلام و مسیحیت خانم آنه‌ماری شیمیل، شرق‌شناس و اسلام‌شناس بزرگ معاصر، در ابتدای مقدمه خویش بر کتاب ماندگار و خواندنی «درآمدی بر اسلام» می‌گوید: «از میان همه ادیانی که مسیحیت با آنها مواجه بوده و الزاماً سروکار داشته دین اسلام را بیشتر از همه مورد سوء تفاهم و در نتیجه حمله شدید قرار داده است. برای مدت بیش از هزار سال چنین به نظر می‌رسید که اسلام یکی از تهدیدات عمده - اگر نگوییم عمده‌ترین تهدید - برای مردم اروپاست. احساسی که منجر به این واقعیت شده که اسلام و پیروان این دین آسمانی، یعنی مسلمانان، سرسخت‌ترین دشمنان مسیحیت و تمدن غربی محسوب شوند».^۳ در مورد وضعیت فعلی این روابط هم نگاه کنید به کتاب نفیس «پوشش خبری اسلام (Covering Islam)» ادوارد سعید که مبین چیزی جز ادامه همان وضعیت اسفبار یک‌هزار سال گذشته نیست.

۴

۷. ناگفته نگذاریم که این اواخر کوشش‌های متعدد و مثمرتری در رابطه با ایجاد درک و تفاهم، و همدلی و همکاری، و حرکت در مسیر صلح آفرینی بیشتر از ناحیه هر دو طرف صورت

۲. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ویراست جدید، چاپ پنجم، انتشارات علم، ۱۳۸۶.

۳. شیمیل، آنه‌ماری، درآمدی بر اسلام، ترجمه و توضیحات عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۷، مقدمه مؤلف، ص ۱۱.

۴. سعید، ادوارد، پوشش خبری اسلام در غرب/ برخورد تمدن‌ها: غرب و اسلام، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸/ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.

گرفته است که، به جهت رعایت اختصار، تنها به یک نمونه بارز از هر دو طرف اشاره می‌کنیم: از ناحیه مسیحیت تألیف کتاب ارزشمند «پیوند اسلام و مسیحیت- (The Case for Islamo-Christian Civilization)» تألیف ریچارد بولیت استاد امریکایی در فردای روز یازدهم سپتامبر^۵، و از ناحیه ما هم تألیف کتاب «آرامش و دوستی در ادیان ابراهیمی»^۶ کتابی که حاصل متجاوز از یک دهه مذاکره گروهی از اندیشمندان ایرانی با پیروان ادیان مسیحی و یهودی از اروپا و امریکا است که به همت انیستیتوی تحقیقات صلح نروژ در نقاط مختلف جهان بر گزار می‌شد.

خصوصیت از جانب مسیحیت را شاید بتوان به روحیه تبلیغی / تبشیری یا میسیونری علمای مسیحی، که صد البته هیچ نسبتی هم با روحیه عیسی مسیح (ع) ندارد، نسبت داد. یا به این حقیقت که متأسفانه در بین پیروان ادیان ابراهیمی پیروان هیچ دینی دین [یا دینهای] بعد از خودشان را قبول ندارند! اما متأسفانه نمی‌دانیم با خصوصیت از ناحیه اسلام و مسلمانان چه کنیم؟ چه آن که قرآن به صراحت می‌فرماید: «میان طوایف اهل کتاب نزدیکترین طایفه به شما، از لحاظ محبت و مودت، مسیحیان هستند» (سوره مائده، آیه ۸۲).

۸. جای انکار نیست که در بین پیروان همه ادیان (اعم از آسمانی و غیر آسمانی و در همه دوران‌ها و زمان‌ها، عده‌ای اصحاب برداشت یا تفسیری عقلانی و مودت‌آمیز، مبتنی بر تفاهم و تعاون، و اهل تساهل و تسامح، بوده‌اند و عده دیگری هم، در جهت عکس، نگاه یا رویکردی غیرعقلانی، متعصبانه، متحجرانه، و مبتنی بر خصوصیت و کدورت داشته‌اند! به عبارت دیگر، همواره قرائت‌های رحمانی / عرفانی در برابر قرائت‌های - به اصطلاح امروزی - داعشی / طالبانی

۵. بولیت، ریچارد، پیوند اسلام و مسیحیت، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.

۶. گواهی، عبدالرحیم، آرامش و دوستی در ادیان ابراهیمی، زیر نظر غلامرضا اعوانی، نشر علم، ۱۳۸۸.

قرار داشته‌اند. مطلبی که امروزه مصادیق بارز آن را به وفور نه تنها در بخش‌های وسیعی از جهان اسلام، بلکه کم و بیش در میهن اسلامی خودمان هم مشاهده می‌کنیم. به قول مولانا:

گرچه مقصود از کتاب آن فن بود گر تو اش بالش کنی هم می‌شود

۹. همین‌جا عرض کنم که اینجانب نیز پس از قریب سه ربع قرن دین‌ورزی و متجاوز از نیم‌قرن تعلیم و تدریس معارف دینی در حوزه ادیان داخلی و خارجی، بی‌هیچ شائبه‌ای از تکلف و تصنع و تعارف، به این نتیجه رسیده‌ام که هیچ دینی، جز آن که وسیله ایجاد دوستی و محبت و مودت، و سلم و صفا و صمیمیت، و تعاون و تفاهم و مؤانست، و حریت و آزادگی و معاضدت، و از همه بالاتر خضوع و خشوع و خدمت، باشد اصلاً دین نیست!

۱۰. در این روز و روزگار، شاید بخاطر بعضی نواقص و کاستی‌ها که افراد از قرائت برخی از حاکمان از دین، یا دین حاکمان، دیده‌اند عده‌ای به ناچار رو به سوی علم و علم‌باوری آورده‌اند و دوای هر درد لاعلاجی را از علم طلب می‌کنند و علم‌گرایی و ساینیسم را حلال همه مشکلات می‌دانند که این نیز - به‌زعم اینجانب - از آن طرف پشت بام افتادن است و تکلیف مالایطاق بر گرده علم‌نهادن که خود علمای حقیقی نیز از آن سرباز می‌زنند و زیر بار چنین مسئولیت سنگینی نمی‌روند. متأسفانه اخیراً خود این بنده در جلسه‌ای چنین مطلبی را از دهان یکی از مسئولین عالیرتبه فرهنگستان علوم شنیدم که موجب تعجب و تأسف بنده شد! صد حیف که جلسه اقتضاء نداشت تا بگویم درست است که: عاقلان / عالمان نقطه پرگار وجودند ولی / عشق داند که در این دایره سرگردانند! بگذریم که مولانای بزرگ می‌فرماید: «این همه علم بنای آخور است!» لیکن چه کنیم که خیلی از بزرگان فکر و اندیشه ما هنوز این گزاره ساده و سراسر قرآنی را نفهمیده‌اند که «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (سوره روم، آیه ۷).

۱۱. در ابتدای سخن قول دادم نمایندگانی از خوانش اسلام عقلانی، رحمانی، علمانی، عرفانی، و از این قبیل را معرفی کنم. از بین آنهایی که من در زندگی با خود آنها یا آثار آنها از نزدیک

مأنوس بوده‌ام می‌توانم از علامه طباطبایی، استاد جعفری، شهید مطهری، آیت‌الله طالقانی، مهدی بازرگان، دکتر شریعتی، و این اواخر هم دوست بزرگوارم آقای دکتر محقق داماد یاد کنم که البته همه اینها مشت نمونه خروار هستند .

گروه مخالف هم که الحمدالله نیاز به معرفی ندارند، چون که این روزها، چه در دنیا و چه در کشور خود ما، خیلی از وسایل ارتباط جمعی دست آنها است و خواهی نخواهی جلوه‌ها بر محراب و منبر می‌کنند! همه آنهايي که فرق بين امر واجب و اجباری در دین، یا نفی آراء مردم و کرامت انسانی، یا تکوین و تشریح و غیر آن دورا، که به ترتیب دست خدا، پیغمبر(ص)، و مردم است، نمی‌دانند! بگذاریم و بگذریم .

۱۲. ناگفته نگذاریم که همه تندروی‌ها و خلاف اندیشی‌ها و افکار ناصواب و اعمال بی‌ثواب همه از ناحیه بدفهمی از دین و کثرویی در این مورد نیست و عجالاً من با این گزاره استاد بزرگوارم آقای دکتر محقق داماد موافق نیستم که بیشترین کشت و کشتار در کل تاریخ بشر از ناحیه دین بوده است، یعنی هنوز صحت و سقم این مطلب به طور مستند و موثق بر من اثبات نشده است. در همین سده تازه گذشته در گذشتگان دو جنگ بزرگ جهانی، و هیتلر و استالین و موسولینی، کجا و چند ده هزار تلفات اقسام داعش و طالبان کجا؟

از طرف دیگر، چه بسیار مکاتب و مکاسب! ریز و درشت علمی و فلسفی و مادی و غیره که اینجا و آنجا سربر نیاوردند و چه‌ها که با این بشر دو پا نکردند؟ (به‌عنوان نمونه نک. به کتاب‌های هشت گناه بزرگ انسان متمدن^۷ و سیطره کمیت و علائم آخر زمان^۸).

۱۳. مایلیم قبل از پایان بحث، با ذکر خاطره‌ای، به یک نکته ظریف هرچند تا حدودی مغفول در بین بخشی از روشنفکران این مرزوبوم اشاره کنم، تا با دیدن بعضی از امور در جوامع به ظاهر

۷. لورنتس، کتراد، هشت گناه بزرگ انسان متمدن، ترجمه دکتر محمود بهزاد و دکتر فرامرز بهزاد، کتاب زمان، چاپ اول، ۱۳۵۸.

۸. گنون، رنه، سیطره کمیت و علائم آخر زمان، ترجمه علیمحمد کاردان، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.

اسلامی گمان نکنند که «حاکمیت خدا» با «حکومت مردم» [دموکراسی] ذاتاً ناسازگار است. اوایل انقلاب که حسب شور و شوق جوانی با عده‌ای از شاگردان استاد جعفری مجله‌ای عقیدتی راه انداخته بودیم و هر کدام از ما به نحوی دست به قلم شده بودیم از دوست عزیز و حقوقدانمان آقای رضا فیض نیز خواهش کردیم که مقاله‌ای برای آن مجله ارسال کنند که ایشان هم مطلبی تحت عنوان «حاکمیت خدا و حکومت مردم» برایمان ارسال کردند. موضوعی که بعدها در کتاب «حکمت و حکومت» آیت‌الله زاده آقای دکتر مهدی حائری یزدی (طاب ثراه) به نحوی مفصل‌تر تبیین و چاپ شد.

۱۴. در خاتمه و جمع‌بندی باید عرض کنم که به نظر اینجانب بزرگترین آفت دین و مانع ظهور و بروز امکانات بالقوه اخلاقی، انسانی، عرفانی و رحمانی آن، از جمله رشد و بالندگی استعداد فهم و درک متقابل و همکاری و همراهی آن با پیروان ادیان دیگر جهان و ساختن جوامعی آباد و آزاد و مترقی، همانا دست و پا گیر شدن دین با مباحث و مقولات فرعی، خرافی، مبتنی بر جهل - ولو جهل مقدس! - و گذشته‌گرایی افراطی و در یک کلمه نشانیدن شعار و تعصب به جای شعور و تعقل، و آن نیز زاییده خودرأیی و استبداد فردی، صنفی، حزبی، و گروهی به جای استفاده از رأی و خرد آزاد جمعی است. همان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (سوره شوری، آیه ۳۸) و در انقلاب سال ۱۳۵۷ هم رهبر فقید انقلاب مکرراً می‌فرمودند: «میزان رأی ملت است». مقوله‌ای که ما بارزترین مصداق آن را در کشورهای بی‌فوقاً از آنها نام بردم می‌بینیم.

کلیدواژه‌ها: ادیان، صلح، رحمت، گفتگو، اخلاق

رویکرد اسلام به حفظ محیط زیست و نقش آن در ارتقای صلح جهانی

نغمه مبرقی^۱

هومان لیاقتی^۲

طرح مسئله: هزاران سال از حضور انسان کنونی در کره زمین می گذرد، سالیانی طولانی که غالباً در همزیستی و همسویی انسان با طبیعت گذشت. اما از زیاده خواهی و تلاش انسان برای چیرگی بر طبیعت تنها چند دهه می گذرد، دست اندازی بشر در طبیعت در نیمه دوم قرن بیستم چنان تغییرات عمیقی را در کره زمین ایجاد نمود که دانشمندان اثرات این پنج دهه را بیش از کل زمان حضور انسان در زمین می دانند. این در حالی است که بیش از ۱۴۰۰ سال قبل پیامبر اسلام (ص) مسلمین را از دست اندازی به طبیعت، حتی در زمان جنگ منع فرمودند.

پرسش پژوهش: پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که با وجود برخورداری از ادبیات غنی اسلام در حفظ محیط زیست، علت وجود مناقشات منطقه ای در زمینه محیط زیست چیست و مبانی اسلام چگونه می تواند در این زمینه راهگشا باشد؟

ایده اصلی نوشتار: بررسی ها نشان می دهد بسیاری از مناقشات منطقه ای در جهان ریشه در کوشش کشورها در تصاحب منابع طبیعی و بعضاً منابع مشترک مرزی میان کشورها دارد. در سالهای اخیر کوشش برای تصاحب منابع آب و خاک در حالی شدت می گیرد که بسیاری از کشورهای در حال منازعه، کشورهای مسلمان دارای مرزهای مشترک هستند. از این رو توسعه

۱. دانشیار پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی

۲. استاد پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی

و تبیین دیدگاه اسلامی در حفظ محیط زیست و لزوم احترام به حقوق همسایگی می تواند پایان بخش بسیاری از این مناقشات باشد. مخازن مشترک سوختهای فسیلی، رودخانه های مرزی و دریاهاى مشترك از مهمترین منابعى هستند كه عدم رعایت حقوق همسایگان نسبت به یکدیگر در بهره برداری از این منابع، بارها مناقشاتی را در سطح جهانی ایجاد نموده است.

روش تحقیق: روش تحقیق در این مطالعه رجوع به کلام وحی در قران کریم و احادیث مختلف و با استناد به آموزه های دینی است.

دستاوردها: در این مقاله تلاش شده تا با رجوع به کلام وحی در قران کریم و احادیث مختلف و با استناد به آموزه های دینی راهکارهای کنترل تنشهای جهانی ناشی از تعرض به منابع مشترك، به ویژه در کشورهای مسلمان بررسی و واکاوی گردد و راهکارهایی از جنس تمسك به مبانی اصیل اسلامی برای کاهش این منازعات پیشنهاد گردد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، اسلام، صلح جهانی، حفظ محیط زیست، منابع طبیعی مشترك

دو مفهوم صلح

محمد مهدی مجاهدی^۱

«مدارا لازمه صلح پایدار است» (حکم نخست). این مقاله با تشکیک در بداهت، روایی و کارایی این حکم، حکمی جایگزین را پیش نهاد و تقویت می کند: «مدارا دشمن صلح پایدار است» (حکم دوم). این مقاله با مروری نقادانه بر ادبیاتی که گرداگرد حکم نخست شکل گرفته (جزء نخست مقاله) و نقض استدلال هایی که در این ادبیات برای تقویت حکم نخست آمده است (جزء دوم مقاله) آغاز می شود. سپس با اتکا بر دو دسته از استدلال ها نشان داده می شود که مدارا نه در تراز نظری به صورت بندی مفهومی منسجمی از صلح می انجامد (جزء سوم مقاله)، و نه در تراز عملی و تجربه تاریخی مسیر صلح پایدار را هموار کرده است (جزء چهارم مقاله). در ادامه، با معرفی رواداری (tolerance) به مثابه بدیل مدارا (toleration) پیش نهاد می شود (جزء پنجم مقاله) که این حکم جانشین حکم نخست شود: «رواداری لازمه صلح پایدار است» (حکم سوم). تفاوت دو اصطلاح رواداری و مدارا صرفاً لفظی یا ذوقی نیست. این دو اصطلاح از دو سنت کهن فلسفی-سیاسی برآمده اند، دو سنتی که در مسیر تاریخ اندیشه سیاسی با یکدیگر در ستیز دایمی بوده اند، یعنی مونیسم و پلورالیسم. در حالی که مدارا درون مایه ای مونیستی دارد، رواداری بیانگر نگرش پلورالیستی است. رشته اصلی استدلالی که تاروپود آن در خلال مباحث پنج گانه مقاله حاضر در یکدیگر تنیده می شوند، این است که برخلاف شباهت های تصادفی، ظاهری و رفتاری (behavioural) میان اهل مدارا و اهل رواداری، این دو آموزه الهام بخش دو گونه کنش (act) کاملاً متمایزند. کنش معطوف به مدارا نه تنها با حق

۱. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پنداری خویشتن و باطل انگاری دیگری تعارضی ندارد، بلکه دقیقاً برآمده از چنین نگرشی خودپسندانه و دیگرنکوهانه در باره نسبت خود و دیگری با حقیقت است. در حالی که کنش معطوف به رواداری، تنها هنگامی سامان می یابد که حق پنداری خویشتن و باطل انگاری دیگری از میان برخاسته باشد. بر همین قیاس، گفت و گوی نقادانه با مدارا ناسازگار است، ولی مؤلفه مقوم رواداری است. همچنین، مدارا یکی از امکانات موضع سلطه است، در حالی که رواداری قاعده مناسبات منصفانه و هم تراز است. این تفاوت ها به همین سرفصل ها خلاصه نمی شود. این تفاوت های سهمگین پیامدهای نظری بزرگ و مدلولات عملی بسیار تعیین کننده ای برای صلح پایدار در نظر و عمل دارند. صلح در ذیل هر یک از این دو رویکرد کلان دو معنای کاملاً متمایز می یابد و دو شبکه مفهومی و سازگار عملی متفاوت می سازد. شباهت صلح در این دو منظومه در حد اشتراک لفظ باقی می ماند، آن هم لفظی با دو معنای متناقض و دو مدلول متضاد. این مقاله همچنین هشدار می دهد که از موضعی پلورالیستی نسبت به عوارض و لوازم نسبی انگارانه ای که در مفهوم مدارا جویانه صلح نهفته است.

واژگان کلیدی: صلح پایدار؛ رواداری؛ مدارا؛ حکم جانشین.

اختلافات مذهبی و شکل‌گیری بحران‌های جنوب غرب آسیا

علیرضا محرابی^۱

محمد رضا جوفارز

مذهب و ارزش‌های دینی می‌توانند با جلوه سیاسی خاص خود دستاویز بازیگران سیاسی و به‌عنوان ابزاری در جهت تامین منافع و شکل دهنده اختلافات جدی و عمیق شوند. چنانکه امروزه اختلافات دینی در شکل دهی به بحران‌های منطقه جنوب غرب آسیا در قالب همین رویکرد ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی قابلیت ارزیابی دارند. نباید از نظر دور داشت که منطقه جنوب غرب آسیا به گونه‌ای است که در نظرگاه ژئوپلیتیکی کشورهای فرامنطقه‌ای نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هرگونه تحول محتوایی در این منطقه، از قبیل بنیادگرایی اسلامی و... بر حساسیت و بحران‌زایی می‌افزاید. در این پژوهش کوشش شده با روش توصیفی - تحلیلی و اسناد کتابخانه‌ای به این پرسش پاسخ داده شود که دلایل اصلی اختلافات مذهبی در منطقه جنوب غرب آسیا چیست و در پیدایش بحران‌های این منطقه چه میزان نقش دارد؟ امید است در این پژوهش با بررسی اختلافات مذهبی کشورها و عوامل ایجاد بحران‌ها، درک ژئوپلیتیکی لازم برای بهره برداری سیاست‌گذاران ج.ا.ا در جنوب غرب آسیا فراهم و پیشنهادهای ضروری برای ارتقا بیشتر نقش آفرینی ژئوپلیتیکی ایران فراهم شود.

واژگان کلیدی: ایران، بحران، جنوب غرب آسیا، اختلافات مذهبی، ژئوپلیتیک،

ژئواستراتژی

۱. دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه بهشتی

افراطی‌گری دینی و اعتقادی و صلح‌ستیزی؛ شناخت بنیادها و زمینه‌ها

فریده محمدعلی پور^۱

افراطی‌گری دینی و اعتقادی توأم با ستیزه، الگویی از رفتار سیاسی را به نمایش می‌گذارد که صلح در جوامع را دشوار ساخته است. این الگو برای ایجاد تغییر با گسترش خشونت، مخاطبان را مقهور کرده و انگیزه‌های سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیک را آشکار می‌کند. آماج‌های انسانی افراط‌گرایان بسیار گسترده است و کاربست خشونت عریان در جوامع مختلف در سطح جامعه شدت یافته است؛ گروه‌های افراطی همچنان جذابیت دارند و به سهولت به عضوگیری می‌پردازند. لذا مقاله حاضر در پی پاسخ به پرسش از بنیادها و زمینه‌های داخلی شکل‌گیری افراطی‌گری و صورت‌بندی آن‌ها است. هدف آن است که از رهگذر شناخت این عوامل، اتخاذ راهکارهای مناسب برای مقابله با ریشه‌ها و بنیادهای افراطی‌گری برای بنیان نهادن جهانی‌عاری از خشونت و توأم با صلح میسر گردد. مقاله حاضر، پژوهشی کیفی است که در چارچوب روش‌شناسی تفسیر‌گرایی اجتماعی با استفاده از نظریه سیاست نمادین پیر بوردیو قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش با بررسی نمونه‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد بنیادهای متفاوتی از جمله بهره‌گیری از رابطه خصمانه مستمر در گذشته؛ استفاده از رویدادها و وقایع با چالش وجودی نسبت به نظام اعتقادی/ایدئولوژی آن‌ها برای تحریک عواطف جمعی، و جلب حمایت هواداران و مراجع وفاداری مردمان وجود دارد. زمینه‌هایی همچون ستیز اعتقادی/ایدئولوژیک، ستیز قومی، ضعف ساختارهای سیاسی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و ستیز میان دولت‌ها در این میان مطرح هستند

۱. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی

و افراط‌گرایان با استفاده از ارباب، کشتار و بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی به پیشبرد مقاصد خویش می‌پردازند.

واژگان کلیدی: افراطی‌گری دینی و اعتقادی، منازعات، تروریسم، صلح‌ستیزی، خشونت سیاسی.

بررسی و تحلیل موضوع صلح و صلح طلبی در آموزه های قرآن کریم

مژگان محمدی^۱

موضوع صلح و صلح طلبی، امروزه یکی از مفاهیم اساسی در فلسفه سیاسی، فلسفه اخلاق و دین است و متفکران در خصوص صلح طلبی به صورت مطلق و مشروط نظرات مختلفی ارائه کرده اند. مفهوم صلح، حوزه معنایی عمیق و پیچیده ای را در قرآن تشکیل می دهد. این موضوع به خصوص با توجه به مفهوم هنجارین دیگر یعنی «جهاد» پیچیدگی بیشتری می یابد. از این رو، برای فهم ابعاد مختلف صلح و صلح طلبی در قرآن کریم، ضرورت دارد که از جوانب مختلفی موضوع را مورد بررسی و تحلیل قرار بدهیم.

در این مقاله، ما برای فهم بهتر رویکرد قرآن به مفهوم صلح، آن را از دو جنبه روابط مسلمانان با یکدیگر و روابط مسلمانان با غیرمسلمانان و دشمنان بررسی و تحلیل می کنیم. به طور کلی، قرآن از بین رفتن اختلاف و دشمنی، جنگ و خونریزی میان مردم و رسیدن به وحدت و صلح را یکی از نعمتهایی برشمرده است که پیامبر اسلام برای جامعه آن روز عربستان به ارمغان آورد و از این رو، به آنان توصیه می کند که به وسیله امر به معروف و نهی از منکر در حفظ اصول ارزشی جامعه خود مراقبت کنند و مواظبت کنند که مبدا با اختلاف و پراکندگی خود را به مهلکه اختلاف و دشمنی بازگردانند (آل عمران، ۱۰۳-۱۰۵) همچنین صلح و سلام یکی از موهبت ها و پاداش های الهی است که نصیب مؤمنان در سرای جاویدان می شود (احزاب، ۴۴؛

۱. عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

واقعه، ۲۶) و مرتب بر آن، دشمنی و نزاع، حال و وضع اصحاب شقاوت در سرای دیگر است (بقره، ۱۶۶-۱۶۷؛ ابراهیم، ۲۲؛ ص ۶۴).

در ارتباط با غیر مسلمانان و دشمنان، موضوع صلح پیچیدگی بسیاری پیدا می کند. این موضوع به خصوص در ارتباط با مفهوم هنجارین جهاد با کافران و دشمنان، پیچیدگی عمیق تر و گسترده تری می یابد. از نگاه ما، در روابط مسلمانان با یکدیگر، صلح مؤلفه اساسی و آرمانی جامعه و امت اسلامی را تشکیل می دهد و بر اساس سه عنصر برادری، برابری و دوستی مسلمانان با یکدیگر نمود پیدا می کند. همچنین در ارتباط با روابط مسلمانان با غیر همکیشان و دشمنان، موضوع صلح در مواضع مختلف مذاکره، صلح مشروط و جهاد و نیز بر اساس روابط مبتنی بر ارزشهای مدارا، عدالت و انصاف مفهوم پیدا می کند.

واژگان کلیدی: صلح، صلح طلبی، جهاد، قرآن، مسلمانان

نقش راهکارهای صلح آمیز دین اسلام در ارتقای وضعیت حقوق بشر

مهدی مخبری^۱

دین اسلام، دین کامل و دین رحمت و مودت است و همواره آموزه های آن در مسیر ظلم ستیزی و مبارزه با تبعیض و برقراری آرامش و صلح در جوامع انسانی بوده و حقوق بشر و احقاق آن از بزرگترین اهداف اسلام است که با بررسی آیات قرآن و روایات می توان به آن دست یافت.

پرسش این پژوهش آن است که اسلام برای ارتقاء وضعیت حقوق بشر چه راهکارهایی دارد و این راهکارها چگونه و به چه میزان می توانند در بهبود وضعیت حقوق بشر ایفای نقش کنند.

ایده اصلی برای نگارش این پژوهش آن است که با نگاهی جدید به دستورات و آموزه های اسلامی بتواند آنچه را که اسلام برای برقراری صلح و آشتی در جهان و احقاق حق مظلومان به آن اهتمام ورزیده، بیان نماید.

این پژوهش به روش کاربردی و توصیفی - تحلیلی نگاشته شده و از داده های کتابخانه ای بهره می برد.

چارچوب نظری پژوهش بر اساس تعریف اسلام از حقوق بشر و روابط صلح آمیز و بایدها و نبایدهای مطرح شده در دستورات قرآن برای برقراری صلح و آرامش در جوامع از یکسو و همچنین از سوی دیگر، تبیین خطوط انحرافی که با رویکردهای سیاسی و مغرضانه، اسلام و مسلمانان را زیر سؤال برده و حقوق بشر را محدود به یک جغرافیای خاص نموده، می باشد.

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

نتایج پژوهش، شناخت و واکاوی مفهوم حقوق بشر و صلح در نگاه اسلام و ارائه راهکارهای صلح آمیز تعالیم اسلام در قالب آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) برای ارتقای وضعیت حقوق بشر و شبهه زدایی در مقابل تفکراتی است که مکتب اسلام را به پرورش تروریسم و گسترش آن متهم نموده و برخی آموزه های اسلام را ناقض حقوق بشر می دانند.

واژگان کلیدی: اسلام، حقوق بشر، صلح، آموزه های اسلامی، دین

صلح و بازاندیشی آیات جهاد در قرآن

اسداله مرادی^۱

در چند دهه گذشته کشورهای مسلمان در خاورمیانه گرفتار جنگ های خونین با هم شدند با هزینه های سنگین مادی و معنوی! میلیون ها مسلمان در این جنگ ها کشته و مجروح و آواره شدند و تریلیون ها دلار خسارت اقتصادی دیدند. این جنگ های خونین علل بسیاری داشته و دارد؛ مانند نزاع های تاریخی و جغرافیایی، ذی نفع بودن اسرائیل و قدرت های جهانی، فقر آموزشی و توسعه ای و ... اما یکی از علل اصلی این جنگ ها، ظهور بنیادگرایی مذهبی در منطقه است. ظهور بنیادگرایی مذهبی در خاورمیانه نیز علل زیادی دارد که یکی از مهم ترین آنها توسل شداد و غلاظ به آیات جنگ و جهاد و قتال در قرآن است!

بدون تردید در قرآن آیات جهاد و قتال آمده، هرچند بسامد آن نسبت به آیات ایمان و عمل صالح و در کل نسبت به آیات مربوط به باورها و اعتقادات و نیز آیات مربوط به آموزه های اخلاقی به مراتب کمتر است، اما به دلایل بسیار آیات جنگ و جهاد قرآن در چند دهه گذشته برجسته تر و بارزتر به نمایش درآمده، با اغراض گوناگون و حتی متعارض!

امروزه برای آرامش و صلح کشورهای اسلامی باهم و نیز در یک افق بالاتر، صلح با دیگر کشورها و ملل، نیاز به بازاندیشی آیات جهاد و قتال قرآن احساس می شود تا از این رهگذر خاورمیانه و کشورهای اسلامی از بنیادگرایی افراطی مذهبی فاصله بگیرد و آرام آرام صلح و همزیستی شوند. جهان اسلام امروزه از هر زمان دیگر بیشتر نیاز مبرم به دکتین صلح دارد.

۱. استادیار دانشگاه فرهنگیان، تهران

چارچوب نظری این مقاله بیشتر بر مبنای رویکرد هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه مطالعات دینی است تا رویکرد کلامی و فقهی.

واژگان کلیدی: بازاندیشی، بنیادگرایی، صلح، جهاد، قرآن، هرمنوتیک و پدیدارشناسی دین.

رویکرد ادیان به گوناگونی فرهنگی برای دستیابی به صلح جهانی

صفی الله ملکی^۱

برای فرهنگ تعاریف زیادی شده که مهمترین آن، تعریف تایلور می باشد که معتقد است فرهنگ مجموعه ای از آداب و رسوم، منش، هنرهای دستی و تجسمی، زبان، ادبیات و مناسک عبادی و... می باشد که برای رفع نیازهای جامعه به وجود آمده و از نسلی به نسل دیگر منتقل می گردد. برای دین هم تعاریف زیادی از طرف ائمه علیهم السلام و فیلسوفانی همچون ویلیام جیمز، دورکیم، هیکل، مارکس و... از نگاه مادی و معنوی شده است. اجماع کلی این است که دین و فرهنگ هر دو برای رفع نیازهای مادی و معنوی و چگونگی رسیدن به تکامل انسانها و نیک بختی و سعادت مندی جامعه از طریق خودشناسی و خداشناسی با همبستگی و شعور اجتماعی انسانها در جوامع می پردازند.

مقاله شامل موضوعات زیر می باشد: اهمیت ادیان در گوناگونی فرهنگی (پلورالیسم)، استراتژی ادیان در فرهنگ، جامعه شناسی دین، رابطه دین و فرهنگ، نقش گوناگونی ادیان در دستیابی به صلح جهانی، چه باید کرد؟

واژگان کلیدی: صلح جهانی؛ جامعه شناسی دین؛ فرهنگ؛ نیاز

۱. دکترای جامعه شناسی و نویسنده

صلح و ناصح در مواضع امام جواد (ع): درس هایی برای خلق فرهنگ صلح

محمد منصورنژاد^۱

خشونت، جنگ، نابرابری ها و... در جهان کنونی در شرق و غرب عالم (تبعیض جنسیتی، شکاف طبقاتی، تعارض قومی و نژادی، گسست دولت-ملت ها، و...) فراوان به چشم می خورد. در این زمینه پرسش اساسی آن است که برای اصلاح فرهنگ خشونت و ناصح چه می توان کرد؟ در این میان، سهم ادیان در تقلیل مرارتها و دامن زدن به دوستی ها چیست؟

به نظر می رسد برای خلق و گسترش فرهنگ صلح، نقش و تاثیر «مشاهیر و معاریف»، بر آحاد جامعه تعیین کننده است. همانگونه که «هافتاد» می گوید: «فرهنگ» چهار لایه دارد: ارزش ها، شعایر، مشاهیر و نمادها. با این وصف، در مطالعات فرهنگی و اجتماعی نقش مشاهیر به عنوان یکی از لایه های فرهنگ قابل توجه است.

در میان مسلمانان، شیعیان جمعیت چند صد میلیونی را تشکیل می دهند که اغلب آنها به امامان معصوم و بلکه دوازده گانه قایلند و معتقدند که «قول، فعل و تقریر معصوم» حجیت دارد. در مباحث فرهنگی، نقش امامان، برای شیعیان در زیر عنوان مشاهیر قابل طرح اند. امام جواد یکی از امامان و چهره های شاخص شیعی است. از این امام معصوم در زمینه گفتگو، مباحثه، سعه صدر، مدارای با دیگران و حتی دشمنان، و به عبارت دیگر، حکمت های عملی آثاری وجود

۱. دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران و عضو هیات مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران

دارد که در فرهنگ سازی برای صلح از منظر ادیان بسیار مهم است. متأسفانه آموزه های به جای مانده از امام نهم شیعیان از این منظر تا کنون مورد بازخوانی و تحلیل قرار نگرفته است.

در این نوشتار با بهره گیری از تکنیک «تحلیل محتوا» سخنان و مواضع جواد الائمه در زمینه صلح برجسته، تجمیع و تحلیل می گردند. روش گرد آوری «اسنادی» است و شیوه تحقیق نیز «توصیفی - تحلیلی» می باشد.

در مباحث نظری، ایده لایه های فرهنگی «هافستد» (۴ لایه ارزش ها، شعایر، مشاهیر و نمادها) راهنمای تنظیم مطالب نوشتار خواهد بود.

دستآورد نوشته نیز دست کم برای شیعیان و سپس برای مسلمانان و پیروان دیگر ادیان قابل توجه، تامل و تدبیر می باشد و بلکه حتی می توان ادعا نمود که برخی از پیام های محبت آمیز و صلح مدار این امام، برای هر اهل خردی، الهام بخش است.

واژگان کلیدی: صلح، ادیان، شیعه، امام جواد، فرهنگ سازی

مناسبات ادیان با صلح و ناصح «متاورس»

محمد منصورنژاد^۱

یکی از پرسش‌های مهم در هزاره سوم آن است که آیا همچنان ادیان برای بشر امروز (که اکثریت متدین اند) کارکرد مثبت، سازنده و آشتی‌آفرین دارند؟ جهانی که بشر پیوسته با مسایل مستحدث روبروست. مثلاً در عصر ارتباطات ادیان نسبت به زندگی مجازی بشر چه موضعی دارند؟ به ویژه اینکه کارکرد رسانه‌های مجازی می‌تواند صلح‌آفرین یا حتی صلح‌زدا باشد؟ در این زمینه بررسی پدیده «متاورس» به جهت نوظهوری آن با غایات اصلی ادیان (اخلاق؛ عدالت و...) که از مصادیق صلح مثبت اند، بسیار درخور اهمیت است.

بشر امروز در کنار دنیای واقعی (Actual World)، و دو دنیای دیگر یعنی، «دنیای آنلاین» (Online World) و دنیای «چندجهانی» (Multi Verse)، امروزه برای دنیای دیگری آماده می‌شود که آن را «متاورس» (metaverse) یا «فراجهان» نامند. با توجه به برخی ویژگی‌های این دنیای چهارم؛ (متاورس همیشه فعال و «روشن» است؛ به صورت زنده و در زمان واقعی تجربه می‌شود؛ می‌تواند میزبان هر اندازه مخاطب باشد؛ دارای اقتصادی کاملاً پویا و مختص به خود است؛ در سراسر پلتفرم‌ها و دنیاهای دیجیتال و فیزیکی گسترده شده است؛ و...)، همانند همه تکنولوژی‌های بزرگ که ادیان و پیروان را به چالش می‌کشاند، فضای سه بعدی متاورس، نیز نه تنها همان مسایل را در اذهان می‌آفریند، بلکه به جهت بداعت و ابهاماتش مسایل تازه‌تری نیز خلق می‌کند و پرسش‌هایی از جمله مرتبط با صلح می‌آفریند.

1. metaverse

۲. دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تهران و عضو هیات مدیره انجمن علمی مطالعات صلح ایران

اگر «صلح مثبت» را بتوان به رشد فضایل اخلاقی و انسانی معنا نمود (که از مطالبات همه ادیان هم هست)؛ در این صورت آیا خلق جهانی به نام متاورس، به فضایل انسانی و اخلاقی کمک می‌کند و یا آسیب‌زاست و یا اینکه نسبت بدانها خنثی است؟

اگر تحقق عدالت و برابری (از مصادیق بارز صلح مثبت) از غایات اکثر ادیان است، آیا اجرایی و نهایی شدن متاورس، به برابری‌ها یاری می‌رساند و یا به شکافها و تبعیض‌ها دامن می‌زند؟ آیا خلق «آواتار» از اشخاص در متاورس با فضایی که انسان قرار است در صلح مثبت بدان دست یابد هماهنگ است؟ چنین شخصیتی با هویت دینی افراد آیا سازگار است؟ ...

عصاره نوشتار حاضر آن است که متاورس دارای ضعف و تهدیدها از سویی و قوت و فرصت‌هایی از سوی دیگر است. ولی در مجموع چون در مقابل شرّ قلیل، خیر کثیر دارد و قوتها و فرصت‌های این فضا به صلح، دوستی، برابری و همدلی یاری می‌رساند، قابلیت سازگاری با مقاصد اصلی ادیان را دارد.

در این نوشتار، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و در شیوه گردآوری داده، به جهت بدیع بودن مفهوم متاورس، در کنار اندک منابع مکتوب در معرفی متاورس از سایت‌های اینترنتی نیز بهره‌جسته می‌شود.

در مباحث نظری، برای مفهوم بندی و مقوله بندی عمیقتر هم از مباحث «ارسطو» در باب «تخنه» بهره‌جسته می‌شود و هم از ایده «موج سوم» رسانه‌ای «تافلر» استفاده می‌گردد.

واژگان کلیدی: متاورس، ادیان، برابری، صلح، ناصح، فضایل

صلح در اسلام و بسترهای گفتمانی آن

اسماعیل منصوری لاریجانی^۱

در مکتب اسلام آنچه که اصالت دارد، صلح است. پیامبر گرامی اسلام (ص) پیامبر رحمت برای جهانیان است. نسبت رحمت الهی با صلح، نسبت عام و خاص است و در حقیقت صلح جلوه اجتماعی و سیاسی رحمت است. عدول از این اصل مهم، گام نهادن در مسیر شیطان است. اما اگر دشمن آغاز به تجاوز نمود (مانند مشرکین مکه که کمر به آزار و قتل مسلمین بسته بودند) در این صورت فقط کسانی که مورد تجاوز و آزار دشمنان واقع شدند، اجازه دارند که از خود دفاع نمایند. چنانکه می فرماید: اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا (حج ۳۹).

دلیل نفس الامری اصالت صلح در اسلام این است که صلح اجتماعی و سیاسی در نظام اعتباری جهان، جلوه ای از جهان هستی و عالم آفرینش است. و جهان هستی همواره در مدار صلح و آرامش همه پدیده ها از ذره تا کهکشان قرار دارد. اسلام عزیز به خاطر طبیعت صلح جویانه اش بسترهای گفتمانی خوبی را فراهم نموده است که مهمترین آنها عبارتند از :

۱. زمینه تاریخی گفتمان صلح که با ظهور اسلام همه انسانها را صرف نظر از رنگ، نژاد و ملیت به نظام توحیدی حاکم بر جهان دعوت نمود و رسول گرامی اش فرمود: یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا (اعراف ۱۵۸)

۲. زمینه های علمی و فلسفی گفتمان صلح که در آثار علمی و احادیث اهل بیت علیهم السلام به ظهور رسید و در حکمت علوی به عنوان جوهر حکمت یونانی و خسروانی، موجب ظهور تفکر شیعه گردید و در آثار تربیت شدگان تفکر معنوی نظیر ابن سینا، فارابی، خواجه

۱. استاد عرفان و فلسفه اسلامی و مدرس دانشگاه آزاد

نصیرطوسی، جلال الدین مولوی و ملاصدرا به اوج خود رسیده و بسترهای عصر اول تمدن اسلامی را موجب گردید .

۳. زبان شناسی گفتمان صلح که منحصر در قرآن کریم به عنوان زبان هستی معرفی گردید و این زبان هستی است که پیوندی میمون میان همه آحاد ملل جهان ایجاد خواهد کرد .

۴. زمینه گفتمانی صلح با عرفان اسلامی: عرفان اسلامی مجمع البحرین همه علوم و نحله های فکری و فلسفی است و از ظرفیت فوق العاده ای جهت تحقق صلح گفتمان جهانی برخوردار است. تجربه تاریخی عرفان و تأثیر آن در فروکش کردن آتش های جنگ و خونریزی و روی آوردن مردم ستم دیده از غارت و جنگ و کشتار به اولیای الهی در تاریخ و کارآمدی انسانهای کامل به عنوان قطب و پیر راه، ما را بر آن می دارد که با نگاه عالمانه و محققانه ظرفیت عرفان اسلامی و تعالیم عملی و میدانی آن را مورد بررسی و واکاوی قرار دهیم و با پیرایش آموزه های آن از تحریفات و خرافات صوفیانه، مجموعه آن را جهت نظریه پردازی های حکیمانه و تولید تفکر سیاسی کارآمد جهت حکومت سازیهای نوین در اختیار اندیشه مندان فلسفی و سیاسی جهان قرار دهیم. الگوی روشن و کارآمد این کار، ظهور انقلاب اسلامی براساس تفکر امام خمینی که حکومت فقیهانه را در ساختار فلسفی و عرفانی براساس آموزه های قرآن کریم و تعالیم اهل بیت علیه السلام ارایه نمود، است .

این نوشتار، در بخشی از مباحث (آنچه به کتاب و سنت باز می گردد) با نگاهی هرمنوتیک منابع اصیل را با تحلیل محتوا بررسی می کند و در بخشی (که به جریان های تاریخی اشاره دارد) با ارجاع به منابع تاریخی و مستندسازی، مدعایش را مدلل می سازد.

کلیدواژه ها: اسلام؛ صلح؛ گفتمان؛ قرآن؛ دین

ثبت جهانی کوه دماوند عامل گفتگو و صلح زیست محیطی درون و بین نسلی در هزاره سوم با تاسی از آیات و روایات

حسین منفردی

در هزاره سوم یکی از مسائل جدی و جهانی، بی توجهی به آلودگی و تخریب محیط زیست می باشد که یک ابرتهدید بشری است که اذهان دول و ملل را به خود مشغول نموده است. یکی از مصادیق مهم محیط زیست که کارکردهای فراوانی در زیست بوم بشری دارد؛ ارتفاعات و کوه ها هستند. کوه دماوند مهم ترین، مشهورترین و مرتفع ترین اثر طبیعی ایران است که امروزه شاهد تخریب و استفاده نامناسب از این گنج طبیعی و خدادادی هستیم. چون نیازهای فیزیولوژی بشری پیش از هر نیاز دیگر باید به آن توجه شود، در نتیجه توجه به صلح زیست محیطی نسبت به دیگر ابعاد صلح اوکیت دارد.

پرسش پژوهش این است، آیا بر اساس مبانی دین اسلام برای حل این مساله هزاره سوم می توان راهکاری تدوین کرد؟

در پاسخ می تواند گفت؛ آموزه های دینی و سنت و سیره ائمه (ع) در زمینه فرهنگ سازی برای حفظ محیط زیست؛ از جمله ثبت جهانی کوه دماوند می توانند راه گشا باشند.

برای زندگی اجتماعی انسان ها چهار ارتباط قابل تصور است، ارتباط با خود، ارتباط با دیگر انسان ها، ارتباط با خدا و ارتباط با طبیعت. در این پژوهش ارتباط با طبیعت مورد بررسی قرار می گیرد.

پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای و با هدف کاربردی تدوین خواهد شد که جمع‌آوری داده و اطلاعات با مراجعه به قرآن، احادیث، نهج البلاغه، مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها مطالب و موضوعات مرتبط استخراج و آنگاه مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

به استناد آیات و روایات هرگونه تجاوز، تخریب و بهره‌گیری غیراصولی از کوه دماوند؛ چون از مصادیق فساد، قاعده ضرار، ظلم، خروج از عدالت، حق الناس، اسراف، تعدی از جهان بینی الهی و نافرمانی دستور خداوند است که تبعات آن زیان‌رسانی به انسان‌ها (نسل‌های کنونی و آینده) و دیگر موجودات است، ممنوع، غیرشرعی، حرام و جایز نخواهد بود.

با ثبت جهانی کوه دماوند، شرایط گفتگو برای فرهنگ‌سازی و رفتار صلح‌آمیزی فراهم شده که هم قانونی از تخریب آن جلوگیری خواهد شد و هم عاملی خواهد بود تا از سوی سازمان‌های بین‌المللی مورد حمایت قرار گیرد و به همین دلیل به صورت سالیان و یا دوره‌ای، افراد زیادی فارغ از ادیان، مذهب، جنسیت، سن و... در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح ملی و بین‌المللی از سراسر دنیا گردهم آیند تا در خصوص حفظ این کوه و ارتباط صلح‌آمیز انسان‌ها با طبیعت؛ سخن‌کنند.

واژگان کلیدی: آیات، روایات، صلح زیست‌محیطی، کوه دماوند.

تفوق گفتمان صلح بر گفتمان جنگ در سیره نبوی

سید جمال موسوی^۱

نظر رایج درباره سیره نبوی در دوران مدنی آن است که پیامبر اسلام (ص)، «پیامبر جنگ و شمشیر» بوده است. در قرائت «اسلام سیاسی» خاصه بعد از انقلاب اسلامی ایران، به گواهی کتب متعدد تألیف شده دانشگاهی و غیر دانشگاهی در سیره نبوی، گفتمان جنگ و قتال نه تنها بر گفتمان صلح و سازش غلبه دارد، بلکه به نوعی اغراق هم شده است و مبلغان اسلامی در رسانه های مختلف از منابر و تریبونهای مذهبی گرفته تا صدا و سیما، با افتخار از تعداد بالای جنگها و غزوات پیامبر در طول ۱۰ سال دوره مدنی یاد می کنند و حتی پا را فراتر نهاده و -ناخواسته- همگام با آبای کلیسا در سده های میانه و نیز برخی از خاورشناسان غیر منصف، اسلام و گسترش اسلام را هم به خلاف واقع و بی توجه به تحقیقات اصیل و منصفانه مسلمانان و غیر مسلمانان در این موضوع، مدیون و محصول شمشیر قلمداد کرده و می کنند. در قرائت اسلام سیاسی، حتی نامه های دعوت پیامبر و عبارت معروف «اسلم تسلّم» در این نامه ها خطاب به سران و ملوک همجوار، تهدید نظامی تلقی شده است! با مطالعه دقیق و روشمند در سیره نبوی چنین به دست می آید که همه غزوات و سرایای دولت نبوی بلااستثناء، حتی غزوه بدر که مشخصاً دستاویزی برای جنگ طلب نشان دادن دولت نبوی از سوی مخالفان اسلام شده، جنبه دفاعی داشته و هیچ کدام «جنگ ابتدایی» و مبتنی بر هجوم و تجاوز به منظور گسترش دین اسلام یا توسعه قلمرو دولت مدینه نبوده است. پیامبر اسلام (ص) نه برای گسترش قلمرو دولت مدینه دست به شمشیر بُرد و نه برای گسترش دین اسلام در میان قبائل جزیره العرب. قبول جزیه از اهل ذمه در قلمرو

۱. عضو هیات علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران

حکومت نبوی و ورود نمایندگان وفدها و هیئت‌های اعزامی قبایل برای پذیرش اسلام یا اطاعت از دولت مدینه، نافی سیاست گسترش دین اسلام به زور شمشیر، و جنگ‌های دفاعی و غیر هجومی پیامبر (ص) هم نافی سیاست گسترش قلمرو دولت مدینه از طریق جنگ در سیره نبوی است. سیاست دوم البته در دولت خلفا در جریان فتوحات، علی‌رغم سیره نبوی، شکسته شد که مستلزم بررسی و تحلیل جداگانه‌ای است.

راهکارهای صلح آفرینانه ادیان الهی در قبال بحرانهای خانوادگی

مهری سادات موسوی^۱

طرح مسأله: با وجود تغییر و تحولاتی که جامعه طی عصر جدید به خود دیده و استیلای فرهنگ بازاری در آن که به دنبال ارزش گذاری مادی همه چیز است، هنوز خانواده و فضای حاکم بر آن مهم‌ترین بستر رشد انسان محسوب می‌شود. استحاله برخی مفاهیم و ارزش‌ها که گاه حتی در فرهنگ معاصر به واژگانی ناپسند تبدیل شده (همچون صبر، تعهد بلندمدت، گذشت و ...) و قابل خریداری نبودن مؤلفه‌هایی همچون روابط خانوادگی، عشق، دوستی، لذت، روابط خانوادگی، احترام، قدردانی، ایثار و ...) بحران‌هایی را در بسیاری از خانواده‌هایی که صرفاً متکی بر آموزه‌های فرهنگ مدرن و پست‌مدرن در صدد مدیریت خانواده خود هستند پدید آورده است. جستجو برای خوشبختی، شادکامی، لذت، رفاه در این عصر گاه به مهم‌ترین عینک زندگی خانوادگی تبدیل شده و هرچه بیشتر متکی بر این عینک خانواده‌ها پیش می‌روند، کمتر به آن دست می‌یابند. اکثر افراد در بیشتر مواقع خوشبختی را در جایی دیگر جستجو می‌کنند، جایی که نمی‌توان آنرا یافت.

مسئله پژوهش: مقاله پیش رو به دنبال یافتن راهکارهای صلح آفرینانه ادیان الهی در قبال بحرانهای خانوادگی و تحلیلی مقایسه‌ای با مبانی نظری موجود در این حوزه است.

روش تحقیق: در مطالعه حاضر، ضمن مطالعه‌ای اسنادی، مروری بر نظرات برخی نظریه پردازان معاصر حوزه خانواده انجام شده، بحران‌هایی که خانواده‌ها با آن مواجهند، احصاء و شرایطی که به واسطه دوری از مؤلفه‌های صلح آفرینانه و آرامش بخش ادیان الهی بر آنها حاکمند، مورد

۱. استادیار و رئیس جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

بررسی قرار گرفته است. همچنین راهکارهایی که در این ادیان الهی در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، زیستی، اجتماعی و روانشناختی مطرح شده و می‌توان با تمسک بر آنها خانواده‌ها را از سرایشی از هم‌گسیختگی روابط عاطفی- انسانی و سقوط نجات بخشید، مورد مذاقه قرار گرفته و با راهکارهای مادی رایج مورد مقایسه و تحلیل قرار گرفته است.

نتایج: بحران‌های مطرح با توجه به اندیشه صاحب‌نظران معاصر همچون زیگمونت باومن، الیزابت بک، آنتونی گیدنز، دیوید چیل، اریک وایدمر و... احصاء و دسته‌بندی شده و راهکارهای مطرح از سوی این صاحب‌نظران و ادیان الهی در قالب شاخص‌های ساختاری، الگویی، کارکردی و آسیبی مطرح و مورد مقایسه قرار گرفته است. توجه به ابعاد و انگیزه‌های مادی و نادیده گرفتن ابعاد معنوی و الهی، چارچوب رفتاری متفاوتی را ذیل الگوهای مبتنی بر تفکرات سکولاریستی- اومانستی و دینی شکل می‌دهد که بعضاً با تغییر ماهیت برخی مفاهیم اخلاقی مواجهیم که اساس جهت‌دهی رفتاری اعضای خانواده را شکل می‌دهد و اساساً راهکارهای صلح‌آفرینانه مطرح در این دیدگاه‌ها نیز از یکدیگر متمایز می‌شود.

واژگان کلیدی: خانواده، فرهنگ مدرن و پست مدرن، ادیان الهی، احساس خوشبختی، بحران خانواده، مفاهیم اخلاقی

ظرفیت‌ها و موانع همزیستی عادلانه بشری در اسلام

مهدی نادری^۱

بر اساس آموزه های وحیانی قرآن کریم، اسلام یک دین جهانی و پیامبر اکرم (ص) رحمه للعالمین است. قرآن کریم در راستای برقراری صلح و امنیت، دو انگاره اصلی را مورد توجه قرار داده است: ۱. همزیستی مسالمت آمیز ۲. عدالت. از یک سو، «انگاره همزیستی مسالمت آمیز» در آموزه های قرآنی، بر این نکته تاکید دارد که مخاطبان قرآن کریم، در قالب های زبانی سه گانه یعنی سطح فطری (بشری)، سطح ادیان ابراهیمی و سطح مسلمانان، فراگیر و جهانشمول هستند و همه انسان ها به ما هو انسان به طریقی مخاطب اسلام (رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) می باشند. در سطح فطری، زبان اسلام مشترکات فطری انسانها (فَطَّرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ)، در سطح ادیان ابراهیمی، زبان اسلام مشترکات پیروان ادیان ابراهیمی (تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ) و در سطح مسلمانی، زبان اسلام مشترکات پیروان دین اسلام (وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا) می باشد. زبانهای سه گانه در واقع، ظرفیت‌های رسمی و تایید شده قرآنی برای همزیستی مسالمت آمیز بشری برای گفتگو، استدلال و منطق است. و از سوی دیگر، «انگاره عدالت» در آموزه های قرآنی، در واقع بیانگر چشم اندازی فرا اعتقادی، قومی و نژادی در تنظیم روابط و تعاملات بشری است. بر مبنای دکرترین همزیستی عادلانه در قرآن کریم، تنها «سلطه» مانع روابط مسالمت آمیز مسلمانان با دیگران است. امر «سلطه» در آموزه های اسلامی ناقض عدالت و نافی هر گونه منطق ایجاد روابط مسالمت آمیز در میان بشریت است. منطق فکری و رفتاری قرآن کریم بر ضرورت

۱. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد

نیکی و عدالت مسلمانان با کفار - به استثنای کفار حربی - دلالت بر ظرفیت‌های دکرترین همزیستی مسالمت آمیز اسلام در پیشبرد منافع آحاد بشری دارد.

واژگان کلیدی: اسلام، بشریت، صلح، همزیستی، عدالت.

ماهیت خشونت تکفیری ها؛ رفتار مسلمانی یا رفتار اسلامی؟!

مهدی نادری^۱

حسین شبانی^۲

با ظهور و شکل گیری داعش به مثابه یک گروه سازمان یافته تکفیری و اقدامات ددمنشانه آنان از جمله جنگ، قتل، فعالیت‌های قهرآمیز و خشونت‌های نامشروع، این پرسش دیرین دوباره ذهن اندیشمندان و فرهیختگان عالم از جمله مسلمانان را به خود مشغول کرد که آیا اسلام دین جنگ است یا صلح؟ همزمان با افزایش فعالیت‌های گروه‌های تکفیری، تبلیغات تبشیری مسیحیت نیز افزایش یافت و عده‌ای را به این مقایسه و نتیجه رهنمود کرد که اسلام دین جنگ و مسیحیت دین صلح است. در نقطه مقابل، در جهان اسلام که خود اولین و بزرگترین قربانی فعالیت‌های خشونت آمیز تکفیری‌ها بوده است، تلاش‌هایی در جهت مبری کردن اسلام از هرگونه خشونت خواه مشروع و خواه نامشروع انجام گرفت و برخی نیز با مطرح کردن اسلام رحمانی تصویری کاملاً صلح جویانه از اسلام به نمایش گذاشتند و در برابر، اندیشمندانی هم هستند که با استناد به آیات مربوط به جهاد و دیگر متون اسلامی، جهاد و دفاع را جزء لاینفک آموزه‌های دینی می‌دانند. این نوشتار با تفکیک معنا، واقعیت و حقیقت دو «رفتار مسلمانی» و «رفتار اسلامی» می‌کوشد با استناد به منابع دسته اول دینی پیرامون این دو موضوع به تبیین ایده «جهاد فرعی بر اصل صلح» پردازد. منطق آموزه‌های وحیانی بر این نکته تأکید دارد که ضرورتاً رفتار مسلمانان، رفتار اسلامی نیست. از اینرو در ارزیابی رفتاری سیاسی - اجتماعی دولت‌ها،

۱. عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه شاهد.

۲. کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه شاهد.

سازمان‌ها، جریان‌ها و جنبش‌ها در جغرافیای سرزمینی و فرهنگی جهان اسلام، تمیز دو مقام رفتار مسلمانی و رفتار اسلامی امری بنیادین و معقول می‌باشد.

واژگان کلیدی: رفتار مسلمانان، رفتار اسلامی، جهاد، صلح، خشونت.

مصالحه سنت گرایی دینی و مدرنیته دینی: در مصاف با مساله صلح، حقوق بشر و شهروندی

سید محمود نجاتی حسینی(خراسانی)^۱

جهان کنونی که در آن زیست می کنیم با دو نیروی جامعه ای مهم - علم و دین - بر دو بافتار جامعه ای پایا و پویای شالوده ای - سنت و مدرنیته - شکل گرفته است. با وجود همه روایت های متضاد و متنوع و متکثری که از نحیف بودن یا افول سنت گرایی دینی و در عوض تشدید و تقویت مدرنیته علمی حکایت می کنند؛ اما به یک روایت غالب - قالب، که نقطه اتکای تئوریک این مقاله است، جهان کنونی همچنان بر مدار سنت گرایی دینی و مدرنیته علمی میچرخد. اما این خود خاستگاه یک مساله جامعه ای societal problem استراتژیکی شده است - که هم پرسشهای خاصی را ایجاد و هم پاسخهای جامعه شناختی خاصی را می طلبد:

«درحالی که سنت گرایی دینی بر لزوم اتکای جامعه و انسان اجتماعی بر "دین ورزی" religiosity الزام آور استوار است و هرچه جز این - از جمله مدرنیته علمی - را نمی پذیرد؛ و از سوی دیگر نیز مدرنیته علمی، برعکس این دیدگاه، بر ضرورت بنانهادن جامعه و زیست اجتماعی بر علم گرایی و دستاوردهای علم و تکنولوژی مدرن متمرکز است؛ و با توجه به این که پیامد جامعه ای ناخواسته و پیش بینی نشده ناشی از تعارض میان خواست سنت گرایی دینی و اراده مدرنیته علمی برای ایجاد هر گونه صلح جامعه ای societal peace و رعایت لوازم اجتماعی سیاسی حقوقی آن: آزادی مدنی، مدارا، حقوق بشر، شهروندی برابر فراگیر، عدالت اجتماعی، به رسمیت شناختن تفاوت های فرهنگی] مخاطره آمیز است، اگر نگوییم خطرناک و

۱. پژوهشگر مطالعات علم و دین / مدیر گروه دین در انجمن انسان شناسی ایران

وحشتناک؛ آن گاه چه امکانات حقوقی سیاسی و شرایط اجتماعی فرهنگی برای به مصالحه کشاندن این دوشکلبندی جامعه ای در مصاف با صلح، حقوق بشر و شهروندی متصور است؟». در مقاله حاضر ما - ضمن تکیه بر "روش مطالعات اسنادی" documentary methods و نیز با اتکا به منظرهای تئوریک مهم و مرتبط مشتمل بر: "جامعه شناسی دین" sociology of religion، "جامعه شناسی سیاسی-حقوقی" politico-legal sociology مطالعات صلح "peace studies" مطالعات دین "religious studies"؛ کوشش خواهیم کرد تا با ارجاع به نمونه هایی معرف از "متن" ها و "بافتار" های جوامع ادیان ابراهیمی [یهودیت- مسیحیت - اسلامیت] و آسیایی [هندو- بودیزم، کنفوسیوسی - تائوئیستی - شینتویی، زرتشتی] و اجتماعات و جماعت های دینی آن ها؛ توصیفی مقدماتی اما مبنایی از مستندات مساله مقاله فراهم آوریم.

واژگان کلیدی: سنت گرایی دینی، مدرنیته دینی، مساله صلح، حقوق بشر، شهروندی، جامعه شناسی دین، مطالعات صلح.

بررسی تأثیر چگونگی فهم سیاسی از اسلام در تشدید یا تخفیف خشونت در منطقه خاورمیانه (۲۰۰۱-۲۰۲۱)

رامین نصیری^۱

حسن قدرتی نژاد^۲

خاورمیانه از دیر باز کانون تمدن بشری و محل زایش و شکوه ادیان بزرگ آسمانی بوده است و به طور ویژه بعد از اکتشافات نفت و گاز، به کانون توجه کشورهای استعمارگر جهان تبدیل گردیده است. گریز ناپذیری پیوند میان سیاست و اسلام در این منطقه باعث شده است که استعمارگران غربی به دنبال نه حذف اسلام، بلکه ترویج و تبلیغ خوانش و فهم غلط از آن باشند تا بدین طریق موجب عقب رفت اجتماعی و انحطاط جامعه مسلمانان گردند. حادثه یا توطئه یازده سپتامبر سال ۲۰۱۱ میلادی به عنوان نقطه عطفی در رفتار سیاسی و اجتماعی و تشدید خشونت در منطقه خاورمیانه توسط استکبار جهانی به حساب می آید. و همزمان با این حادثه شاهد ترویج قرائت‌های مختلف از دین اسلام و فهم سیاسی متأخر از آن در این منطقه بوده‌ایم. در پژوهش حاضر محققان به دنبال بررسی چگونگی تأثیر فهم سیاسی از دین اسلام در تشدید یا تخفیف خشونت در منطقه خاورمیانه می‌باشند. بدین منظور ابتدا به ساکن انواع قرائت‌های نو از اسلام بررسی گردیده و در نهایت تأثیر هر کدام بر تشدید یا تخفیف خشونت در این منطقه تبیین می‌گردد. روش پژوهش کیفی بوده و شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع مطالعه اسناد کتابخانه‌ای می‌باشد. شایان ذکر است در این پژوهش استنباط شد که استکبار جهانی برای پیشبرد مقاصد سیاسی و استعماری خود به دنبال ناامن سازی و امنیتی کردن منطقه خاورمیانه در هزاره

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (آمریکای شمالی)، دانشگاه علامه طباطبائی تهران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

سوم میلادی می‌باشد تا بتواند در جهل و ناآگاهی جامعه مسلمانان به چپاول ثروت منطقه اقدام نماید. در واقع دین را به مثابه ابزاری برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی خود می‌دانند. در نهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد هرگاه فهم صحیح و درستی از اسلام مستدرک نگردد، خشونت و افراطی‌گری افزایش یافته و هرگاه فهم سیاسی صحیح از اسلام باشد، صلح و ثبات در جامعه و دوری از خشونت و افراطی‌گری را شاهد خواهیم بود.

واژگان کلیدی: اسلام، فهم سیاسی، خاورمیانه، تشدید خشونت، تخفیف خشونت.

جایگاه اجرای حقوق شهروندی از نگاه اسلام در کاهش منازعات حوزه امداد رسانی

زینب نعمتی،^۱ علی جهانخواه،^۲ مهدی خدایی^۳

رعایت حقوق شهروندی، اصلی مهم در جوامع بشری بر اساس اندیشه اسلامی است. با توجه به گسترش ارتباطات و افزایش جمعیت که نتیجه آن، بروز نیازهای متفاوت بشر است؛ وجود نظامی مشخص جهت پاسخ به آن و عدم تداخل منافع به خصوص در مورد برخی حوادث، مورد نیاز است. اسلام با ارائه روش معقولانه جهت نیل انسان به اهداف و تأمین نیازهایش تحت عنوان حقوق شهروندی و الزام به اجرای آن و نیز در نظر گرفتن تذکر و مجازات در صورت سرپیچی از آن، به این امر مهم پاسخ داده است. بر این اساس یکی از نیازهای مهم انسان که تحت لوای حقوق شهروندی رفع و تأمین می شود، یاری او در وقت تهدیدات جانی و مالی حوادث، توسط امدادگران بوده که جزء حقوق مسلم هر انسانی است. اما گاه در راستای پاسخ به این نیاز اساسی، به دلیل ضعف در اجرای حقوق شهروندی و عدم رعایت قوانین مربوطه، یاری رسانی در حوادث غیرمترقبه، با مزاحمت‌هایی روبه‌رو شده که سبب تداخل در کار امدادگران و بروز منازعات از طرف حادثه‌دیدگان می‌شود. حال سوال اصلی این است که رعایت حقوق شهروندی چگونه سبب کاهش منازعات مربوطه در حوزه امداد رسانی خواهد شد؟ روش تحقیق در این مقاله، توصیفی و تحلیلی است و هدف آن کاربرد یافته‌های در نهادهای امدادی و قوه قضاییه است. این مقاله بر محور نظریات حقوق شهروندی بسط یافته و یافته‌های آن نشان می‌دهد تطبیق

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳. ستادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

الزامات اجرای حقوق شهروندی و کاربرد آنها، موجب کاهش منازعات در حوزه امدادسانی خواهد شد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، اسلام، تزاخم، نزاع، حوادث، امدادسانی

دیدگاه دین به صلح جهانی: صلح بدون جنگ

محمد نورعالم^۱

شکل این دنیا در واقع بسیار زیباست. آفریدگار با برتری خود، این زمین را به طبیعت شگفت انگیزی آراسته است. اما در چشمان معمولی ما این شکل شگفت انگیز جهان را نمی بینیم. این به این دلیل است که جهان توسط تمدن استکباری انسان آلوده شده است. چنین شکل وحشتناکی از انسان متکبر، حرص، خشونت، نفرت و غیره است. اما انسان با عزت و شعور به دنیا می آید تا همه آن احساسات را به درستی کنترل کند. اما در گذشته، مردم به دلیل علاقه های هیولایی خود با یکدیگر در جنگ بودند. شکل جنگ در طول زمان تغییر کرده است، جنگ از وحشیانه به وحشیانه تر تبدیل شده است. شکل مخرب جنگ ترسناک تر شده است. با مشاهده آن شکل وحشتناک جنگ ویرانگر، صدایی در میان مردم آگاه جهان امروز بلند شده است که خواهان صلح هستند، نه جنگ. به همین دلیل است که امروز به صلح نیاز است. صلح جهانی به احساس صلح و برادری در میان مردم از هر نژاد، مذهب و کاست اشاره دارد. می تواند در وسط کل جهان یا در یک منطقه خاص باشد.

فرآیندهای ایجاد صلح در اکثر نقاط جهان توسط تروریسم، بنیادگرایی، مسائل قومیتی، مسائل مذهبی، مسائل زیست محیطی و نابرابری جنسیتی تهدید می شود. در نتیجه زندگی مردم عادی تباہ می شود. زمانی تصور می شد که جنگی برای برقراری صلح در جریان است. اما با گذشت زمان، جامعه شناسان بیهودگی این مفهوم را به کارشناسان ثابت کردند. آنها نشان داده اند که هیچ مشکلی در دنیا وجود ندارد که بدون جنگ حل نشود. به عبارت دیگر جنگ صلح نمی

۱. دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگانگ، بنگلادش

آورد، بلکه فضای ناآرامی را برای مدت طولانی ایجاد می کند. حل تمام مشکلات زندگی انسان با ایمان دینی امکان پذیر است. در تمام ادیان جهان از صلح صحبت شده است. به خصوص در اسلام به صلح بسیار اهمیت داده شده است. این یکی از اصول اسلام است. نابرابری اقتصادی در حال حاضر بزرگترین مانع برای صلح جهانی است. پیچیدگی های مرزی نیز مانع بزرگی بر سر راه صلح جهانی است. نابرابری مذهبی و قومی یکی از دلایل نابودی صلح جهانی است. همچنین عامل از بین رفتن آرامش داخلی است. نمونه های بارز جنگ بوسنی و هرزگوین. جنگ های داخلی در آفریقا و آسیا نیز نتیجه درگیری های قومی است. اگر یک درگیری مذهبی گسترده شود، می تواند به بسیاری از کشورهای دیگر سرایت کند. زیرا همین دولت های ملی گرا به طور طبیعی از مذاهب خودشان حمایت خواهند کرد. گاهی بی ثباتی داخلی یک دولت و مداخله ابرقدرت ها در منازعات سیاسی مانع برقراری صلح جهانی می شود. مانند جنگ داخلی در افغانستان و جنگ تحمیلی عراق به ایران. این مقاله بر روی «دیدگاه دین در مورد صلح جهانی: صلح بدون جنگ» و موانع مختلف صلح تمرکز خواهد کرد.

واژگان کلیدی: صلح، دین، خشونت، جنگ، دولت